

دبستان

رشد آموزش

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای مربیان پیش‌دبستانی، والدین، مدرسان و دانشجویان
دوره دهم | شماره ۲ | زمستان ۱۳۹۷ | ۶۴ صفحه | ۲۱۵۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۷
www.roshdmag.ir



مهر خاوران

بهمن، فرایمان ماست

«استقلال، آزادی»

شهیدان، پیچیده در گوش زمان فریادتان

جمهوری اسلامی ایران

سرزداز افق

فروغ دیده حق باوران

پیامت ای امام

نقش جان ماست

باینده مانی و جاودان

• هست‌ها و بایدهای شعر کودک • نقش مربی پیش‌دبستان در تربیت کودک هنرمند یا کودک خلاق؟
• بهترین‌ها را در دیگران بنگرید • یادگیری کارآفرینانه به عنوان حوزه برآمده در آموزش کودکان

هر اسباب‌بازی یک روایتگر تاریخی است

برای خوانندگان

۱. لطفاً عکسی از اسباب‌بازی قدیمی، سنتی محل خود بفرستید و اگر در مورد آن شرح مختصری بدهید به چاپ خواهد رسید.

۲. چنانچه از مادر بزرگ و پدر بزرگ‌ها در مورد اسباب‌بازی ساخته خود و یا وسایل بازی که در اختیار داشته‌اند می‌شنوید برایمان بنویسید.





رشد آموزش

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای مربیان مراکز پیش‌دستانی، والدین، دانشجویان و کارشناسان آموزشی | دوره دهم | شماره ۲ | زمستان ۱۳۹۷ | صفحه ۶۴



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: دکتر فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:

مرتضی طاهری
فریده عصاره
مرتضی مجدفر
مسعود تهرانی فرجاد
سیدغلامرضا فلسفی
مینا نجفی
فریبرز محمدی فارسانی
مدیر داخلی: الهام الیکایی
ویراستار: افسانه حجتی طباطبائی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
نشانی دفتر مجله:

تهران، ابرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۹۱-۹
(داخلی ۴۱۳)

نمبر مجله: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶
صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام‌نگار: pishdabestani@roshdmag.ir
پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۷
چاپ و توزیع: شرکت افست
شمارگان: ۶۲۰۰ نسخه

- یادداشت سردبیر / تأثیر آزاردهنده‌های ذهنی بر کودکان، کمتر از آزاردهنده‌های جسمی و روانی نیست / ۲
- گفت‌وگو / هست‌ها و باید‌های شعر کودک / گفت‌وگو با احمد مهرداد (دلسوز شعر کودکان) / ۵
- گزارش / گزارش کارگاه آموزشی محتوای پیش‌دستان اداره کل آموزش و پرورش استان البرز / یونس جاویدنسب / ۸
- آموزشی / یادگیری کارآفرینانه به‌عنوان حوزه برآمده در آموزش کودکان / بتول سبزه / ۱۰
- آموزشی / جایگاه آموزه‌های زیست‌محیطی در برنامه آموزشی دوره پیش‌دستان / حمیدرضا محمدیگی / ۱۲
- آموزشی / تأثیر محرومیت محیطی در سه سال اول زندگی بر رشد و تحول کودک از منظر علوم اعصاب / سیدنبی‌الله قاسم‌تبار / ۱۵
- آموزشی / سیاست‌های راهبردی کشورهای پیشرفته در آموزش دوران اولیه کودک / سلمان آخش / ۱۸
- آموزشی / کودکان و آلودگی هوا / مرتضی طاهری / ۱۹
- آموزشی / انتخاب رویکرد‌های اسکوپ در آموزش پیش از دبستان / فریبرز محمدی فارسانی / ۲۰
- آموزشی / برخی از آسیب‌های گریم یا آرایش صورت کودکان / دکتر مرتضی مجدفر / ۲۳
- آموزشی / تولد بچه دیگر؛ دوست یا دشمن بچه اول؟ / فریده عصاره / ۲۶
- شاهد کلام و وحی / پیامدهای تربیت اجتماعی کودکان در پرتو آموزه‌های قرآن / مسعود تهرانی فرجاد / ۳۰
- آموزشی / بهترین‌ها را در دیگران بنگرید / دکتر مرجان گودرزی / ۳۲
- آموزشی / اعتیاد والدین به رسانه یا اعتیاد کودک به رسانه، کدام نگران‌کننده‌تر است؟ / سیدغلامرضا فلسفی / ۳۶
- آموزشی / نیازسنجی آموزش مربیان پیش‌دستان به شیوه دیکوم / دکتر محمد نیرو / ۳۸
- آموزشی / کیستی و چیستی ما در دوران کودکی شکل می‌گیرد / گزارش از نصرالله دادار / ۴۲
- پژوهشی / بازی آزاد / ترجمه صابر عبدالملکی / ۴۸
- آموزشی / آموزش والدین / مریم پورسلطانی / ۵۲
- آموزشی / نقش مربی پیش‌دستان در تربیت کودک هنرمند یا کودک خلاق؟ / دکتر پرستو حریری / ۵۶
- آموزشی / ضرورت آموزش مهارت‌های بهداشتی به کودکان / سیدعلی خالقی نژاد / ۶۰
- آموزشی / من می‌توانم وارد پیش‌دستانی عادی شوم، اگر ... / مینا حسینی / ۶۲
- معرفی کتاب / توران میرهادی / دکتر مریم باریک‌بین / ۶۳

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

• مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا ماشین‌نویس (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). • نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. • محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسندگان یا مترجم است. • مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.



تأثیر آزاردهنده‌های ذهنی بر کودکان، کمتر از آزاردهنده‌های جسمی و روانی نیست

- با پدیده ناهنجار و خطرناک و فاجعه‌بار دریافت اطلاعات غیرمستند و منفی در کودکان چه باید کرد؟
- آزاردهنده‌های ذهنی کدام‌اند؟
- ریشه‌های نگرش مثبت و منفی در کودکان از سال‌های اولیه کدام‌اند؟

امروزه کودکان در سراسر دنیا در معرض آلودگی‌های شنیداری و دیداری و اطلاعات گاه غیرمستند و منفی قرار می‌گیرند. آن‌ها گاه بهت‌زده و نگران به صحنه‌ها و خبرها می‌نگرند و از آنچه می‌شنوند، چندان سر در نمی‌آورند؛ اینکه معلمان حقوقشان کم است، کامیون‌داران اعتصاب کرده‌اند و ماشین‌هایشان در جاده‌ها ردیف شده است، مردم طالب پول‌هایشان هستند و پلاکارد در دست، ملت‌مانه حق خود را می‌خواهند؛ اینکه مادری بچه در بغل و یا پدری پسر در کنار، در صف راه می‌پیماید و پول ساختمان و خانه‌اش را از غاصبان طلب می‌کند، شاهد دیدن پول اسکناس دلار و یا دیگر ارزهای خارجی است که حتی نمی‌داند ارزش و کارکرد آن‌ها چیست ولی از مادر و پدر و حتی



مری و مدیر مدرسه خود و یا در تاکسی می‌شنود که گران و یا ارزان شده است. در حقیقت، او انعکاس خبر خوب و یا بد را از طریق لبخند و گشادگی در چهره‌ها و یا اخم و ترش‌رویی و گاه بد و بیراه بزرگ‌ترها در می‌یابد.

کودک کلماتی چون برجام و نافرجام و ترور، تروریست و مرگ و جنگ و زورگویی را می‌شنود و داد و بیداد صحنه‌های علنی مجلس، از طریق اخبار، در حالی که در خانه و در کنار پدر و مادر نشسته است به گوشش می‌رسد. از گرانی و فقر و فساد و پولدار شدن بسیار می‌شنود و شاهد است که میوه، گوشت، لبنیات و ارزاق عمومی گران شده است و یا می‌شنود که «ما قدرت خرید گوشت نداریم، باید صرفه‌جویی کنیم، هوا آلوده است، آب آلوده است، خاک آلوده است».

می‌شنود که دوستان که هستند و دشمنان ما کدام‌اند و بسیاری شنیده‌های دیگر، ناخواسته فکر و ذهن کودکان امروزی را پُر می‌کند. این خبرها چه مستند و چه غیرمستند، تأثیرات مخرب و بسیار خطرناکی بر پیکره روانی و ذهنی کودکان ما و از سال‌های پایه می‌گذارند. آن‌ها ممکن است قدرت تحلیل شنیده‌ها و دیده‌های خود را در این سال‌ها نداشته باشند ولی ذهنشان آمادگی پذیرش و نگهداری و ذخیره‌سازی بسیاری از اطلاعات و داده‌ها را چه به‌صورت ناخوشایند و چه خوشایند دارد. **من این اطلاعات نادرست و ناهنجار را برای کودکان بسیار مسموم‌کننده می‌دانم و از آن‌ها به‌عنوان «آزاردهنده‌های ذهنی» یاد می‌کنم** و معتقدم که تأثیر بد آن‌ها کمتر از آزاردهنده‌های جنسی و بدنی و روانی نیست. کودکی که از این سال‌ها ذخایر ارزشمند ذهنی‌اش با مطالبی پر می‌شود که تأثیرات درست یا نادرست آن در سال‌های بعد نمایان می‌شود، از امروز استحقاق بیشتری برای کسب اطلاعات درست، مستند و زیبا دارد. افکار منفی و ناپسند و ناموزون می‌تواند زیبایی اندیشه و دلبذیری زندگی و دوست داشتن و ارتباط با دیگران را در کودکان خدشه‌دار کند.

کودکان ما حق دارند در سال‌های اولیه زندگی با صحنه‌های خوب و خوشایند روبه‌رو شوند، کلمات نو، زیبا و دلبذیری از بزرگ‌ترها بشنوند و اطلاعات درست، و مثبتی دریافت کنند. در غیر این صورت، جبران و زدودن زنگاره‌های عاطفی ایجاد شده

و نیز جایگزین آزاردهنده‌ها و ابهام در تشخیص سره از ناسره، و پذیرش دنیا به‌عنوان مکانی زیبا برای زیستن، در آینده برایشان مشکل و گاه غیرقابل قبول خواهد شد.

در حقیقت، به وجود آوردن تصویر درست و نیات مثبت مهارتی است که می‌تواند برای کودکان از طریق بزرگ‌ترها، رسانه‌ها، جامعه و مریبان و پرورشکاران خلق شود و به‌ویژه در زمینه آموزش مقابله با زورگویی و قلدری‌های افراد نابکار و نامطمئن می‌تواند سازنده و مثبت باشد. وقتی کودک ما به علت ابهام‌های زیاد در ذهنش و شنیده‌های نادرست فراوان نگران، مضطرب و ناراحت می‌شود، در حقیقت **مراکز کنشگر ذهنی** او نیز حرکتی کند پیدا می‌کنند. به عبارت ساده‌تر، راه بر کسب مهارت‌های عالی‌تر ذهنی بسته می‌شود و خلاقیت‌ها کاهش می‌یابد؛ زیرا اطلاعات نادرست و نامطمئن همیشه می‌تواند مسموم‌کننده فعالیت‌های ذهنی و باعث کارکردهای مغزی نازیبا شود. **در حالی که مثبت‌اندیشی و دریافت اطلاعات مستند و زیبا می‌تواند کودکان را مستعد و پذیرای کمک، مهربانی و عدالت‌جویی بار آورد.**

ناگفته پیداست که نمونه‌های زیاد و سخنان بسیار در این باره وجود دارد اما قصدم در اینجا بیان یافته‌های پژوهش بسیار در مورد تأثیر افکار منفی و تأثیر مثبت آن بر رشد و تحول کلی کودکان از پایه نیست و ان‌شاءالله در فرصت‌های دیگر می‌شود بدان‌ها پرداخت.

پس چه باید کرد؟

راهکارهایی کوتاه و ساده در وهله اول برای دستیابی به کاهش تنش و ناراحتی و دلهره و اضطراب و ابهام لحظه‌ای کودکان وجود دارد که تا حدودی مسئولیت ما را شکل می‌دهد.

۱. به‌عنوان افراد بزرگ‌تر چه در خانواده و چه



در مراکز آموزشی، مهدهای کودک، کودکانستان‌ها و مراکز پیش‌دبستانی سعی کنیم موقعیت‌های ترسناک و دلهره‌آور را با برنامه‌ریزی و تنظیم فعالیت‌های بازی و سرگرمی‌های مثبت برای کودکان پُر کنیم.

۲. از طریق فعالیت‌های نمایشی، کلمات مثبت، راه‌حل‌های غیرانتقام‌جویانه، عدالت‌خواهی توأم با مهربانی را در آنان شکل دهیم.

۳. به زبان ساده و با بیان قصه‌های شیرین که پایان خوش و راحتی دارند، وضعیت فقر و ثروت را به بچه‌ها توضیح دهیم و آن‌ها را در این‌باره توجیه کنیم.

۴. سعی کنیم خودمان الگو و سرمشق مثبت‌اندیشی باشیم و در موارد بحرانی بعضی کلمات نامفهوم و پر از ابهام شنیده شده از رسانه‌ها (با در صف اتوبوس و مترو) را برایشان توضیح دهیم

که مثلاً چرا جنگ می‌شود و خوب نیست و چرا صلح و دوستی و گفت‌وگو و مثبت‌اندیشی خوب و پسندیده است.

۵. ذهن کودکان را از حرف‌های غیرمستند و خطرناک و برگرفته از کلیپ‌های تنظیم شده و گاه غیرواقعی (شنیده شده از بزرگ‌ترها) دور نگه داریم و با توضیحات درست، افکار امیدوارکننده‌ای را در آنان شکل دهیم.

۶. کودکان را برای تصمیم‌گیری‌های درست و خلاق و نیز هدایت به سمت راه‌حل‌های معقول از طریق بازی‌های نمایشی سوق دهیم.

۷. از دادن اطلاعات غیرمستند و خبرهای بغض‌آلود و فریب‌کاری‌ها که گاه به‌عنوان زرنگی از آن‌ها یاد می‌شود، دوری کنیم و در عوض، قدرت پیروزی و برنده شدن در صورت تلاش را در ذهن آن‌ها بارزتر کنیم.

۸. سطح امید و کامیابی و میل به تغییر را از راه‌های اندیشمندان و سیاست‌های بخردانه و رفتارهای عاقلانه در ذهن کودکان تقویت کنیم تا آثار مخرب آزاردهنده‌های ذهنی و کلمات پر از ناامیدی و ناشکیبایی در سازوکار و نظام ذهنی کودکان کاهش یابد.

۹. عادت تحلیل و تفکر و پرسش درباره وقایع و رویدادها را قبل از قضاوت عجولانه و انتقال گفته‌ها بدون اندیشه کردن، از همان سال‌های اولیه در کودکان به وجود آوریم. تحقق این امر مهم از طریق خانواده، مراکز آموزشی و رسانه‌های اجتماعی به خوبی میسر است.

۱۰. برای کودکان جلسات گفت‌وگو درباره مشکلات ساده پیرامون و شنیده‌هایشان ترتیب دهیم تا آنچه را شنیده‌اند، به درستی بیان کنند و پاسخ بگیرند. امیدوارم که مقبول افتد. و اما ... نکته مهم دیگر، ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی و دیجیتالی هم‌زمان با شماره پاییز ۱۳۹۷ است که خوشبختانه این امر مهم با حمایت همکاران و علاقه‌مندان و تأیید مدیر مسئول محترم مجلات رشد و هیئت برنامه‌ریزان مجله به شکل خوبی به اجرا درآمده است. به این ترتیب، خوانندگان مجله علاوه بر دسترسی به شکل مکتوب مجله، آن را به شکل دیجیتالی نیز می‌توانند دریافت کنند و از اطلاعات همراه با ویدیو و عکس‌های هدایتگر دیگر بهره ببرند.

در پایان، ضمن تشکر از همه کسانی که با ارسال مقاله‌ها و نوشته‌های خود ما را همراهی می‌کنند، از همه عزیزان می‌خواهیم که با طرح پیشنهادهای دیدگاه‌ها یا ارسال اطلاعات بیشتر در شکل‌دهی به این مهم نیز ما را یاری‌رسان باشند. از مربیان، مدیران و کارشناسان و دانشجویان و خانواده‌های محترم نیز به خاطر حمایت‌هایشان سپاسگزاریم. حق این است که در همه حال کودکان را دوست بداریم. زمستان گرم، راحت و خوشی داشته باشید.

سردبیر



گفت‌وگو با احمد مهرداد (دلسوز شعر کودکان) هست‌ها و باید‌های شعر کودک



اشاره

در راستای هدف‌های اطلاع‌رسانی مجله و براساس مصوبات جلسات هیئت تحریریه مقرر شد که از افراد صاحب‌نظر در حوزه ادبیات و کودک از جمله شعر و قصه در جلسات دعوت به عمل آید و حاصل به‌صورت گفت‌وگو در مجله به چاپ برسد. بر این اساس، میهمان این شماره فصلنامه آقای احمد مهرداد، شاعر گرامی بود که در این گفت‌وگو از دیدگاه‌های ایشان بهره خواهیم برد.

شعر با خون
و جان ما
ایرانیان
آمیختگی و
پیوستگی
دارد، در
گاه‌گاه
زندگی ما
جای دارد و
این نشان
بالندگی
و پویایی
فرهنگ
ایران است

احمد مهرداد: اجازه بفرمایید، اثبات و اقرار به همدلی با شما عزیزان را با این دل‌سروده آغاز کنم:

بچه‌هایم بوی هستی می‌دهند
بوی عشق و شور و مستی می‌دهند
دانش‌آموزان خوب مدرسه
بوی ناب حق‌پرستی می‌دهند

هنگامی که از کودک و مدرسه سخن می‌گوییم، انسان به یاد گل‌ها و درختان زیبایی می‌افتد که عاشقانه در این محیط ملکوتی رشد یافته‌اند و برخی از آنان به سروهای تناوری تبدیل شده‌اند؛ مانند همه شما دوستان ارجمند که در این مجله وزین کاری کارستان می‌کنید.

شعر با خون و جان ما ایرانیان آمیختگی و پیوستگی دارد، در گاه‌گاه زندگی ما جای دارد و این نشان بالندگی و پویایی فرهنگ ایران است؛ شعرهایی سراسر موسیقی و حکمت و خرد و عشق که زندگی‌سازند و موجب ماندگاری ما هستند. وقتی شاعر یا نویسنده می‌خواهد برای دانش‌آموز شعر بگوید، لازم است در گام نخستین عاشق و دل‌داده این گروه سنی باشد؛ چون عشق چاشنی شعر ماندگار و مؤثر است. در گام بعد لازم است درس این کار را خوانده باشد، مطلع و آگاه و هدفمند قلم بزند و هست‌ها و باید‌های این حوزه را به جان



«شعر
گفتن هدف
نیست،
بلکه وسیله
است، آن
هم وسیله
بیداری و
هشیاری»

بازی‌های رایانه‌ای و فیلم‌ها و کارتون‌هایی هستند که فقط می‌بیند و کسی نیست که با او همبازی شود، برایش شعر بخواند یا با هم شعر و قصه بخوانند.

مشکل این است که پدر و مادرهای جوان امروز خودشان هم نه قصه شنیده‌اند و نه قصه‌گویی و قصه‌خوانی می‌دانند. سرزمینی که قصه و قصه‌گو ندارد، آرام‌آرام بخشی از تاریخ و فرهنگش تحلیل می‌رود، پیوندهای بین نسل‌هایش گسیخته و یا ضعیف می‌شوند، صبر و شکیبایی و تحمل میل و سلیقه و اندیشه دیگران دشوار می‌گردد و در نهایت، کودکان پرورده این جامعه، نسلی بی‌آرمان و بی‌آرزو را تشکیل می‌دهند که به هر سو و جهتی تمایل می‌یابند.

به نظر من، ما در بخش آموزش و پرورش کشورمان شیپور را از دهان گشادش می‌نوازیم. بیشترین توجه و عنایت مسئولان به این

و تجربه آموخته باشد.

ما با این تصور که دانش‌آموز، کودک است نباید به راحتی جرئت کنیم وارد این میدان بشویم. این عرصه، عرصه بسیار خطرناکی است، اینجا مسیر لغزنده است، اینجا «راهر و گر صد هنر دارد توکل بایدش».

شاعر این عرصه باید بداند که چه می‌خواهد بگوید، در چه قالبی بگوید، با کدام سطح از زبان بگوید، برای کدام مخاطب می‌سراید و کدام هدف مدنظر است و سخنش مستند به کدام منبع و مأخذ و مرجع است.

این مفهوم عمیق را نباید از خاطر برد که «شعر گفتن هدف نیست، بلکه وسیله است، آن هم وسیله بیداری و هشیاری». بسیاری از لایه‌ها و شعرهای ما ابزار خواباندن هستند؛ در حالی که ما ابزار هشیاری و بیداری توأم و نهادینه کردن فرهنگ و آیین را می‌خواهیم. از این رو وقتی شاعری برای کودک شعر می‌گوید، شایسته است که مطالعاتش بسیار عمیق و عینی و به‌روز باشد، روان‌شناسی کودک خوانده باشد، آناتومی کودک را بشناسد، روان‌شناسی رشد و یادگیری را بداند و با گنجینه واژگان گروه مخاطبانش آشنا باشد و این کاری بسیار سترگ و دشوار است. مولوی، این شاعر فرزانه و متفکر بیتی زیبا و بسیار عمیق دارد:

چون که با کودک سروکارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

این مقدمه بر این دلالت دارد که کار شعر کودک در کشور ما هنوز با مرحله کمال شعر پارسی بسیار فاصله دارد و تلاش عزیزانی که در این حوزه سروده‌هایی دارند، نیز قابل احترام و حائز ارزش است ولی کافی نیست.

امروزه در بسیاری از اشعاری که برای کودکان سروده شده، حضور مسائل زیرساختی فرهنگ و اخلاق و باورهای ملی و دینی و ... کم‌رنگ و در برخی آثار کاملاً بی‌رنگ است و همه‌چیز تحت الشعاع وزن و آهنگ شعر قرار گرفته است؛ آن هم وزن و آهنگی که خودش هم بسیار ابتدایی و لنگ است و قافیه شعر و شاعر هم بسیار تنگ.

شعر کودک با شعر بزرگسال علاوه بر محدودیت گنجینه واژگان و برخی محدودیت‌های دیگر، باید از این ویژگی منحصر به فرد برخوردار باشد که با وجود یک رابطه بتواند با مخاطب ویژه خود ارتباط و پیوند ایجاد کند.

غربت کتاب شعر و قصه

از سوی دیگر امروز کودک ما، همه‌چیز دارد. نسبت به کودکان نسل‌های پیشین بسیار مرفه و دارای امکانات است ولی روحش خسته و تنهاست؛ چون محصول پدر و مادری تنهاست. از بازی‌های گروهی داخل حیاط و کوچه محروم است، تجربه‌هایش، تجربه‌های گسیخته است، متناسب با سن خودش تجربه کودکانه ندارد. بیشترین عامل فرهنگ‌ساز او،

بی‌گناه به بخش پیش‌دبستانی می‌رفتم و برای بچه‌ها قصه می‌گفتم و خدا می‌داند که معنی عشق را با تمام ذرات وجودم می‌فهمیدم و درک می‌کردم.

خاطرهم هست روزی که آموزگار پیش‌دبستانی به علت بیماری کم‌حوصله بود، بچه‌ها به دفتر من آمدند و می‌گفتند: «آقای مدیر، لطفاً به کلاس ما بیایید و برای خانم ما که بیمار است قصه بگویید تا حالش بهتر شود.» این یعنی عشق، یعنی زیستن و ماندن و بالیدن.

اگر ما با این مخاطبان پرسرعت و عجل و ندویم و به سرعت این‌ها نرسیم، جا می‌مانیم؛ با یک دنیا خاطراتی که در قفسه تاریخ زندگی‌مان، موزه‌ای خواهند شد.

از نظر شما، مهم‌ترین مؤلفه‌های شعر کودک چیست؟

مشکلی که دیرینه تأسّف‌باری هم دارد و در بیشتر سخنرانی‌ها و کتاب‌ها، به‌وفور دیده می‌شود، ناآشنایی سخنرانان و نویسندگان با مخاطب است. مخاطب گوش می‌دهد و مطالب را گسیخته دریافت می‌کند و به‌عنوان یک دانش شفاف‌ی در پس ذهن خود نگاه می‌دارد ولی به ندرت به‌کار می‌بندد؛ چون گسیخته و غیرعینی فرا گرفته است. باید همه کتاب‌ها قبل از چاپ بازنگری و متناسب با گنجینه واژگان هر گروه سنی، تدوین و تولید شود.

اگر در کتاب کودک به‌صورت بسیار عمیق‌تر و تخصصی‌تر نگاه کنیم، درمی‌یابیم که مسئله تأثیرگذار نوشتن و انتخاب موضوع و محتوا بسیار مهم است و شاید این بحث زبان کودک، و ادبیات تعامل با وی بتواند موضوع پایان‌نامه‌های بسیار موفق و مؤثر و کارسازی باشد.

در پایان از همه شما عزیزانی که این فرصت درددل را فراهم آوردید، بسیار سپاسگزاری می‌کنم و از خداوند برای عزیزانی که به‌وجوه متفاوت حق‌تعلیم‌و تربیت بر گردن ما دارند و رخ در نقاب خاک تیره کشیده‌اند، آرامش و غفران و علو مرتبه رضوانی را مسئلت می‌نمایم.

وقتی شاعری برای کودک شعر می‌گوید شایسته است که مطالعاتش بسیار عمیق و عینی و به‌روز باشد، روان‌شناسی کودک خوانده باشد، آناتومی کودک را بشناسد، روان‌شناسی رشد و یادگیری را بداند و با گنجینه واژگان گروه مخاطبان آشنا باشد و این کاری بسیار سترگ و دشوار است



است که بهترین و متخصص‌ترین آموزگاران را برای سال‌های پایانی دبیرستان در نظر بگیرند و نگاهشان به سرشاخه‌های این نسل است؛ در حالی که ریشه آموزش و پرورش که در بخش پیش‌دبستانی است فراموش شده است.

امروز بخش پیش‌دبستانی ما را که شامل دو دوره خانه و مدرسه است، چه کسانی و با چه تخصص‌ها و مهارت‌هایی اداره و هدایت می‌کنند؟ این سؤال، شاید یک سؤال تاریخی باشد که چرا مهم‌ترین پایه و بخش آموزش و پرورش‌مان، متولی درس خوانده و مهارت‌آموخته متناسب با اهمیت این پایه ندارد؟

شاید لازم باشد در دوره دبیرستان‌های دخترانه چند واحد درسی مثل قصه‌گویی و قصه‌خوانی و کودک‌شناسی گنجانده شود تا این مادران آینده و متولیان بخش آغازین آموزش و پرورش ما، بدانند که در آینده با چه مخاطب مهمی سروکار دارند و ادبیات تعامل مادی را از قیل آموخته باشند.

رابطه شعر و قصه و مربیان را چگونه می‌بینید؟ در زمانی که مسئولیت یک مجتمع را به عهده داشتیم، گاه و



گزارش کارگاه آموزشی محتوای پیش دبستان اداره کل آموزش و پرورش استان البرز

در این راستا، برنامه آموزش و پرورش این دوره باید متناسب با سن و نیازهای دوره کودکی باشد و ضمن تناسب فعالیت‌ها با توانایی کودکان پیش دبستان، تجاربی برای رشد ذهنی، زبانی، جسمی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی آنان، با توجه به فرهنگ ملی و بومی فراهم آورد و با ساختن مبنایی قوی برای سهولت رشد بعدی و بارور شدن استعدادها، کودک را یاری کند. با در نظر گرفتن مهم‌ترین ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان پیش دبستانی و نیازهای اساسی آنان و با توجه به اهمیت نقش حیاتی مربی در این دوره، شایسته است که در تدوین اهداف آموزشی و پرورشی و شکوفاسازی توانمندی‌های بالقوه این کودکان، ضمن بهره‌مندی از وجود مربیانی آشنا به مبانی روان‌شناختی، تربیتی، آشنا با ویژگی‌های فطری و طبیعی کودکان، برخوردار از صبوری، خوش‌رویی، محبت، مهربانی، بصیرت و آینده‌نگری و تعهد، بیشترین ارزش را برای پرورش و هدایت حس کنجکاو و تقویت مهارت‌ها، استعدادها و توانمندی‌های بالقوه کودکان در جهت توسعه رفتارهای کنجکاوانه، هوشمندانه و عاقلانه آنان قائل شویم.

هفت سال اول زندگی کودک، یعنی سنین پیش دبستانی، پایه و اساس شخصیت او را تشکیل می‌دهد و اگر این دوره، آن گونه که پیامبر خدا (ص) فرموده‌اند، با عطف و مهربانی، محبت‌پذیری و اقتدار عاطفی کودکان همراه باشد، قوی‌ترین، سالم‌ترین و متعادل‌ترین ستون‌های تکوین شخصیت پی‌ریزی می‌شود. در این صورت، بچه‌ها بیشترین آمادگی روانی و ذهنی را برای یادگیری (هفت سال دوم) می‌یابند و آمیزه‌ای از محبت‌پذیری و آموزش‌پذیری، آنان را برای زندگی اجتماعی در هفت سال سوم زندگی آماده می‌کند. این دوره می‌تواند مقدمه خوبی برای آموزش مهارت‌های ساده باشد. کودک برای برخورداری کامل از آموزش‌های دوره ابتدایی، به آمادگی و زمینه‌سازی فکری، جسمی و روانی نیاز دارد که به کمک خانواده، مدرسه و جامعه محقق می‌شود. در دوره پیش دبستان، کودکان از طریق فعالیت‌های مختلف شامل بازی، کار دستی، قصه، شعر، نقاشی، نمایش خلاق، بحث و گفت‌وگو، مشاهده، آزمایش، گردش علمی، تماشای فیلم و آشنایی با نحوه استفاده از فناوری‌های جدید، به تدریج چگونگی ارتباط با محیط و همسالان را می‌آموزند و امکان استفاده از توانمندی‌های خود را به دست می‌آورند.



صورت می‌گیرد و رشد آنان در همه ابعاد اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و... به منظور کمک به پیشرفت نوآموزان در امر یادگیری بررسی می‌شود. عملکرد یک کودک را نباید با عملکرد کودک دیگر مقایسه کرد و رفتار هر کودک تنها با رفتار گذشته خودش قابل مقایسه است. بنابراین، دستیابی کودک به حد معینی از یادگیری مورد انتظار نیست. ارزشیابی در این دوره از طریق مشاهده رفتار کودک در گروه و به صورت توصیفی انجام می‌گیرد و از هرگونه آزمون و نمره‌دهی و صدور کارنامه پرهیز می‌شود. بنابراین، ارزشیابی به صورت مستمر، غیررسمی و در راستای برنامه و به منظور کمک به کودک انجام می‌گیرد.

آموزش در دوره پیش‌دبستان از طریق شعر، قصه، کاردستی، نقاشی، بازی، نمایش خلاق، اجرای آزمایش، بحث و گفت‌وگو، مشاهده و گردش علمی صورت می‌پذیرد. تمامی این روش‌ها به رشد همه‌جانبه کودک کمک شایانی می‌کنند و در بسته آموزشی ارائه شده (**من و خدای مهربانم**) تمامی روش‌های مذکور قابلیت اجرا دارند.

محتوای آموزشی پیش‌دبستانی از چهار بخش و ۱۵ مفهوم مشتمل بر موارد زیر تشکیل شده است.

- بخش اول (کتاب اول/ من و توانایی‌هایم): مفاهیم: بدنم، تفکر، احساساتم و نیازهای من؛
- بخش دوم (کتاب دوم/ من و خدای مهربان): مفاهیم: شناخت خدا، خدا چی دوست داره، حرف‌های من با خدا و جشن‌های خدایی؛
- بخش سوم (کتاب سوم/ من و طبیعت): مفاهیم: گیاهان، جانوران و طبیعت - پدیده‌ها؛
- بخش چهارم (کتاب چهارم/ من و اطرافیانم): مفاهیم: خانواده، خویشاوندان و همسایه‌ها.

در این کارگاه آموزشی بعد از بیان اهداف و معرفی بسته آموزشی، مربیان پیش‌دبستان به چهار گروه تقسیم شدند و هر گروه یک مفهوم از یک کتاب را در مدت تعیین شده بررسی و تدریس کردند. در حین تدریس، مطالب مورد نیاز و نحوه استفاده از لوحه‌های آموزشی به مربیان آموزش داده شد.



کارگاه آموزشی ویژه مربیان پیش‌دبستانی با هدف آشنایی هرچه بیشتر مربیان پیش‌دبستانی با نحوه تدریس محتوای آموزشی ارائه شده (**بسته من و خدای مهربانم**) از طرف اداره کل آموزش و پرورش استان البرز با مدرسی خانم‌ها فاضلی و قنبری، کارشناسان دفتر تألیف و مؤلفان محتوای آموزشی پیش‌دبستانی، در چهار روز برگزار شد. در این کارگاه آموزشی، ۷۳۲ نفر از مربیان پیش‌دبستان نواحی چهارگانه کرج و شهرستان‌های ساوجبلاغ، اشتهارد، نظرآباد و طالقان در دو نوبت صبح و عصر از تجارب مدرسان و همکاران استفاده کردند. در ساعات اول این کارگاه آموزشی، برنامه درسی پیش‌دبستانی تبیین شد و ویژگی‌های رشد و فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی بررسی گردید. ساعت دوم به معرفی اجزای بسته (**من و خدای مهربانم**)، اهداف مورد نظر در بسته، معرفی فعالیت‌های بسته، نحوه استفاده از بسته و پرسش و پاسخ اختصاص داشت. مطالب مطرح شده در جلسات آموزشی به‌طور خلاصه در ادامه آمده است.

اهداف برنامه و فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی

۱. پرورش مهارت‌های جسمی - حرکتی، ۲. پرورش روحیه و رفتار عاطفی،
۳. پرورش مهارت‌های ذهنی، ۴. پرورش صفات اخلاقی و رفتارهای اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، ۵. انس با قرآن و علاقه به یادگیری آن، ۶. پرورش ذوق هنری و زیبایی‌شناسی، ۷. تقویت حس دینی و علائق مذهبی، ۸. پرورش هویت ملی، ۹. پرورش مهارت‌های زبان فارسی، ۱۰. ارتقای سطح بهداشت و ایمنی، و ۱۱. آشنایی با محیط‌زیست و علاقه به آن و انس با طبیعت و حفظ آن. در این راستا، مدرسان ابتدا نحوه ارزشیابی در دوره پیش‌دبستان را به شکل مشاهده عملکرد گروه تبیین کردند. ارزشیابی کودکان حین فرایند یادگیری

یادگیری کارآفرینانه به عنوان حوزه برآمده در آموزش کودکان

اشاره

مسلماً مطرح کردن آموزش کارآفرینی در دورهٔ پیش‌دبستان، چالش‌ها و سؤال‌های مختلفی را عنوان می‌کند. به زعم لفلر^۱ (۲۰۱۴)، زمانی که در یک موقعیت آموزشی مثل پیش از دبستان، دربارهٔ آموزش کارآفرینی صحبت می‌شود، لغت کارآفرینی به دو معنی تقسیم می‌گردد: یکی کارآفرینی^۲ که به کسب‌وکار مربوط می‌شود و دیگری جسارت و عمل^۳ که به افزایش مهارت‌های کارآفرینانه در جهت رشد فردی از قبیل: توانایی کودکان برای نوآوری و ابتکار، کشف و جست‌وجوی فرصت‌ها، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و همدلی، اعتماد به نفس و خلاقیت اشاره دارد.

چالش و کشمکش بین این دو دیدگاه، یعنی کارآفرینی به معنای کسب‌وکار و دیگری کارآفرینی به معنای توسعهٔ مهارت‌های کارآفرینانه، می‌تواند در تحقیقات بسیاری ردیابی شود. تحقیقات آیردال و جونز^۴ (۲۰۱۰) نشان داده است که آموزش کارآفرینی برای یادگیری کسب‌وکار می‌تواند به راحتی در یک مرحلهٔ آموزشی و در قالب یک موضوع مرتبط آموزش داده شود؛ در صورتی که آموزش مهارت‌های کارآفرینی به عنوان جنبه‌ای از رشد، به برنامه‌ریزی و زمان بیشتری نیاز دارد و طبق تحقیقات (سیکولا لینهو،^۵ ۲۰۱۱) شروع آموزش از دورهٔ پیش از دبستان، فرصتی خاص و ویژه برای دانش‌آموزان و کودکان خردسال فراهم می‌آورد و به عنوان مرحله‌ای ایده‌آل برای تعلیم و توسعهٔ نگرش مثبت کارآفرینانه در آنان محسوب می‌شود (پیترمن و کندی،^۶ ۲۰۰۳ و هیلبرون،^۷ ۲۰۱۰). بنابراین، ما باید این حقیقت را عملی کنیم که آموزش مهارت‌های کارآفرینانه از طریق یک شروع زود هنگام و اولیه از دوران قبل از دبستان امکان‌پذیر می‌گردد (راپوسو و دوپاکو،^۸ ۲۰۱۱). در این راستا محققانی همچون (لفلر^۹ ۲۰۰۶، کورهنن، کومولینن و راتی،^{۱۰} ۲۰۱۲ و اکسلسن،^{۱۱} ۲۰۱۳) معتقدند که کلمهٔ کارآفرینی فقط بر دانش کارآفرینی یا مفهوم کسب‌وکار دلالت ضمنی دارد؛ در صورتی که کودکان خردسال در مراکز پیش‌دبستانی می‌توانند یک رویکرد کارآفرینانه را بپذیرند و آن را به کار گیرند (لیندستروم،^{۱۲} ۲۰۱۳). بنابراین «یادگیری کارآفرینانه» یک حوزه یا زمینهٔ برآمده در آموزش کودکان پیش‌دبستانی است (اکسلسون، هوگلند و سندبرگ،^{۱۱} ۲۰۱۵) (۴۲:۲۰۱۵)

نقش مربی در رویکرد یادگیری کارآفرینانه

در رویکرد یادگیری کارآفرینانه، معلم و مربی، تسهیل‌کنندهٔ یادگیری است (کوپمن، هامر و هکرت،^{۱۲} ۲۰۱۳) و یادگیرنده، عنصری فعال در فرایند یادگیری



است که از طریق تجربه‌اندوزی، تولید اطلاعات می‌کند و به اهداف یادگیری توافق شده دست می‌یابد.

برای به کارگیری رویکرد یادگیری کارآفرینانه در امر آموزش کودکان، باید فضای مناسب برای آن به وجود آید. این فضا باید واجد شرایط زیر باشد:

– فضایی عملی که در آن کودکان بتوانند اطلاعات را به صورت عملی و تجربی کسب کنند.

– مستلزم انجام دادن فعالیت فراوان باشد.

– واقعی باشد؛ به گونه‌ای که فراگیرندگان خود را در فضایی عینی و بیرونی احساس

گام اول: به دست آوردن شناخت کافی از علایق، نیازها و توانمندی‌های کودکان؛

گام دوم: چارچوب‌بندی یادگیری‌های کودکان از طریق تعاملات حمایت‌کننده؛

گام سوم: نظارت بر پیشرفت کودکان جهت دستیابی به اهداف مهم؛

گام چهارم: ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری که براساس علایق کودکان ساخته شده است (بوت، دنیل و یولمی بی^{۱۳}، ۲۰۱۲).

مسلماً اتخاذ چنین رویکردی در امر آموزش کودکان می‌تواند آن‌ها را به رهبرانی قوی و سالم و حل‌کنندگان برتر مسائل و مشکلات در مراحل مختلف زندگی تبدیل کند و کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود بخشد (گستین، ۲۰۱۱). رویکرد یادگیری کارآفرینانه می‌تواند از سنین خردسالی و در کلیه محیط‌های آموزشی به‌طور رسمی و غیررسمی، توسط همه افرادی که در تربیت کودکان سهیم‌اند، مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Leffler
2. Enter preneurship
3. Enter Prising
4. Jones, & Iredale
5. Seikkula & Leino
6. Peterman & Kennedy
7. Heilbrunn
8. Raposo and do Paço
9. Leffler; Korhonen, Komulainen & Raty; Axelsson
10. Lindstrom
11. Axelsson, Hagglund & Sandberg
12. Koopman, Hammer, Hakkert.
13. Mary B. Boat, Laurie A. Dinnebeil and Youlmi Bae

منابع

۱. سنسبزه، بتول. (۱۳۹۴). طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینی برای کودکان پیش از دبستان و ارزشیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه درسی، کارآفرینی و مربیان. فصلنامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان، سال اول، شماره اول، پاییز ۹۴
۲. پرهیزکار، مرتضی؛ شسیرازی قباد و مقدم شهیدی، عطیه. (۱۳۸۳)، آموزش و تدریس کارآفرینی. تهران سازمان همیاری اشتغال فارغ‌التحصیلان، جهاد دانشگاهی.
3. Leffler, E. (2014). Enterprise Learning and School Subjects – A Subject Didactic Issue? Journal of Education and Training, 1 (2), 15-30. <http://dx.doi.org/10.5296/jet.v1i2.5194>
4. Axelsson, Hagglund & Sandberg. (2015). Entrepreneurial Learning in Education Preschool as a Take-Off for the Entrepreneurial Self. Journal of Education and Training. ISSN 2330-9709 2015, Vol. 2, No. 2. Pp 40- 58 <http://www.macrothink.org/jet>
5. Jones, B., & Iredale, N. (2010). Enterprise education as pedagogy. Education + Training, 52 (1), 7-19. <http://dx.doi.org/10.1108/00400911011017654>
6. Raposo, Mário and do Paço Arminda (2011) Entrepreneurship education: Relationship between education and entrepreneurial activity. Psicothema 2011. Vol. 23, no 3, pp. 453-457. www.psicothema.com
7. Seikkula & Leino, J. (2011). The implementation of entrepreneurship education through curriculum reform in Finnish comprehensive schools. Journal of Curriculum Studies, 43 (1), 69-85. <http://dx.doi.org/10.1080/00220270903544685>
8. Koopman, Ruud, Hammer, Matthijs and Hakkert, Arjan. (2013) Teaching teachers in effectual entrepreneurship. In: 2nd Effectuation conference, June 3rd & 4th.



رویکرد یادگیری کارآفرینانه می‌تواند از سنین خردسالی و در کلیه محیط‌های آموزشی به‌طور رسمی و غیررسمی، توسط همه افرادی که در تربیت کودکان سهیم‌اند، مورد استفاده قرار گیرد

کنند.

- نقش بازی در آن زیاد باشد.

- کودکان را به یادگیری و مسئولیت‌پذیری تشویق کند؛

به طوری که به‌صورت نظام‌مند به میزان آگاهی‌های کودکان از توانایی‌های خود توجه کند و آن‌ها را قادر سازد که پیشرفت‌های خود را در زمینه‌های مختلف مشاهده کنند (به نقل از پرهیزکار و همکاران، ۱۳۸۳).

به‌طور خلاصه، در روند آموزش کودکان در رویکرد یادگیری کارآفرینانه طی کردن چهار گام اصلی ضروری است:

جایگاه آموزه‌های زیست‌محیطی در برنامه آموزشی دوره پیش‌دستان

اشاره

انسان برای ادامه حیات، به غلط دست‌اندازی بیشتر به منابع طبیعی و استفاده بی‌رویه از آن را چاره خود دانسته و خواسته و ناخواسته، گام در مسیری گذاشته که آغازی برای نابودی و زندگی روی آن است.

او برای ادامه حیات و حفظ دستاوردهای تاریخی خود، چاره‌ای جز برقراری ارتباط سالم با زمین و آشتی با طبیعت ندارد. توسعه اقتصادی و اجتماعی متوازن در گرو توجه به محیط‌زیست است و بدون در نظر گرفتن آن، هرگونه طرح و برنامه‌ای محکوم به شکست خواهد بود.

در همین راستا، آگاهی‌بخشی به ارکان جوامع بشری از دولت‌ها گرفته تا ملتها و مردمان شهرها و روستاها، و جبران ضعف‌ها و مشکلات فرهنگی برای برقراری ارتباط سالم میان

امروزه آسیب‌های زیست‌محیطی از قبیل آلودگی هوا، آلودگی صوتی، کمبود آب، نابودی خاک و پوشش‌های گیاهی، گسترش بیابان‌ها، انقراض گونه‌هایی از جانوران، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع معدنی و ... زندگی تک‌تک افراد بشر را تحت تأثیر قرار داده است این در حالی است که در گذشته‌های دور انسان که زندگی‌اش با طبیعت در آمیخته بوده، در استفاده از آن تعادل را رعایت می‌کرده است. زمین به عنوان مادر زندگی، همواره نیازهای جسمی و روحی بشر را تأمین کرده و زمینه‌های رشد و توسعه جوامع بشری را فراهم نموده است. بنابراین، تداوم زندگی نسل انسان در زمین، مرهون ارتباط متقابل و احترام به طبیعت است که امروزه به دلیل توسعه نامتوازن، دچار نقصان شده است.



انسان و زمین ضرورتی انکارناپذیر است که تحقق آن به بسیج همگانی نیاز دارد. لازم است تمام نهادهای دولتی و غیردولتی و مردمی دست به دست هم دهند و با نگاهی جدید به زندگی، تهدیدهای زیست محیطی را به فرصتی برای آشتی با طبیعت تبدیل کنند.

آموزش و پرورش نیز به عنوان نهادی با کارکردهای فرهنگی و اجتماعی متولی تعلیم و تربیت، نقش بارزی در بسترسازی فرهنگی در این زمینه دارد. کودکان و خانواده به عنوان بخش مهمی از جمعیت جهان در ارتباطی مستقیم با این نهاد قرار دارند و این ارتباط، فرصتی مغتنم برای آموزش و پرورش به شمار می رود تا بتواند نسبت به ارائه آموزش های لازم، تغییر نگرش در افراد جامعه و ایجاد مهارت ارتباط با طبیعت اقدام کند.

از طرفی، می دانیم که پایه های شخصیتی دانش آموزان در دوران اولیه کودکی شکل می گیرد و هر اندازه تعلیم و تربیت در این دوران با دقت و ظرافت انجام پذیرد، تأثیر آن در طول زندگی ماندگارتر و پایدارتر خواهد بود. اگر آموزش مفاهیم زیست محیطی و ایجاد انس میان کودک و طبیعت در دوره حساس پیش دبستانی آغاز گردد، با تداوم این آموزه ها در طول زندگی فرد، می توان انتظار داشت که نسل آینده در توجه به محیط زیست و استفاده درست از آن، موفق تر از نسل فعلی باشد و زندگی نسل بشر از تهدیدهای زیست محیطی در امان بماند. بر این اساس، در برنامه درسی ملی نیز به این موضوع مهم توجه شده است:

محیط زیست در برنامه درسی ملی

در هدف گذاری برنامه های درسی و تربیتی توجه به ساحت های تربیت، یعنی ارتباط با خویشتن، رابطه با خدا، رابطه با خلق خدا و ارتباط با خلقت و طبیعت مورد تأکید قرار گرفته است. در الگوی هدف گذاری، ساحت های مربوط در ارتباط با پنج عنصر تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق تعریف می شوند که در شبکه ای به هم پیوسته، قابل تبیین اند.

در برنامه درسی ملی، محیط زیست به عنوان یکی از ساحت های تربیتی، در ارتباط با هر یک از عناصر یاد شده مورد توجه قرار گرفته است:

- در عرصه تعقل: بر تدبیر در نظام خلقت و شگفتی آن تأکید شده است.

- در عرصه ایمان: به ایمان به ارزشمندی، هدفمندی و قانونمندی خلقت و باور به زیبایی های جهان آفرینش اشاره شده است.

- در عرصه علم: آگاهی نسبت به پدیده ها، روابط و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان با طبیعت و بهره برداری بهینه از آن مورد تأکید قرار گرفته است.

- در عرصه عمل: به حفظ و تعالی محیط زیست، میراث فرهنگی و سرمایه های طبیعی اشاره شده است.

- در عرصه اخلاق: ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است.

اهداف زیست محیطی پیش بینی شده در چارچوب برنامه های آموزشی دوره تحصیلی پیش دبستانی

هدف کلی: آشنایی نوآموزان با محیط زیست و انس و علاقه به طبیعت و حفظ آن

اهداف جزئی:

- آشنایی با نعمت های خداوند و زیبایی های آفرینش

- حفظ نعمت های الهی و مراقبت از آن ها

حدود انتظارات اهداف:

- محیط زیست و توجه به زیبایی های آن
- گیاهان و جانوران، زیبایی ها و فواید آن ها و مراقبت از آن ها

- هوا و آب، زیبایی ها و نقش آن ها در زندگی انسان و سایر موجودات و خودداری از آلودگی آن ها
- آسمان و زیبایی های آن و آشنایی با آلوده کننده های هوا

- منابع و صرفه جویی در مصرف آن ها
- ریختن زباله در سطل یا کیسه مخصوص و آشنایی با تفکیک زباله و علت آن.

بنابراین، سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی و اهداف دوره تحصیلی پیش دبستانی، که رویکرد توجه به محیط زیست در آن ها به طور ملموس دیده می شود، رهنمودی است برای برنامه ریزان تا به تدوین برنامه ها و اجرای طرح های مرتبط با این حوزه در مدارس و مراکز آموزشی اقدام کنند.

بر اساس اسناد بالادستی اشاره شده و با هدف جلب توجه نوآموزان به مفاهیم زیست محیطی و ایجاد آشنایی و انس و علاقه به طبیعت و حفظ آن، لازم است برنامه های آموزشی ویژه در مناطق آموزشی و مراکز پیش دبستانی اجرا گردد که در اینجا تعدادی از آن ها پیشنهاد می شود.

چند پیشنهاد اجرایی در مراکز

پیش دبستانی در حوزه محیط زیست

۱. تشکیل کمیته ها و کارگروه های استانی و منطقه ای و طرح موضوع و ضرورت آن در شوراهای آموزش و پرورش با هدف بررسی و دریافت پیشنهادها و جلب حمایت های درون

در هدف گذاری برنامه های درسی و تربیتی توجه به ساحت های تربیت، یعنی ارتباط با خویشتن، رابطه با خدا، رابطه با خلق و خلقت و طبیعت مورد تأکید قرار گرفته است

و برون‌سازمانی و برنامه‌ریزی و بسترسازی و اجرایی کردن اقدامات پیشنهادی با توجه به ظرفیت‌های استانی و شرایط بومی و محلی.

۲. برنامه‌ریزی برای آموزش و توجیه مربیان و اولیای نوآموزان از طریق برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی، آزمون‌ها، ارائه کتاب و منابع علمی، برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی، اجرای جشنواره‌های تدریس و ...، همچنین برنامه‌ریزی لازم برای آموزش اولیا از طریق ارائه کتب و مجلات، بروشور و برگزاری جلسات آموزش خانواده در مدارس در راستای معرفی و اجرای برنامه‌های پیشنهادی.

۳. برگزاری جشنواره‌هایی با محور محیط زیست با توجه به مناسبت‌های تقویمی مانند روز طبیعت، روز هوای پاک، روز درخت‌کاری و ... و انجام دادن فعالیت‌هایی مانند راه‌پیمایی نوآموزان، گردش علمی در طبیعت، شرکت نوآموزان در برنامه‌های نمادین پاک‌سازی طبیعت، بازدید از موزه‌های زیست‌محیطی، برگزاری نمایشگاه تولیدات نوآموزان از مواد بازیافتی، برگزاری مسابقات و نمایشگاه عکس و نقاشی و ...

۴. تعطیلات نوروز به دلیل برقراری ارتباط بین اقوام و خانواده‌ها، برگزاری مراسم دید و بازدید و ... فرصت مناسبی برای آموزش مفاهیم زیست‌محیطی از طریق توجه خانواده‌ها به موضوع و جلب مشارکت آن‌هاست. بر این اساس، پیشنهادهایی قابل ارائه است؛ از جمله:

- معرفی نوآموزان به عنوان همیاران محیط زیست از طریق صدور کارت شناسایی و یا نمادهایی مانند کلاه، به همراه آموزش و ابلاغ شرح وظایف و ارائه کارت شناسایی از سوی

آموزش و پرورش نیز به عنوان نهادی با کارکردهای فرهنگی و اجتماعی متولی، تعلیم و تربیت، نقش بارزی در بسترسازی فرهنگی در این زمینه دارد



مدارس و مراکز پیش‌دبستانی؛

- توجیه خانواده‌ها در زمینه دوستی با طبیعت در ایام نوروز و حمایت از همیاران طبیعت (نوآموزان) و صرفه‌جویی در مصرف منابع؛

- اجرای اقداماتی مانند واگذاری مسئولیت مراقبت از یک گل در ایام نوروز به هر نوآموز با همکاری خانواده‌ها و یا کاشت یک نهال توسط هر خانواده در طبیعت با همراهی همیاران طبیعت؛

- برگزاری مسابقات تصویربرداری با گوشی همراه اولیا از گیاهان و درخت‌های مشاهده شده در تعطیلات و برگزاری نمایشگاه کلاسی بعد از تعطیلات و بحث و گفت‌وگو در مورد ضرورت حفظ و نگهداری آن‌ها.

۵. معرفی مراکز پیش‌دبستانی و مربیان موفق در حوزه آموزش مفاهیم زیست‌محیطی و تقدیر از آن‌ها با هدف ایجاد انگیزه برای اجرای طرح‌های آموزشی در حوزه محیط زیست و همچنین صرفه‌جویی در مصرف منابع. تقدیر از مراکز نمونه از طریق معرفی آن‌ها در پرتال منطقه، نشریه‌های ملی، استانی و منطقه‌ای و دادن هدیه و لوح تقدیر و ... از جمله پیشنهادهای اجرایی در این بخش است.

۶. تبلیغات، اطلاع‌رسانی و مستندسازی تجارب و ارائه گزارش‌ها با هدف جلب توجه افکار عمومی به موضوع محیط زیست از طریق تبلیغات در معابر شهری، تهیه گزارش‌های خبری و مستند در صدا و سیما و رسانه‌های محلی، تهیه پوستر و بروشور، ساخت فیلم و انیمیشن، تهیه و توزیع کتاب و بسته‌های ویژه، اجرای برنامه‌های تبلیغاتی و نمادین مانند راه‌پیمایی عمومی در طبیعت، جمع‌آوری نمادین زباله توسط نوآموزان، کاشت نمادین نهال توسط نوآموزان و همچنین مستندسازی فعالیت‌های انجام شده و تهیه گزارش‌های لازم و ارسال آن‌ها به حوزه‌های مرتبط برای تبادل تجارب و ارزیابی برنامه‌های اجرا شده مفید خواهد بود.

۷. تحلیل محتوای بسته‌های آموزشی پیش‌دبستانی با هدف تشخیص میزان توجه به مؤلفه‌های زیست‌محیطی و پیشنهاد افزودن محتوای جدید برای جلب توجه به محیط زیست و ایجاد انس و علاقه به آن با همکاری فرهنگیان و مربیان علاقه‌مند، دانشگاه‌ها و گروه‌های پژوهش و تحقیق استان‌ها قابل اجراست. نتایج تحلیل‌های علمی محتوا، علاوه بر مشخص کردن جایگاه محیط زیست در برنامه آموزشی استان‌ها، می‌تواند زمینه‌های لازم برای تقویت، اصلاح و توسعه محتوای آموزشی پیش‌دبستانی استان‌ها را فراهم سازد.

منابع

۱. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۴). سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی. تهران: انتشارات مدرسه.
۲. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۸۸). راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستانی. تهران: انتشارات مدرسه.
۳. گروه کاری حفاظت از زمین. (۱۳۹۲). حفاظت محیط زیست. ترجمه نصراله صمدی. تهران: انتشارات فنی ایران.
۴. شریفی، نوید و دیگران. (۱۳۹۵). راهنمای جامع آموزش سلامت در مدارس. تهران: انتشارات پارسای سلامت.



تأثیر محرومیت محیطی در سه سال اول زندگی بر رشد و تحول کودک از منظر علوم اعصاب

اشاره

علوم اعصاب^۱ به عنوان یک شاخه دانش میان رشته‌ای مبتنی بر فنون و یافته‌های چندین رشته از قبیل زیست‌شناسی، روان‌شناسی، شیمی، فلسفه، ریاضیات و علوم رایانه، یکی از جوان‌ترین و در عین حال پویاترین و جذاب‌ترین دانش‌هایی است که ساختمان و کارکرد سیستم عصبی انسان در سطح سلولی و سیستمی را مطالعه می‌کند (سیلوستر^۲، ۲۰۰۸). در دهه‌های اخیر، بهره‌گیری از دانش و پژوهش علوم اعصاب در حوزه علوم تربیتی و آموزش کودکان، گسترده‌تر از سایر رشته‌ها نمود یافته است. علوم اعصاب از یک طرف به سبب افزایش درک ما از چیستی و چگونگی یادگیری و از طرف دیگر به سبب تجهیز نظریه‌های تربیتی به یافته‌های تجربی دقیق، مبنایی ارزشمند برای بهبود برنامه درسی و آموزشی محسوب می‌شود (زول^۳، ۲۰۰۲). از طرفی، برخی مطالعات نیز در سال‌های اخیر نشان داده است که بین مربیان کودک و دانشمندان علوم اعصاب توافقی نسبی در زمینه ضرورت پیوند بین علوم اعصاب و تربیت وجود دارد (تاکاهاما - اسپینوزا^۴، ۲۰۱۰؛ گانکالوس^۵، ۲۰۰۹؛ بیکرینگ و هوارد - جونز^۶، ۲۰۰۷؛ نقل از نوری، ۱۳۹۳).

با این مقدمه، در مقاله حاضر براساس جدیدترین مطالعات انجام شده در حوزه علوم اعصاب، نقش محیط و پیامدهای محرومیت محیطی^۷ بر رشد مغز و سایر جنبه‌های مهم رشد و تحول کودک، به‌خصوص در سه سال اول زندگی او بررسی

می‌شود و در نهایت، با بیان مهم‌ترین یافته‌های علوم اعصاب و تلویحات آن برای آموزش کودکان خردسال، پایان می‌یابد.

علوم اعصاب شواهد قانع‌کننده‌ای را فراهم کرده است که رشد و تحول مغز در سه سال اول زندگی نسبت به محرومیت محیطی به شدت آسیب‌پذیر است. یکی از مهم‌ترین تأثیرات بلندمدت محرومیت محیطی، کاهش قابل ملاحظه توانایی کودک در اعتماد کردن است. مطالعات علوم اعصاب نشان داد که تجارب نخستین^۸ (اولیه)، می‌تواند توانایی کودکان را برای اعتماد کردن، همدلی کردن، حل مسئله اثربخش و تصمیم‌گیری منطقی، افزایش دهد یا اینکه از بین ببرد. درواقع، تمامی حوزه‌های رشد و یادگیری کودکان متأثر از تجارب کودک در طول سه سال اول زندگی اوست. دانش به دست آمده از علوم اعصاب، علوم شناختی، علوم



به افت عاطفی^{۱۸} منجر گردد که در آن کودک تمایلی به بهبود نشان نمی‌دهد. روشن است که کودکان برای نشان دادن رشد و تحول نرمال^{۱۹} نیازمند محرک‌های کافی و مناسب‌اند. با این حال، براساس پژوهش‌های انجام شده، شواهدی وجود ندارد که ثابت کند ارائه بیش از حد محرک‌ها^{۲۰} می‌تواند در تقویت رشد نرمال مفید باشد. شواهد محکمی وجود دارد که محرومیت محیطی تأثیرات منفی شدیدی بر رشد مغز دارد. با این حال، علوم اعصاب پیشنهاد نمی‌کند که ارائه محرک‌های بیش از اندازه بتواند باعث افزایش شکل‌گیری سیناپس‌های مغز^{۲۱} گردد (شلاویتز و پیری، ۲۰۱۱).

مهم‌ترین یافته‌های علوم اعصاب و تلویحات آن برای آموزش کودکان خردسال

۱. مغز کودک از طریق تجربه تغییر می‌کند (تجربه، معمار مغز است).
۲. برای رشد مطلوب مغز، پرورش ارتباطات با کودک ضروری و حیاتی است.
۳. روابط منفی و ضعیف به رشد مغز آسیب می‌زند.
۴. دوام و کیفیت روابط بین کودک نوپا و مراقب پاس‌خگو (مسئول)، پایه و اساس رشد و تحول ساختار مغز است.
۵. رشد سالم مغز به روابط همراه با عشق،

تأثیر تجارب
نخستین
(آغازین)
بر ساختار
و عملکرد
مغز، عمیقاً بر
رشد و تحول
اجتماعی
و عاطفی
کودکان تأثیر
می‌گذارد

اجتماعی و رفتاری و روان‌شناسی این فهم عمیق را ایجاد کرده است که یادگیری، تنها محدود به آمادگی برای ورود به مدرسه نیست. تأثیر تجارب نخستین (آغازین) بر ساختار و عملکرد مغز، عمیقاً بر رشد و تحول اجتماعی و عاطفی کودکان تأثیر می‌گذارد (آندا^۱ و همکاران، ۲۰۰۶).

شواهد محکمی وجود دارد که ارتباطات فردی، پایدار و منسجم با کودکان نوپا، حتی زمانی که به لحاظ عاطفی مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، می‌تواند تأثیرات درمانی مثبتی داشته باشد. علوم اعصاب اهمیت مداخلات زود هنگام^{۱۰} برای کودکان محروم، به خصوص در سه سال اول زندگی را تأیید کرده است (بوگدان^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۲).

علوم اعصاب شواهدی را فراهم کرده است که براساس آن‌ها تجارب نخستین، بر سلامت روان و مهارت‌های اجتماعی کودکان تأثیر می‌گذارد. هرچه کودک بیشتر در محیط محروم و ناسالم باقی بماند، به کارگیری مداخلاتی که بتواند آسیب‌های وارده به سلامت روان او را جبران کند، مشکل‌تر است. مداخلاتی که برای کاهش آسیب‌های ناشی از محیط‌های محروم به لحاظ عاطفی اجرا می‌شوند، در صورتی که بعد از دوران اولیه^{۱۲} کودکی صورت گیرند، به منابع و زمان بیشتری نیاز دارند و اساساً اثربخشی آن‌ها نیز به مراتب کمتر است (اسمایک^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۲).

یافته‌ها نشان می‌دهد که چنانچه کودکان در طول سه سال اول زندگی، محیط محرومی را تجربه کنند که دارای دروندادهای حسی^{۱۳} محدود و نامساعدی است (مانند عدم ارتباط لمسی، تعاملات اجتماعی و فقر مواجه شدن با یک زبان)، مغز آن‌ها ممکن است به اندازه کافی رشد نکند (شلاویتز و پیری^{۱۴}، ۲۰۱۱). رشد و تحول مغز و کارکرد آن در محیط‌هایی که به اندازه کافی محرک نیست، به شدت آسیب می‌بیند. مطالعات حاکی از آن است که هرچه کودکان محرومیت محیطی بیشتری را تجربه کنند، تأثیرات منفی آن عمیق‌تر و امکان بهبود این آسیب‌ها کمتر خواهد شد (زامبو^{۱۵}، ۲۰۱۳).

داده‌های علمی به دست آمده از طریق فناوری تصویربرداری مغز^{۱۶} جهت افزایش آگاهی از تأثیرات مخرب و منفی محرومیت محیطی پیوسته در حال به‌روز شدن و اصلاح است. این یافته‌های علوم اعصاب، مکمل و تأییدکننده^{۱۷} نکته‌ای هستند که بیش از سی سال پیش درباره محرومیت محیطی مسجل شده بود (شلاویتز و پیری، ۲۰۱۱).

علوم اعصاب اهمیت سال‌های آغازین زندگی را در رشد و تحول مغز و خطرات مربوط به محرومیت‌های محیطی به روشنی نشان داده است. کودکان خردسالی که محرومیت محیطی شدیدی را تجربه کرده‌اند، در رشد حرکتی و توانایی شناختی تأخیرهای رشدی^{۱۷} دارند و خیلی از آن‌ها حتی با درمان‌های اصلاحی و ترمیمی نیز هرگز نمی‌توانند تأخیرهای رشدی خود را جبران کنند (زامبو، ۲۰۱۳).

مسئله جدی دیگر این است که محرومیت محیطی می‌تواند



- همیشگی در طول زندگی آنان تبدیل شود.
۱۷. محیط‌های غیر قابل پیش‌بینی باعث ایجاد استرس‌های آسیب‌زا در کودکان می‌شود.
۱۸. اولین پیامی که مغز دریافت می‌کند، تأثیرات انکارناپذیری بر رشد و تحول عاطفی کودک می‌گذارد.
۱۹. علوم اعصاب توجیهات مستند قابل دفاعی برای مداخلات زود هنگام فراهم کرده است (زامبو، ۲۰۱۳).

پی‌نوشت‌ها

1. Neuroscience
2. Sylvester
3. Zull
4. Tokuhama-Espinosa
5. Goncalves
6. Pickering & Howard-Jones
7. environmental deprivation
8. Early experience
9. Anda
10. Early intervention
11. Bogdan
12. Smyke
13. sensory inputs
14. Szalavitz & Perry
15. Zambo
16. brain imaging technology
17. developmental delay
18. blunted affect
19. normal development
20. extra stimulation
21. brain synapses
22. predictable caregiver

منابع

۱. نسوری، علی. (۱۳۹۳). مبانی و اصول عصب‌شناختی یادگیری و تربیت. تهران: سمت.
2. Anda, R. F., Felitti, V. J., Bremner, J. D., Walker, J. D., Whitfield, C., Perry, B. D. (2006). The enduring effects of abuse and related adverse experiences in childhood: A convergence of evidence from neurobiology and epidemiology. *European Archives of Psychiatry and Clinical Neuroscience*, 256, 174–186.
3. Bogdan, R., Williamson, D. E., & Hariri, A. R. (2012). Mineralocorticoid receptor iso/val (rs5522) genotype moderates the association between previous childhood emotional neglect and amygdala reactivity. *The American Journal of Psychiatry*, 169, 515–522.
4. Smyke, A. T., Zeanah, C. H., Gleason, M. M., Drury, S. S., Fox, N. A., Nelson, C. A., et al. (2012). A randomized controlled trial comparing foster care and institutional care for children with signs of reactive attachment disorder. *The American Journal of Psychiatry*, 169, 508–514.
5. Szalavitz, M., & Perry, B. D. (2011). *Born for love*. New York: Harper Collins Publishers.
6. Taumoepeau, M., & Ruffman, T. (2008). Stepping stones to others' minds: Maternal talk relates to child mental state language and emotion understanding at 15, 24, and 33 months. *Child Development*, 79 (2), 284–302.
7. Zambo, D. (2013). The Practical and Ethical Concerns of Using Neuroscience to Teach Young Children and Help Them Self-Regulate. In L. H. Wasserman, & Zambo, D (Ed.), *early childhood and neuroscience: links to development and learning* (pp. 7–21). New York: Springer.

مراقبت، ثبات و حمایتی فرد مهمی (پدر، مادر و ...) که به کودکان احترام می‌گذارد، وابسته است.

۶. مغز کودکان خود را با محیطی که کودکان آن را کشف می‌کنند، سازگار می‌کند.

۷. تجربه، مهم‌ترین عامل رشد و تحول مغز کودک بعد از تولد است.

۸. کودکانی که با مراقبان خود دلبستگی قوی، مثبت و عاطفی دارند، توانایی یادگیری بیشتری دارند و بهتر می‌توانند با محیط‌های تنش‌زا مقابله کنند.

۹. کودکان موجوداتی اجتماعی هستند که در محیط‌های اجتماعی پاسخگو و عاطفی و از طریق تعامل با مراقبان بزرگسال به بهترین شکل یاد خواهند گرفت.

۱۰. رشد اجتماعی-عاطفی در تحول ذهنی کودکان بسیار مهم است.

۱۱. کودکان در صورت برخورداری از یک مراقبت قابل پیش‌بینی^{۲۲} (یعنی مراقبتی که کودک می‌تواند زمان‌های حضور او را پیش‌بینی کند) و پاسخگو، اعتماد کردن را یاد می‌گیرند.

۱۲. برای رشد و تکامل مغز کودکان، داشتن تعاملات گرم و عاطفی، اثربخش‌تر از هر نوع اسباب‌بازی، سی‌دی و برنامه تلویزیونی است.

۱۳. تمامی حوزه‌های رشد و تحول به یکدیگر مرتبط‌اند.

۱۴. کودکان، خودکنترلی و چگونگی مدیریت کردن احساسات خویش را از طریق مشاهده رفتارهای افراد بزرگسالی که در اطراف آن‌ها هستند، یاد می‌گیرند.

۱۵. مهارت همدلی کردن، از طریق دیدن و تجربه کردن کسب می‌شود.

۱۶. اگر کودکان مدیریت و کنترل خشم را پیش از ورود به مدرسه یاد نگیرند، رفتار پرخاشگرانه می‌تواند به مسئله‌ای



سیاست‌های راهبردی کشورهای پیشرفته در آموزش دوران اولیه کودکی

اشاره

سیاست راهبردی دوم: طراحی و اجرای برنامه‌درسی و استانداردها

از مهم‌ترین اقدامات در این راستا می‌توان به تنوع رویکردهای برنامه‌درسی، بهبود هماهنگی با دوره ابتدایی، بهبود زندگی کودکان از طریق برنامه‌درسی، رسیدگی به موضوعات در حال ظهور، هماهنگی استانداردهای برنامه‌درسی با سن کودک، روح دموکراسی در برنامه‌درسی و توسعه محتوا اشاره کرد.

سیاست راهبردی سوم: بهبود مدارک تحصیلی، آموزش و شرایط کار نیروی انسانی

تنظیم سطح حداقلی مدرک تحصیلی نقش کلیدی در تضمین رشد سالم کودک بازی می‌کند. بیشتر تحقیقات مدعی این امرند که معلمان پیش‌دبستانی که آموزش‌های تخصصی

مراقبت و آموزش در دوران اولیه کودکی^۱ (ECE) که مستلزم توجه خاصی است و شالوده‌شخصیتی فرد را تشکیل می‌دهد، جنبه‌ها و ابعاد گوناگون دارد و سنگ‌بنای هر نظام آموزشی است. پژوهش‌های جهانی نشان داده که یکی از دلایل اصلی موفقیت نظام‌های آموزشی پیشرفته در سطح جهان، توجه و سرمایه‌گذاری در این دوره آموزشی است. با تأمل در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده این کشورها و آشکارسازی استانداردها و شاخص‌های کیفیت در آموزش دوره کودکی، امید است که این دوره حساس نیز در کشور ایران ارتقا و بهبود یابد. «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» (OECD)^۲ که در زمینه آموزش و مراقبت دوران اولیه کودکی به‌طور گسترده فعالیت می‌کند، سیاست‌های راهبردی کشورهای مترقی را در پنج محور به شرح زیر مشخص کرده است:

سیاست راهبردی اول: تنظیم اهداف و مقررات کیفی

اهداف و مقررات، پایه و زیربنای فعالیت ECE محسوب می‌شوند. هدف‌ها در تعیین و هماهنگ ساختن برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و مشخص کردن سایر عناصر برنامه نقش اساسی دارند. اهداف این دوره، از اهداف کلی آموزش برای کودکان در مراحل بعدی تحصیلی جداشدنی نیست؛ بنابراین، آگاهی از این اهداف و اصول اولیه حائز اهمیت است.



کودکان و آلودگی هوا

اشاره

همه ساله با سرد شدن هوا، ظهور وارونگی و انباشت آلاینده‌های ناشی از سوخت ماشین‌آلات و کارخانه‌ها و خودروها شاهد آلودگی شدید و طولانی‌مدت هوا در زمستان و تأثیرات گوناگون آن بر سلامت مردم و فعالیت‌های روزمره هستیم.

بدون شک کودکان، سالمندان و بیماران در زمره آسیب‌پذیرترین اقشار از آلودگی هوا هستند. هوا، این نعمت بزرگ الهی، مثل سایر نعمت‌ها از قبیل آب، سلامتی و امنیت، در شرایط عادی، قدرش مجهول و حفاظت از آن مورد بی‌توجهی است.

در این وانفسای آلودگی‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه هوا، کودکان از دو جهت بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند؛ از یک‌سو، قرار گرفتن در معرض زیان‌های تنفسی و مغزی ناشی از وجود سرب، گوگرد، گاز کربنیک و غبار و ریزگرد در هوا، و از سوی دیگر مهر و محبت از حضور در مراکز آموزشی به علت تعطیلی مکرر مدارس ناشی از آلودگی و ... در این میان، برای کاهش آثار مخرب آلودگی هوا بر کودکان، چند توصیه مفید به نظر می‌آید:

۱ اهمیت هوای پاک به‌عنوان یکی از نعمت‌های خدادادی و بارزش به کودکان آموزش داده شود (در این زمینه بهره‌گیری از فعالیت‌های متداول آموزشی مثل شعر و سرود، قصه و خاطره‌گویی، نقاشی و کار دستی، بازی و نمایش و ... توصیه می‌شود).

۲ زیان‌های آلودگی هوا و عوامل مؤثر در ایجاد آلودگی با زبانی کودکانه و با استفاده از فعالیت‌های آموزشی به کودکان گفته شود.

۳ به کودکان توصیه شود که برای جلوگیری از آلودگی هوا و تقلیل آثار آن، با همان زبان کودکانه اولیای خود را تشویق و ترغیب نمایند که تا حد امکان از وسایل نقلیه شخصی استفاده نکنند.

۴ در زمان‌های آلودگی شدید هوا از ماسک‌های ویژه استفاده شود و از فعالیت‌های سنگین ورزشی و تردد در شهر خودداری گردد.

ECE را دیده‌اند، در برانگیختن تعاملات کارکنان با کودک مؤثرترند. این امر می‌تواند به توسعه و افزایش توانایی حل مسئله در کارکنان آموزش دیده منجر شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۷). علاوه بر این، بهبود مدارک تحصیلی بیانگر ارتقای کیفی سطح آگاهی و معلومات مربیان و معلمان دوران اولیه کودکی است که می‌توان با کاربست تدابیری چون آموزش پیش از استخدام به متقاضیان تصدی مشاغل مربیگری و معلمی، آموزش بدو استخدام به افرادی که جذب این مجموعه شده‌اند، و نیز آموزش مدام و ضمن خدمت ایشان و بروز نگه داشتن معلومات آن‌ها، بدان دست یافت.

سیاست راهبردی چهارم: تعامل خانواده و جامعه

اجتماعی که کودک و خانواده به آن تعلق دارند، دارای فرهنگ منحصر به فردی است که ممکن است ترکیبی از تجارب گوناگون، تغییرات فرهنگی و تداخل فرهنگ‌های گوناگون باشد. در این میان، نباید از احتمال تأثیرپذیری فرزندان از فرهنگی با غلبه و تسلط بیشتر غافل شد. تعامل والدین با جامعه و مراکز پیش‌دبستانی، محیط یادگیری خانگی، کیفیت مراقبت در خانه و مرکز آموزشی، و هماهنگی بین خانه و پیش‌دبستانی از دیگر راهکارهای این راهبرد هستند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۶).

سیاست راهبردی پنجم: جمع‌آوری داده‌ها و نتایج پژوهش‌های جهت پیشرفت

در بررسی نتایج پژوهش‌ها در حوزه کودکی این کشورها در صد آن‌اند که بدانند دیگران در این باره چه کرده و تا کجا پیشرفته‌اند و چگونه کار کرده‌اند، تا آن‌ها نیز کار خود را در ادامه تلاش‌های پیشین قرار دهند و در ضمن، از روش‌ها و نتایج آن تلاش‌ها در جهت بهبود وضعیت دوره کودکی در کشور خودشان استفاده کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. Early Childhood Education
2. Organisation for Economic Co-operation and Development

منابع

۱. آخش، سلمان. (۱۳۹۶). *طراحی و اعتباربخشی برنامه درسی دوره پیش از دبستان ایران*. رساله دکتری. تهران: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه خوارزمی.
2. OECD (2016). *Education at Glance 2016*: OECD Indicators, OECD Publishing, Paris, <http://dx.doi.org/10.1787/eag-2015-en>.
3. OECD. (2017). *Key OECD Indicators on Early Childhood Education and Care*. Received from.





انتخاب رویکرد های اسکوپ در آموزش پیش از دبستان

مقدمه

برنامه‌درسی های اسکوپ را دکتر دیوید وایکارت^۱ و گروه او بیش از پنجاه سال پیش در ایپسیلانتی^۲ با هدف کمک به کودکان مناطق محروم برای کسب موفقیت‌های بیشتر در مدرسه و جامعه، گسترش دادند. زیربنای این رویکرد، نظریه رشد شناختی پیاژه است. برخلاف برنامه‌های درسی دیگر، انجام دادن تحقیقات دقیق، بخشی از رشد این برنامه‌درسی از زمان پیدایش بوده است و گروهی از کودکان درگیر در آن تا دوره بزرگسالی مورد بررسی و پیگیری قرار گرفته‌اند. در ادامه، مؤلفه‌های اصلی این رویکرد معرفی می‌شود.

اهداف های اسکوپ

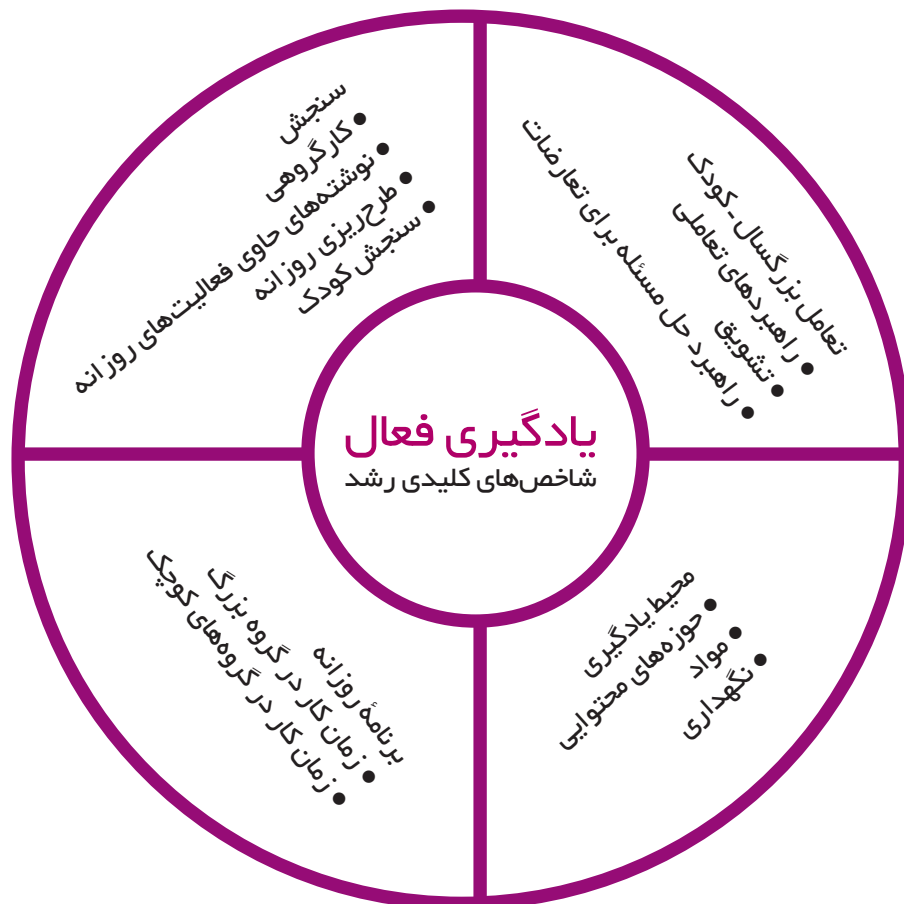
اهداف برنامه‌درسی های اسکوپ برای کودکان عبارت‌اند از:

- یادگیری از طریق درگیری فعال با افراد، مواد، رویدادها و افکار؛
- آماده شدن برای مدرسه و زندگی با استقلال، مسئولیت‌پذیری و اعتمادبه‌نفس؛
- یادگیری طراحی بسیاری از فعالیت‌های شخصی، انجام دادن آن‌ها و صحبت کردن با دیگر کودکان و معلمانشان درباره آنچه انجام داده‌اند و آنچه یاد گرفته‌اند؛
- یادگیری بیان احساسات و درگیری با دیگران در روابط ارزشمند و مناسب؛
- کسب دانش و مهارت‌ها در حوزه‌های مهم محتوایی شامل رویکردهای یادگیری، رشد عاطفی و اجتماعی، رشد بدنی و سلامت، زبان، سواد و ارتباط، ریاضیات، هنرهای خلاق، علوم و فناوری و در نهایت، مطالعات اجتماعی.
- اساسا رویکرد پیش از دبستان های اسکوپ، برای کودکان با خانواده‌های درآمد پایین و در معرض خطر طراحی شده است؛ با این اعتقاد که کودکان با پیگیری علایق و اهداف شخصی خود بهتر یاد می‌گیرند. در مجموعه های اسکوپ، کودکان به انتخاب‌های شخصی درباره مواد و فعالیت‌هایی که در سرتاسر روز انجام می‌دهند، تشویق می‌شوند. آنان همان‌طور که در حال پیگیری انتخاب‌ها و طرح‌های خود هستند، اکتشاف می‌کنند، سؤال می‌کنند و پاسخ می‌دهند، مسئله حل می‌کنند و با هم‌کلاسی‌ها و بزرگسالان در تعامل‌اند. در چنین محیطی، کودکان به‌طور طبیعی در تجارب کلیدی درگیر می‌شوند؛ فعالیت‌هایی که مهارت‌ها و توانایی‌های رشدی آنان را پرورش می‌دهند.

تجارب کلیدی در های اسکوپ

های اسکوپ ۵۲ تجربه کلیدی را در دوره پیش از دبستان و همچنین طیف وسیعی از راهبردهای عملی را برای ارتقای این تجارب کلیدی مشخص کرده است. تجارب کلیدی در





شکل ۱. چرخه یادگیری در رویکرد های اسکوپ

فضاهای بازی مختلف و تفسیر ارتباطات فضایی؛ آگاهی از زمان، شروع و پایان، پیش‌بینی و توصیف رویدادهای احتمالی).

چرخه یادگیری در های اسکوپ

رویکرد های اسکوپ پنج اصلی اساسی راه، که زیربنای عمل‌اند، در یک چرخه مدنظر قرار داده است. این چرخه یادگیری در شکل شماره ۱ قابل مشاهده است.

یادگیری فعال: در این رویکرد، کودکان فعالانه یاد می‌گیرند. آنان با استفاده از حواس خود، درمی‌یابند که چه چیزی مورد علاقه‌شان است و این کار را از بدو تولد، طی دوران کودکی و حتی دوران بزرگسالی انجام می‌دهند. کودکان از خودآغازگری و ابتکار عمل برای جست‌وجو و کشف پاسخ سؤالاتشان استفاده می‌کنند. آنان برای حل مشکلات شخصی خود و استفاده از دانش در حال توسعه خویش برای فهم و یادگیر و درباره جهان اطراف، حمایت و تشویق می‌شوند.

تعامل بزرگسال – کودک: کار کردن بزرگسالان با کودکان، محیط امن مورد نیاز را برای رخ دادن یادگیری فعال مهیا می‌کند. در مراکز های اسکوپ، با استفاده از یک فرایند تقسیم کنترل، بزرگسالان و کودکان با احترام متقابل، تمرکز بر نقاط قوت کودکان و توازن در فعالیت‌های بزرگسال محور و کودک‌آغاز

پنج طبقه اصلی قرار دارند:

۱. بازی‌های خلاق (طراحی، نقاشی، بازی نقش، وانمودبازی، ساخت مدل‌ها)
۲. زبان و سواد (گفت‌وگو درباره تجارب معنادار فردی، توصیف، نوشتن، سرگرمی با زبان)
۳. ارتباطات خودجوش و اجتماعی (ساخت طرح‌ها، تصمیم‌ها، حل مسائل، مواجهه در هنگام بازی، بیان احساسات، حساس بودن نسبت به دیگران)
۴. حرکت و موسیقی (حرکت به روش‌های گوناگون و با اشیا بررسی صدای گوناگون، تولید آهنگ، درک و ایجاد ریتم‌های مداوم گوناگون)
۵. استدلال منطقی (طبقه‌بندی، کشف و توصیف شباهت‌ها، تفاوت‌ها و ویژگی‌های اشیا، مقایسه، طبقه‌بندی و جور کردن چیزها براساس ویژگی‌ها، گسترش ریاضیات و حساب برای آگاهی از تغییرات فضایی اشکال؛ تجربه

همچنین کنجکاو، تصمیم‌گیری، مشارکت، تحمل دیگران و حل مسئله مورد تشویق قرار می‌گیرد. کودکان از این توانایی‌های خود هر روز در برنامه روزانه‌شان و نیز در خانه استفاده می‌کنند. همچنین با پیش‌نیازهای خواندن، نوشتن، ریاضیات، علوم و دیگر حوزه‌های یادگیری مربوط به مدرسه آشنا می‌شوند. با گذشت زمان، آنان دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای سال‌های مدرسه و زندگی بزرگسالی را توسعه می‌دهند.

جمع‌بندی

از های اسکوپ اکنون در ده‌ها هزار مرکز پیش‌دبستانی، مهدکودک، برنامه‌های پیش از دبستان، مراکز نگهداری کودکان و برنامه‌های مختص «کودکان با نیازهای ویژه» در سراسر جهان استفاده می‌شود و کودکان و خانواده‌های دارای پیش‌زمینه‌های متفاوت نژادی، ملی، مذهبی و اقتصادی، در برنامه‌های های اسکوپ شرکت می‌کنند. این رویکرد، دانش حاصل از تحقیقات مربوط به رشد و یادگیری کودکان را با تجارب کاربردی تدریس در فضای واقعی ترکیب می‌کند. مطالعات بلندمدت نشان می‌دهد که رویکرد های اسکوپ رشد سالم کودکان را ارتقا می‌دهد و برای آنان مزایای طولانی مدت دارد که سراسر زندگی بزرگسالی‌شان را هم پوشش می‌دهد. مشاهدات طولی نشان می‌دهند که کودکان حاضر در برنامه‌های های اسکوپ، خود را بهتر با مطالبات اجتماعی سازگار می‌کنند و بهتر از کودکانی که در این برنامه‌ها نبوده‌اند، در آموزش عالی و زندگی شغلی عمل می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. High/Scope
2. David Welkart
3. Ypslanti
4. Child Observation Record (COR)
5. Preschool Program Quality Assessment (PQA)

منابع

1. Epstein, A., & Hohmann, M. (2012). HighScope's Curriculum Content Areas and the KDIs. Hilt N. (2010). Bringing the High Scope Approach to your Early Years Practice (second edition). London and New York: Routledge.
2. Epstein, A. S., Hohmann, C., Hohmann, M., & English, B. A. (2002). How Young Children Learn to Read in High/Scope Programs. Estados Unidos: High/Scope Educational Research Foundation.
3. OECD. (2004). Five Curriculum Outlines.

با یکدیگر کار می‌کنند. بزرگسالان حامیان یادگیری کودکان محسوب می‌شوند و کاملاً در جهان کودکان، درگیرند.

محیط یادگیری: در های اسکوپ، اتاق‌ها به بخش‌هایی برای حمایت از انتخاب‌ها و علایق کودکان تبدیل می‌شوند. این بخش‌ها، دسترسی آسان به طیفی از مواد طبیعی و ساخت بشر برای حمایت از یادگیری مستقل کودکان را فراهم می‌کنند. اگر کودکان بدانند که هر چیزی را کجا پیدا کنند، می‌توانند آن‌ها را از آنجا بیآورند و در این صورت، به قابلیت‌های خود اعتماد پیدا می‌کنند. محیط‌های خارجی نیز، شکل گسترده‌تر همان محیط‌های یادگیری داخلی هستند و باید در سراسر زمان کار کودکان، در دسترس آنان باشند.

برنامه روزانه: برنامه روزانه های اسکوپ، ثابت است. این امر، برای کودکان امنیت خاطر فراهم می‌کند؛ زیرا آن‌ها به زودی یاد می‌گیرند که برنامه بعدی چیست و می‌توانند وقت خود را طرح‌ریزی و تنظیم کنند. در عین حال، در زمان‌های مختلفی که در برنامه در نظر گرفته شده است، کودکان آزادند که فعالیت‌های خود را انتخاب و اجرا کنند. برنامه آن قدر انعطاف‌پذیر هست که کودکان احساس آزادی عمل داشته باشند. برنامه روزانه های اسکوپ، به کودکان اطمینان می‌دهد که می‌توانند کارها یا چیزهای مورد علاقه خود را انتخاب کنند و نوعی احساس کنترل بر خود و محیط را در آنان ایجاد می‌کند.

سنجش: مربیان برای سنجش پیشرفت کودکان در های اسکوپ، از ثبت‌های مشاهده‌ای کودک^۴ بهره می‌برند. گروه‌های آموزشی روزانه یادداشت‌هایی حکایتی از رفتارهای رشدی قابل توجه کودکان در زمان فعالیتشان تهیه می‌کنند. مربیان در جلسات روزانه با این گروه‌ها، درباره یادداشت‌ها بحث می‌کنند. اعضای گروه، یادداشت‌های روزانه را به‌طور اساسی برای کامل کردن پرونده رشد کودک مورد استفاده قرار می‌دهند. مدیران های اسکوپ برای ارزشیابی برنامه‌های آموزش دوران اولیه کودک، از ابزار «سنجش کیفیت برنامه پیش از دبستان»^۵ استفاده می‌کنند.

پرورش مهارت‌ها

در مراکز یا برنامه‌های مربوط به های اسکوپ، تجاربی برای کودکان طراحی می‌شود که تفکر مستقل، ابتکار عمل و خلاقیت آنان را تشویق می‌کند. اگر کودکان بتوانند براساس ایده‌های شخصی عمل کنند، از مواد آزادانه استفاده کنند و تصوراتشان را بیازمایند، توانایی‌هایشان به سرعت توسعه می‌یابد.



برخی از آسیب‌های گریمر یا آرایش صورت کودکان



ورودیه‌ای برای سر آغاز

بنابر ضرورتی، برای آوردن فرزند یکی از دوستان از یک واحد پیش دبستانی، همراه او عازم محل پرورش فرزندش در پیش دبستانی در یک منطقه میانی تهران شده‌ایم. هنگام ظهر است و تا دقایقی دیگر، پیش دبستان تعطیل می‌شود.

زنک که می‌خورد، تعداد زیادی کودک که صورت‌هایشان با رنگ و اکلیل گریمر یا بهتر است بگوییم آرایش شده است، با چهره‌هایی که موش، خرگوش، گربه و روباه بودنشان از چند ده متری قابل مشاهده است، از مرکز پیش دبستان بیرون می‌آیند؛ در حالی که با ذوق و شوقی هر چه تمام‌تر در رسیدن به پدر و مادرهایشان مسابقه گذاشته‌اند. دختر کوچولوی دوست من هم از دور پدرش را می‌بیند و با عجله و ذوق می‌خواهد قیافه خودش را که شبیه سوسک گریمر شده است، به پدر نشان دهد. مقنعه دختر کوچولو کمی کنار می‌رود و به جای چهره زیبای او که آن را همیشه دیده و لذت برده‌ام، چهره‌ای سیاه شده خودنمایی می‌کند که در نگاه اول، چندان زیبا هم نیست.

دوستم به شدت شاکی است ولی سعی می‌کند به روی خود نیاورد. فقط به پرسشی کوتاه بسنده می‌کند: «حالا کی گفت تو سوسک بشی، خوشگل تر می‌شی؟» دختر کوچولو گفت: «همین خانمه که امروز از صبح اومده بود و صورت همه رو نقاشی کرد. اون گفت گربه و موش و خرگوش زیاده؛ بیا تو رو سوسکت کنم تا همه بچه‌ها حسودیشون بشه!»

خیلی خوش وقت می‌شویم که آموزش حسودی هم در فهرست هدف‌های پرورشی مدرسه، در دستور کار مربیان محترم قرار گرفته است. تا دختر دوستم از آن پشت بیاید و سوار خودروی پدرش شود، دوستم می‌گوید: «اگه ممکنه شما چند دقیقه پیش دخترم باش تا من برم به این کارشون اعتراض کنم و برگردم!»

او را به دلیل عصبانیتی که تمام وجودش را گرفته است، از انجام دادن این کار منع می‌کنم و از او می‌خواهم اعتراض را به وقتی دیگر موکول کند تا دخترش هم بیش از این آسیب نبیند؛ هر چند او در عالم کودکانه خود، همان‌طور که در صندلی پشتی خودروی پدرش نشسته، در حال ورنانداز کردن قیافه‌اش در آینه جلویی است و اصلاً کاری به عواقب و آسیب‌های این کار و جوش و خروش تربیتی پدرش ندارد.

شرح ماجرا

پدیده گریمر یا آرایش صورت کودکان، چند وقتی است که به شکل‌های گوناگون خودنمایی می‌کند. این نوع گریمر را در اکثر نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری ویژه کودکان و نوجوانان و نیز بزرگسالان، جشن‌های مدرسه‌ای، رستوران‌ها و مراکز خرید و بسیاری جاهای دیگر ملاحظه می‌کنیم. حتی برخی مراکز پیش دبستانی و دبستانی، این برنامه را با آب و تاب فراوان در فهرست برنامه‌های فرهنگی تربیتی خود تبلیغ و عنوان می‌کنند که در کنار برگزاری فلان برنامه فرهنگی یا تفریحی در مدرسه، از نقاش چهره شناخته شده، خانم یا آقای فلانی دعوت کرده‌ایم در آموزشگاه حضور یابد و چهره‌های فرزندان دلبند

یک توصیه اساسی

از این رنگ آمیزی‌ها روی صورت کودکان استفاده نکنید ولی اگر به هر دلیل مایل به امتحان این تفریح برای فرزندان هستید، فقط یک بار آن را انجام دهید و بعد با سرعت و در کمتر از دو ساعت، رنگ‌ها را از روی پوست کودکان پاک کنید. در این خصوص، از پذیرفتن درخواست فرزند خود برای نگه داشتن گریمر تا صبح فردا و حتی خوابیدن با صورت گریمر شده، خودداری کنید.

- آیا رنگ آمیزی صورت کودکان، می تواند عوارض پوستی چون تورم و خارش داشته باشد؟ آیا این رنگ آمیزی عارضه هایی از جمله حساسیت پوستی، تورم و خارش هم در پی دارد؟
- برای این کار از چه رنگ هایی استفاده می شود؟

- در صورت بروز چنین عارضه هایی، پاسخگوی ما آن دختر خانم گریمر دعوت شده به واحد پیش دبستانی یا نمایشگاه فرهنگی است یا پزشک متخصص پوست و مو؟
- آیا با استفاده از رنگ های چرب در کودکان

علائم حساسیت پوستی، قرمزی، تورم و خارش است که علائم اگزما می نامند

شما را به هر شکل و با هر تصویری که دوست دارید، گریم کند. علاوه بر این، اگر دقت کرده باشید غرفه هایی که در نمایشگاه های گوناگون مشغول رنگ آمیزی صورت بچه ها هستند، از شلوغ ترین غرفه ها به شمار می روند. کودکان نادانسته و به دلیل چشم و هم چشمی، عاشق این سرگرمی هستند ولی نکته تعجب آور، والدین غافل آن هاست که خوشحال و خندان از اجرای این مراسم، برای فرارسیدن نوبت خود در صف ایستاده اند. اخیراً این کار در جشن های مدارس و نیز در برخی مهد های کودک و واحدهای پیش دبستانی شیوع بی حد و اندازه ای پیدا کرده و یکی از دلایل پرداختن مجله رشد آموزش پیش دبستانی به این موضوع نیز همین امر است.
درست است که این کار، یک فرصت شغلی جدید است و مجریان آن درجات نازل تا فخری از هنر نقاشی و آرایشگری و گریم را هم دارا هستند ولی نکته مهم، نازل یا فخر بودن هنر مجریان این نوع گریم و آرایشگری و میزان مبالغ دریافتی آنان نیست، بلکه آسیب هایی است که این کار از لحاظ جسمی و تربیتی به کودکان وارد می کند.

چند پرسش از خودمان

آیا تاکنون در مقام پدر و مادر از خود پرسیده ایم این کار از لحاظ تربیتی و جسمی ممکن است چه آسیب هایی به کودکان وارد کند؟ پرسش هایی از قبیل:
- آیا رنگ های به کار رفته در ابزار مجریان گریم که مثلاً صورت کودکان را برای سرگرمی، زیباتر می کنند، برای کودکان بی خطرند؟

علائم حساسیت پوست صورت کودک

علائم حساسیت پوستی قرمزی، تورم و خارش است که علائم اگزما می نامند. گاهی ممکن است این حساسیت به صورت ضایعاتی شبیه کهیر نمایان شوند. به هر حال، اگر بعد از نقاشی، در پوست صورت کودک خود متوجه قرمزی و تورم شدید یا اگر کودک از خارش پوست شکایت کرد، بلافاصله رنگ را با آب و صابون بچه یا شامپوی بچه بشویید. گاه می توان از شیر پاک کن نیز برای این منظور استفاده کرد و بعد صورت را با آب خالی شست.

پس از شست و شوی کامل رنگ از روی پوست، بهتر است از یک مرطوب کننده ساده پوست (مانند وازلین یا اوسرین) استفاده کنید تا آسیب وارد شده به پوست در اثر استفاده از رنگ و نیز صابون به حداقل برسد. اگر پوست صورت کودکان دچار قرمزی شد، هنگام مواجهه با آفتاب نیز به صورت آن ها کرم ضد آفتاب بزنید. اگر مشکل حل نشد، به متخصص پوست و مو مراجعه کنید و تحت نظر وی از داروهای ضد التهاب موضعی و نیز داروهای ضد حساسیت و ضد خارش خوراکی (در صورت لزوم) استفاده کنید.



بزرگ‌تر و نزدیک سن بلوغ، امکان بروز یا گسترش جوش‌های غرور جوانی (آکنه) و تبدیل آن‌ها به جوش‌های التهابی و چرکی وجود دارد؟

- در صورت عادت کردن کودک به این تفریح، برخورد تربیتی مناسب چیست؟

- آیا با این کار، فرهنگ غلط استفاده از لوازم آرایش را عملاً به کودکانمان آموزش نمی‌دهیم و بلوغ آن‌ها را دستخوش تغییرات نمی‌کنیم؟

- این کار را از زاویه دید حقوق کودک چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ (اعتراض مهم دوست من بر همین نکته تأکید داشت و آن این بود که

برای آگاهی بیشتر

برای رنگ‌آمیزی صورت کودکان از وسایل مختلفی استفاده می‌شود؛ مثل ماژیک‌های معمولی، وسایل آرایشی خانم‌ها، آبرنگ و رنگ گواش. افراد حرفه‌ای هم از رنگ‌های گریم برای این کار استفاده می‌کنند که به آن رنگ فون می‌گویند. رنگ‌های فون دو نوع‌اند: فون خشک که به آن پینت کیک (PAINT CAKE) می‌گویند و فون چرب که پینت استیک (PANIT STICK) نامیده می‌شود. از فون چرب برای گریم بازیگران سینما و آرایش عروس استفاده می‌شود. برای رنگ‌آمیزی صورت کودکان گاهی از فون خشک استفاده می‌کنند که با آب و صابون یا شیرپاک‌کن به سادگی قابل پاک شدن است. متأسفانه برخی از آرایشگران کودک به دلیل کم‌هزینه بودن از آبرنگ استفاده می‌کنند که در این صورت باید پوست کودک هر چه زودتر شسته شود. به‌طور کلی، استفاده از ماژیک و رنگ گواش برای رنگ‌آمیزی صورت بچه‌ها اصلاً توصیه نمی‌شود؛ زیرا این رنگ‌ها به سادگی از روی پوست پاک نمی‌شوند و ممکن است مضر باشند. در هر حالتی (حتی با فون خشک) نباید رنگ مدتی طولانی روی پوست کودک بماند و حداکثر طی چند ساعت باید با آب و صابون یا شیرپاک‌کن پاک شود.

در صورت ناآگاهی کودک از چندان‌آور بودن موجودی به نام سوسک، او چگونه به خودش اجازه داده است، صورت کودک مرا سوسکی کند؟

- آیا وقتی برای استفاده از لوازم آرایشی موجود در منزل (اغلب لوازم آرایشی اختصاصی مادر خانه)، برای دختران حد و مرز سنی و ضابطه‌ای تعیین می‌کنیم و پسران را عملاً از پرداختن به این امر باز می‌داریم، استفاده از این سرگرمی، این قاعده تربیتی وضع شده در منزل را با چالش روبه‌رو نخواهد کرد؟

گفت‌وگو کنید

قصه نداریم به این پرسش‌ها پاسخ بدهیم. هدفمان گشایش بحثی بود که درازدامن است و به این زودی‌ها نمی‌توان ابعاد گوناگون آن را تحلیل و تحدید کرد. از مدیران محترم واحدهای پیش‌دبستانی که هنوز به این اقدام روی نیاورده‌اند و به‌طور فزاینده با درخواست اولیای نوآموزان خود برای بهره‌مندی از این حرکت در یکی از برنامه‌های فرهنگی روبه‌رو هستند، درخواست می‌کنیم این پرسش‌ها را در جلسات خانواده‌ها به بحث و گفت‌وگو و تبادل نظر بگذارند و اجازه دهند فرهنگ گفت‌وگو و اقناع در واحدهای پیش‌دبستانی نهادینه شود. ولی برای اینکه از اطلاعات علمی در این زمینه نیز بی‌بهره نباشید، در چند باکس حاشیبه‌ی مطلب اصلی، با همکاری آقای **ثمین سالک**، مدیر دوماهنامه صورتک (نخستین نشریه تخصصی گریم حرفه‌ای در ایران)، نکته‌هایی را برایتان فراهم آورده‌ایم که خواندن آن‌ها خالی از لطف نخواهد بود.

به‌طور کلی، استفاده از ماژیک و رنگ گواش برای رنگ‌آمیزی صورت بچه‌ها اصلاً توصیه نمی‌شود؛ زیرا این رنگ‌ها به سادگی از روی پوست پاک نمی‌شوند و ممکن است مضر باشند



تولد بچه دیگر دوست یا دشمن بچه اول؟

اشاره

در این شماره بخوانید ماجراهای کودکی را که صاحب خواهری شده است و ببینید بازخوردهای خوب و بدش را از بدو تولد تا بعد. در تولد بچه دوم چه کارهایی باید کرد و چه کارهایی نباید کرد.

تولد خواهر

پیش از اینکه خواهرش را از بیمارستان به خانه بیاورند، از اینکه نمی‌توانست به بیمارستان برود و او را ببیند خیلی ناراحت بود. برای آمدنش لحظه‌شماری می‌کرد. مثل پروانه دورش می‌چرخید. همه‌اش می‌خواست او را بغل کند. گاهی که بچه را روی پایش می‌خواباندند، زبانش را با ژست لالایی در دهانش می‌چرخاند؛ ضربه آرامی به پشتش می‌زد و هم‌زمان می‌گفت: «لالای لای لالی لالی. لالای لای لالی. لالای لای لالی». مدت‌ها بالای سرش می‌نشست و سر و صورتش را آرام نوازش می‌کرد. تا که صدای گریه‌اش درمی‌آمد، هر جا که بود خودش را به او می‌رساند؛ رو به او می‌کرد و با لحن مهربانانه‌ای می‌گفت: «گریه می‌کنی ناراحتی؟ غصه نخور خودم مواظبتم. نمی‌دارم کسی اذیتت کند. اصلاً نگران نباش. تو منو داری. من داداشیتم، من نگهبانتم ... بوس بوسی من».

در آن مدت آماده به خدمت بالای سرش بود. وقتی متوجه می‌شد که مادرش می‌خواهد بچه را پوشک کند، بدو بدو کیسه پوشک‌ها را می‌آورد و می‌گفت: «خواهر بوس بوسیمو خودم می‌خوام پوشکش کنم». مادر می‌گفت: «همین که پوشکشو برام آوردی، کمک زیادی به من کردی». البته باز هم اصرار می‌کرد.

اسباب‌بازی‌های خودش را برای بچه می‌آورد و با زبان کودکانه‌ای برایش توضیح می‌داد که این‌طوری با این باید بازی کنی. گاهی هم کتاب قصه‌اش را می‌آورد و تصویرهایش را نشان می‌داد و از روی تصویر، قصه‌اش را برایش می‌گفت. شعرهایی را که در مرکز پیش‌دبستانی یاد گرفته بود برای بچه می‌خواند. وقتی خواهرش را روی پایش می‌خواباندند، لالایی

لالایی منحصر به فردش را برای او می‌خواند. در واقع کارهایی را که در دوران نوزادی‌اش برای او انجام شده بود، به خواهرش پس می‌داد.

یک روز که صدای گریه بچه درآمده بود، او را از روی تخت بلند کرده بود. به خیال خودش بغلش کرده و او را روی شکمش گرفته بود. دستانش را هم پشت او حلقه کرده بود. پاهای بچه روی ران‌هایش لخ لخ می‌کرد و کشان کشان او را می‌آورد. بچه هم که به شدت احساس ناامنی کرده بود، صدای گریه‌اش درآمده بود. احساس ترس در چشمان و صورت بچه موج می‌زد. پدرش با دیدن این صحنه داد زد: «چه کار داری می‌کنی؟ بچه رو نندازی!» بعد به سمت آن‌ها دوید و بچه را از بغل پویا گرفت. پویا نمی‌خواست بچه را به پدرش بدهد و محکم او را به شکم خود چسبانده بود و می‌گفت: «بوس بوسی خودمه».

القصد اگرچه برخی کارها و رفتارهایش ناخواسته و ندانسته خواهرش را اذیت می‌کرد ولی تمام سعی‌اش را می‌کرد تا به گونه‌های مختلف محبت و حمایتش را به او ابراز کند. در جاهایی هم خودش را مالک شش دانگ او می‌دید.

دستان ظریفشان پیدایش شده بود و برای سوزن فرو کردن، مناسب تشخیص داده شده بود و شیلنگی وصل به سرم؛ سرمی که غذا را چکه چکه در شیلنگ جاری می‌کرد و شیلنگ‌هایی که به جاهای مختلفشان وصل شده بود. بچه‌ها دست و پا می‌زدند. دستانشان را با یک باند سفید به تخت‌ها بسته بودند. پرستارهای سفیدپوش و مضطرب هم تند و تند از بالای سر بچه‌ها در رفت‌وآمد بودند. می‌رفتند و می‌آمدند تا بتوانند به دفعات به این همه بچه سر بزنند.

بچه از خانه‌اش که چهار ماه آزرگار را در آن سپری کرده بود، جدا شده بود؛ از مادری که هر لحظه در کنارش بود. گرسنه‌اش می‌شد سیرش می‌کرد؛ خیس می‌شد خشکش می‌کرد؛ در آغوشش می‌گرفت؛ لحظه لحظه گریه‌هایش را، بازخوردهایش را مهربانانه پاسخ می‌داد.

آدم‌ها، به‌ویژه پرستارها، برایش بیگانه بودند. محیط هم طعم و بوی آشنایی نداشت. هم‌اتاقی‌هایش بچه‌هایی بودند که هم‌زمان با خودش دائم گریه می‌کردند. گریه خودش را در میان گریه نوزادان دیگر گم کرده بود. وسایل، کودکان، بزرگسالان همه و همه برایش ناشناخته و بیگانه و رعب‌آور بودند. هر چیز ناشناخته‌ای معمولاً ترس‌آور هم هست.

از همه مهم‌تر از آغوش مادرش محروم شده بود. درواقع، با گریه مادرش را طلب می‌کرد ولی اجازه ورود به آس‌یو را به تعداد انگشت‌شماری از مادران می‌دادند. از نظر بیمارستان، مادر استرلیزه نبود. دست و پای بچه را هم به تخت بسته بودند و او دائم گریه می‌کرد. همه خدمات از دکتر، پرستار و دیگر امکانات در خدمت زنده نگه داشتن او بود. همگی به فکر جسمش بودند و روانش چندان دیده نمی‌شد. به‌ویژه اینکه خیلی‌ها فکر می‌کنند که نوزاد چیزی نمی‌فهمد. در حالی که نوزاد از همان روز اول همه حس‌های فضا را می‌گیرد و تفاوت نرمی و خشونت را هم خیلی خوب تشخیص می‌دهد. کاری به نظریه‌ها و کتاب‌ها ندارم بلکه این امر را به وضوح در ارتباط با نوه‌هایم با گوشت و پوستم حس کرده‌ام.

نظم خانه‌شان به هم خورده بود. همه ناراحت و نگران. مادر و پدر تمام روز را نگران و هراسان پشت در آس‌یو می‌گذراندند و شب به اجبار آنجا را ترک می‌کردند. نمی‌دانستند وضعیت کودک چه می‌شود و خدا خدا می‌کردند که زنده بماند.

پویا بیشتر روزها را در خانه مادر بزرگ و دور از پدر و مادرش می‌گذراند. او هم نگران و ناراحت خواهرش بود اما به بیمارستان راهش نمی‌دادند. بالاخره بهبود حاصل شد و بچه از بیمارستان برگشت به خانه ولی از نظر جسمی و روحی ضعیف و به شدت به مادرش وابسته شده بود. دیگر رضایت نمی‌داد که حتی لحظه‌ای مادر او را به زمین بگذارد یا از کنارش برود. آغوش هیچ کسی غیر از مادرش برایش امن نبود. حتی حضور هر کسی خارج از دایره افراد خانه، او را ناراحت و مضطرب می‌کرد و با دیدنش گریه را سر می‌داد و به مادرش می‌چسبید. مادر را



بخش مراقبت‌های ویژه

خواهرش در چهار ماهگی به سختی مریض شد. ریه‌هایش عفونت کرد و به دستور پزشک هفت هشت روزی را در بخش مراقبت‌های ویژه در یکی از بیمارستان‌های کودکان تهران بستری شد. مادرش تمام روز را پشت در «آس‌یو» در بیمارستان سپری می‌کرد.

در سالنی با چهار دیواری سفید، پر از تخت‌هایی با ملافه‌های سفید که پهلوی به پهلوی و روبه‌رو ردیف شده بودند. بالای تخت‌ها سیم و کابل‌هایی که به پریزها وصل شده بود، پر از دم دستگاہ بود. بینگ بینگ مانیتورها و منحنی‌های کوتاه و بلندی که روی مانیتورها دوان دوان در حرکت بودند.

بوی الکل، بوی مواد ضدعفونی‌کننده‌ای که کف را با آن تمیز کرده بودند. بوهای تند و جورواجور دیگر و گریه پی‌پی بچه‌ها هم در فضا پیچیده بود.

تعداد زیادی بچه، از چند روزه تا چند ماهه و یکی دو ساله مثل بره روی تخت‌ها دراز شده بودند. بینی‌شان کیپ شده بود با ماسک اکسیژن و سرنگ‌هایی که در رگ‌های دستان کوچکشان فرو رفته بود؛ همان رگ‌هایی که بعد از سوراخ سوراخ کردن

آن سر حال. مادرش گفت: «بهت گفتم آرام باش خواهی بیدار نشه».

اما او نه تنها اعتنایی به حرف مادر نکرد، بلکه بر سرعتش افزود و «ولوم» صدایش را تا آخرین درجه بالا برد. هوهوکنان مثل اسب عساری دور تا دور حال می‌دوید. کل فضای حال را در صدای خود خلاصه کرده بود و صدایش در همه جا پخش شده بود. کف حال زیر پایش می‌لرزید و دیگر صدای مادر به گوشش نمی‌رسید.

مادر داشت می‌گفت: «چه خبرته؟ خواهی ... همسایه پایینی ...» که صدای گریه خواهرش بلند شد. مادر به سمت بچه رفت. بچه هم جیغ می‌کشید.

پویا همچنان با بالاترین شدت و سرعت به کارش ادامه می‌داد.

مادر صدایش را بلند کرد و گفت: «این سروصداهای تو هم منو ناراحت می‌کنه هم همسایه‌ها را ... خواهی را هم که بیدار کردی ...» وقتی مادر روی مبل نشست، پویا روبه‌رویش ایستاد و شروع کرد به پریدن از روی مبل‌ها. حالا نپیر. کی پیر. نه یک بار. نه دو بار بلکه ... بار.

این بار مادر که سعی می‌کرد خود را بی‌توجه به حرکات و صدای پویا نشان دهد، شروع کرد به شیر دادن بچه. او هم وقتی چندین بار روی مبل‌ها پیر پیر کرد و جوابی از مادرش نشنید، بدو بدو به آشپزخانه رفت؛ دسته جارو را برداشت و با همان سرعت قبلی و همان ولوم صدا، هوهوکنان شروع کرد به کوباندن آن بر در و دیوار حال. بچه هم ترسیده بود و گریه می‌کرد و شیر نمی‌خورد. فضا پر از سروصدا شده بود؛ شلوغ، ناآرام، غیرقابل تحمل. صدای گریه خواهر با سروصدا برادر در هم آمیخته بود. بیم آن می‌رفت که هر لحظه همسایه‌های زنگ آپارتمان را بزند و برای آن همه سروصدا اعتراض کند.

رفتار پویا غیرعادی بود. چنین رفتاری را در هیچ جا و با هیچ کس دیگری از او ندیده بودیم.

در بیرون از خانه، چه در پیش‌دبستان چه در کوچه و خیابان و یا خانه دیگران در غیاب خواهرش رفتاری عادی داشت. به راحتی با کوچک و بزرگ ارتباط می‌گرفت. وقتی به پارک می‌رفتیم، در یک چشم به هم زدن دوست پیدا می‌کرد. در پیش‌دبستان با مربی و هم‌کلاس‌هایش رفتار مناسبی داشت. وقتی مادرش وضعیت رفتاری‌اش را از مربی او جویا شده بود، گفته بود: «اکثر بچه‌ها می‌خواهند پیش او بنشینند و گاهی وقت‌ها سر این مسئله دعوايشان می‌شود». در پیش‌دبستان محبوب مربی و بچه‌ها بود. ولی مدتی بود به محض دیدن

شبانروز فقط برای خودش می‌خواست.

تا مدتی، توجه مادر، در بسیاری از اوقات روز، به بچه بود و پویا ناخواسته از زیر سایه‌بان محبت و توجه مادر قدری دور مانده بود و همین عاملی شد برای بروز رفتارهای آزاردهنده او. مادر برای از بین بردن رفتارهای بد پویا دست به ترفندهایی زده بود. سعی می‌کرد رفتارهای خوبش را پررنگ کند و رفتارهای بدش را به دیده اغماض بنگرد.

رفتارهای آزاردهنده

وقتی پویا به خانه آمد، بچه که حالا داشت پنج ماهه می‌شد. بغل مادرش بود. مادر رو کرد به پویا و گفت: «لباساتو عوض کن بذار تو کمدا اتاقت». پویا کمی به مادرش زل زد. روی مبل جابه‌جا شد. جوراب‌ها را از پایش درآورد و پرت کرد ته حال. جفت جوراب‌ها خوردند به شیشه پنجره. یکیش روی مبل افتاد و دیگری روی میز جلوی مبل. مادر کمی برافروخته شد و گفت: «این چه کاریه که می‌کنی؟ برو اونارو بیار ببر بذار تو اتاقت».

پویا نگاهی به مادرش انداخت و بی‌توجه به حرف او شلوارش را که از پایش درآورده بود، انداخت بالا به سمت سقف. شلوار افتاد روی لامپ لوستر که به شکل فرشته بود. پاچه‌های شلوار روی بال‌های فرشته پهن شده بودند. لیف‌اش از لوستر آویزان بود و لوستر و شلوار با هم تکان تکان می‌خوردند. پویا در حالی که خنده از لبش سرریز شده بود و داشت ریشه می‌رفت، با افتخار نگاهی به اطرافیان کرد و اشاره کرد به شاهکارش که روی بال‌های فرشته تاب می‌خورد.


مادر سرش را با تأسف تکانی داد و گفت: «تعجب می‌کنم از این کارات. باورم نمی‌شه که این کارا رو تو انجام داده باشی». پویا در حالی که فضا از صدای خنده‌اش آکنده شده بود، رفت زیر لوستر و سرش را بالا آورد و اشاره کرد به شلوار. گفت: «مامان! نگاش کن! ببین کجا افتاده» و باز هم خندید.

مادر نگاه تندى به او کرد و گفت: «شوخی بی‌مزه‌ای است. اصلاً هم خنده نداره». پویا گفت: «چرا داره!»

بعد هم پشتش را خاراند و بدو بدو رفت به سمت جوراب‌هایش. آن‌ها را از ته حال برداشت و پرت کرد گوشه دیگر حال و در حالی که صورتش پر از خنده شده بود، با خوشحالی چند بار بالا و پایین پرید و سرش را برگرداند به طرف مادرش و نگاه پیروزمندانه‌ای به او انداخت.

مادر سرش را به نشانه تأسف تکان تکان داد و گفت: «خواهرت خوابش میاد ... الان باید بخوابونمش. بعداً با هم حرف می‌زنیم». کمی بعد هم بچه را برد توی اتاق و خواباند. بعد بیرون آمد و رو کرد به پویا و گفت: «خواهرت تازه خوابیده. آرام باش. بیدار نشه».

پویا بعد از شنیدن این فرمان، مثل تیری که از کمان رها شود، از جایش بلند شد و شروع کرد با سرعت به دویدن از این سر تا



روی مبل
راحتی پیشم نشست و گفت:
«از دیروز که پیشت بودم تا
حالا کار خوبی انجام داده‌ام؟»
گفتم: «معلومه عزیزم که کار
خوب انجام دادی!»
- می‌شه اونارو بشماری؟
- «مثلاً دیروز خودت گفتی شربت
کلسیم را بهم بده و راحت اونو
خوردی.»
- دیگه چی؟
- تو دیشب گفتی بازی کامپیوتری
نمی‌کنم؛ چون سهم بازی کامپیوتری‌ام
رو دیروز انجام داده‌ام.
- دیگه چی؟
گفتم: «شب وقتی چند قصه برات گفتم، دیدی
که دارد خوابم می‌برد گفتی دیگه تو بخواب.»
پرسید: «دیگه چی؟»
گفتم: «عصری اسباب‌بازی‌هایت را جمع کردی.»
- خوب ... صبح هم کار خوبی کردم؟
- وقتی بیدار شدی دست و صورتت رو شستی.
گفت: «حالا بشمار چند تا کار خوب کرده‌ام.»
گفتم: «خوب چند تا کار خوب انجام دادی؟»
پرسید: «خوب چند تا؟»
منم در آمار کارهایش تقلب کردم و آن‌ها را کمی بیشتر اعلام
کردم. گفتم: «تو از دیروز عصر تا حالا نه تا کار خوب کردی.»
گفت: «اگر این نه تا کار خوب رو به هم وصل کنیم، چقدر
می‌شه؟ خطی افقی برایش در هوا کشیدم و گفتم: «این قدر ...»
دست‌هایش را به اندازه زاویه ۷۰ درجه باز کرد و گفت: «یعنی
این قدر؟» گفتم: «نه کمی کمتر.» دست‌هایش را جمع‌تر کرد و
پرسید: «یعنی این قدر؟» گفتم: «تقریباً.» پرسید: «منظورت از
تقریباً یعنی این قدر نیست؟» گفتم: «چرا همین قدره.»
در آخر ماجرا را لود داد و گفت: «مامان گفته هر کار خوبی
کردی یک بستنی می‌گیری.» بعد سقلمه‌ای به من زد و ادامه
داد: «حالا من ۹ تا بستنی باید بگیرم!» مامان جون پاشو برام
۹ تا بستنی بخر!»

خواهرش رفتارش تغییر می‌کرد. سعی می‌کرد از راه‌های نامناسب و با داد و فریاد کردن و پریدن از سر میز و سروصدا ایجاد کردن توجه دیگران را جلب کند. حتی گاهی به خشونت هم متوسل می‌شد. به عناوین مختلف لج‌بازی می‌کرد. وقتی مادرش از او کمکی برای خواهرش می‌خواست، سر باز می‌زد. اگر از او می‌خواستند پوشک بچه را بیاورد، پوشک را از اتاق به هال می‌آورد ولی بازی‌اش گل می‌کرد. آن را به سقف و این‌ور و آن‌ور پرتاب می‌کرد. پستانک بچه را از پنجره پایین می‌انداخت. وقتی بچه روی پای مادرش بود، لیوانی را در آشپزخانه می‌شکست. روی میز آشپزخانه می‌رفت و گرمی خود را پایین می‌انداخت. طوری رفتار می‌کرد که مادرش و دیگران را ذله کند و گاه مادر هم دیگر از کوره در می‌رفت.

گوش به زنگ پاداش

آفتاب تا لبه تختهش رسیده بود که از خواب بیدار شد. بعد از شستن دست و صورتش از او پرسیدم: صبحانه می‌خوری؟
گفت: «نه، الان میل ندارم. بعداً می‌خورم.»



پیامدهای تربیت اجتماعی کودکان در پرتو آموزه‌های قرآن

اشاره

در نوشتار قبلی با عنوان «آموزه‌های اجتماعی قرآن برای کودکان» مقوله اجتماعی شدن کودکان در سنین پیش‌دبستان را توضیح دادیم و فهرستی از آموزه‌های قرآنی از منظر ارتباطات اجتماعی کودکان را ارائه کردیم. در ادامه به بررسی از مفاهیم کلیدی و پیامدهای آن در تربیت اجتماعی و قرآنی کودک پیش‌دبستانی خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: تربیت اجتماعی، تربیت قرآنی، پیامدهای تربیتی، آموزه‌های قرآن و عبرت (ع)

تربیت اجتماعی کودکان به چگونگی تعامل و ارتباط آن‌ها با دیگران و محیط پیرامونشان کمک می‌کند. افرادی که مهارت‌های اجتماعی را در سنین کودکی نمی‌آموزند، به همان نسبت در بزرگسالی برای برقراری ارتباط مؤثر و سازنده همواره با چالش مواجه‌اند. توانایی و مهارت ارتباط با دیگران به کودک این امکان را می‌دهد که آرام آرام رشد اجتماعی پیدا کند و این رشد در بزرگسالی او توسعه و تثبیت شود. امروزه بسیاری از صاحب‌نظران اذعان دارند که ریشه توانایی تعامل و ارتباط افراد با دیگران عمدتاً در چگونگی تربیت اجتماعی آن‌ها در دوران کودکی است. اما آنچه ضرورت توجه به این مقوله را بیشتر می‌کند، این است که تربیت اجتماعی باید مطلوب و سازنده باشد. قرآن کریم، به‌عنوان نقشه راه زندگی و سعادت بشر، در آیات فراوانی بر ضرورت ارتباط مؤثر و تعامل سازنده و رشددهنده افراد با یکدیگر تأکید کرده است. برنامه‌ریزان و مربیان دلسوز با در نظر گرفتن این تأکیدها و پیامدهای آن برای کودکان، همواره در اندیشه تربیت اجتماعی صحیح کودکان هستند. با تفکر و تدبیر در آموزه‌های اجتماعی قرآن، به خوبی می‌توان ثمرات و پیامدهای عمل به این آموزه‌های ارزشمند را در خود و کودکان بیابیم.

تدبیر در کلام الهی و سیره معصومین (ع) آن قدر اهمیت دارد که خداوند مهربان در چند آیه قرآن کریم به صراحت بر آن تأکید نموده‌اند. در سوره مبارکه «ص» آیه ۲۹ می‌فرماید:

كِتَابٍ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ

(قرآن) کتابی مبارک و باارزش است که بر تو (پیامبر) نازل کردیم

لِيَتَذَكَّرَ أُولَاآئِهِ

تا در آیاتش تدبیر و تفکر کنند

وَلِيَتَذَكَّرَ أُولَاآئِهِ

و خردمندان از آن (قرآن) پند گیرند.

«تدبیر» به معنای اندیشیدن در ماوراء مسئله و امور است و ژرفاندیشی، عاقبت‌اندیشی و توجه به پیامدها و ثمرات آن مسئله را در نظر دارد و نتیجه آن



درک، فهم و کشف حقایقی است که معمولاً در ابتدای امر و در نظری سطحی به ذهن خطور نمی‌کند (نقی‌پور، ۱۳۷۸).

پیامدهای برخی از آموزه‌های اجتماعی قرآن در فرایند تربیت کودکان

همان‌طور که اشاره شد، در شماره ۳۷ همین فصلنامه (پاییز ۱۳۹۷)، در مقاله‌ای فهرستی از مصادیق آموزه‌های قرآنی، کاربردی و مناسب برای تربیت اجتماعی کودکان ارائه گردید. اکنون برخی پیامدها و ثمرات توجه به این آموزه‌ها را در فرایند تربیت کودکان بررسی می‌کنیم.

۱. سلام کردن

برای «سلام» معانی بسیاری مطرح است که از جمله آن‌ها می‌توان به دوستی، امنیت، احترام و ادب اشاره کرد.

در برقراری ارتباط، سلام کردن آن قدر اهمیت دارد که از مهم‌ترین آداب اسلامی به شمار می‌رود. به همین دلیل، برای توجه دادن به رعایت این ادب اجتماعی پاداش کسی که اول سلام می‌کند، چندین برابر پاداش پاسخ‌دهنده است.

علاوه بر قرآن کریم، در سیره و کلام معصومین -علیهم‌السلام- بسیار بر این موضوع تأکید شده است (مراجعه به فهرست آموزه‌های قرآن در



مؤدب و قابل احترام می‌دانند.

۲. همکاری در کارهای خوب

از دیگر آموزه‌های اجتماعی قرآن، همکاری در کارهای خوب و دوری از همکاری در کارهای بد است.

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى

در کارهای خوب با هم همکاری کنید.

وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

در گناه و دشمنی همکاری نکنید.

(سوره مائده، آیه ۲)

ما مربیان و والدین باید فرصت‌هایی فراهم کنیم تا کودکانمان همکاری، مشارکت و کار گروهی را تجربه کنند اما نکته تربیتی قابل توجه در این آیه، همکاری در کارهای خوب و پرهیز از همکاری در کارهای بد است. قرآن انتظار دارد که فقط در کارهای خوب همکاری داشته باشیم. اگر ما مربیان نیز در برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی‌مان به این امر مهم توجه کنیم، کودکان از ما می‌آموزند که در کارهای خوب همکاری کنند که از جمله پیامدهای آن افزایش روحیه همدلی، کار گروهی نشاط جمعی و از همه مهم‌تر به انجام رسیدن کارهای خوب است.

۳. دوستی و آشتی

دوستی و برادری بین انسان‌ها و به‌ویژه مؤمنین از سفارش‌های اساسی قرآن است. قرآن کریم در بسیاری از موارد بر پرهیز از دعوا و قهر و به جای آن دوستی و آشتی تصریح دارد. در تربیت اجتماعی کودکان، به‌ویژه پس از حضور در مراکز پیش‌دبستان و اولین تجربه‌های بودن در کنار همسالان، تأکید بر دوستی و آشتی بین آن‌ها بسیار راه‌گشا و مهم است.

کودک با یادگیری آموزه‌های قرآنی در خصوص پرهیز از دعوا کردن و تأکید بر دوستی درمی‌یابد که چگونه به ارتباط اجتماعی خود با همسالانش سامان دهد و در موقعیت‌های گوناگون با دوستان و هم‌کلاسی‌های خود ارتباطی مطلوب و پسندیده داشته باشد. قدر مسلم آن است که این یادگیری در صورتی موفق و مؤثر است که مربی توانمند با ایجاد فرصت‌ها و موقعیت‌های ملموس و کاربردی برای کودک، تجربه شیرین با هم بودن، دوستی داشتن و پرهیز از قهر را فراهم کند. فعالیت‌ها و موقعیت‌هایی مانند نمایش خلاق و ایفای نقش، قصه‌های واگرا و بازی‌های هدفمند در تثبیت رفتارهای اجتماعی مطلوب در کودکان تأثیر زیادی دارند.

جمع‌بندی

فرایند تربیت اجتماعی کودکان اگر برگرفته از آموزه‌های قرآن و سیر معصومین (ع) باشد، این دستاورد و پیامد را برای آنان دارد که آرام آرام بذره‌های ارتباط اجتماعی مؤثر را در خود شکوفا کنند. سخن دیگر اینکه از بنیادی‌ترین عوامل برای اجتماعی‌شدن کودکان براساس آموزه‌های قرآن، توجه و تأکید بر نقش الگویی مربیان و والدین است. از این رو انتظار می‌رود همه ما در سامان دادن به ارتباطات و تعامل اجتماعی بین خود و دیگران برای فرزندانمان الگوی عملی باشیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. قرآن کریم، مترجم: الهی قمش‌های، انتشارات آیین دانش.
۲. نفی پور، ولی‌اله (۱۳۷۸). پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن. انتشارات اسوه.
۳. فصلنامه رشد پیش‌دبستانی شماره ۳۷، سال ۱۳۹۷
۴. محمدی ری‌شهری، حکمت‌نامه کودک انتشارات آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع).

فصلنامه شماره ۳۷ پیش‌دبستانی).
از امام صادق (ع) نیز نقل شده است
(جامع‌الخبار، ص ۸۹):
السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ؛ اول سلام کنید بعد صحبت کنید

این از جمله احادیث مشهوری است که از امامان معصوم (ع) نقل شده است. این سخن حکیمانه به ما و کودکانمان می‌آموزد که قبل از ارتباط کلامی و سخن گفتن، ابتدا سلام کنیم. رعایت این ادب در گوینده و شنونده احساس خوبی به وجود می‌آورد. گوینده با سلام کردن نشان می‌دهد که من شما را دوست دارم، به شما احترام می‌گذارم و امنیت و آرامش بین من و شما بیشتر از هر چیز دیگری اهمیت دارد.

در الگوی عملی پیش‌وایان دین نیز موارد متعددی از این مسئله وجود دارد. معصومین (ع) همواره در سلام کردن به دیگران پیشتاز بوده‌اند. پیامبر اکرم (ص) همیشه زودتر از دیگران سلام می‌کردند و حتی در ارتباط با کودکان نیز پیش‌قدم بودند و به آن‌ها زودتر سلام می‌کردند (محمدی ری‌شهری).

بیان این‌گونه آموزه‌های قرآنی و رفتارهای عملی درباره سلام کردن این پیام و پیامد را برای کودکان دارد که با سلام کردن، دوستانمان بیشتر و اخلاقمان بهتر است و دیگران ما را

بهترین‌ها را در دیگران بنگرید

اعمال لذت‌بخش‌اند. هر مربی و فرد بزرگ‌تری می‌داند که چنین کودکانی از ایجاد مزاحمت برای دیگران و آسیب و آزار آن‌ها احساس خوب و رضایت‌بخشی پیدا می‌کنند. مثال دقیق آن زمانی است که از والدین و یا مربی کودکی می‌شنویم که او گویی میل و گرایش شدیدی به رفتارهای منفی و اذیت کردن و دست انداختن دیگران دارد.

دوپامین سلول‌ها را حساس می‌کند تا در جست‌وجوی عادات و الگو باشند. سطح دوپامین بالا و قوی در ایجاد تفکر و افکار تیزتر و رفتار هوشمندانه‌تر منعکس می‌شود. سیستم مغزی و کارکرد مغزی کودکانی که از خانواده‌های پرآشوب، دارای هرج و مرج، نابسامان، پرتنش و پُراسترس می‌آیند، به گونه‌ای است که سطح دوپامین را در آن‌ها کاهش می‌دهد تا بتوانند به نوعی دوام بیاورند. در حقیقت، کاهش سطح دوپامین در آن‌ها تضمین‌کننده حیات و بقایشان در شرایط بحرانی و ویژه است. بقا و حیات دوباره در این موقعیت‌های خاص و نگران‌کننده به میزان توجه نکردن، جنگ و دعوا و ستیز یا مشکلات تهدیدکننده و رنج‌آور عصبی در خانواده بستگی تام دارد. به عبارت بهتر، سطح بالا و یا پایین دوپامین سبب بروز رفتارهای مثبت و یا منفی در کودکان می‌شود. این رفتارها می‌توانند با ارتقای سطح دوپامین در مغز به شکل لذت بردن از ارتباط با دیگران، دفع عوامل مزاحم و مخل، مقابله با رفتار نادرست،

عوامل ایجادکننده رفتارهای خلقی در کودکان کدام‌اند؟

- مسبب رفتارهای مثبت و منفی کودکان چیست؟
- چگونه می‌توان رفتارهای خوشایند را در کودکان افزایش داد و به کاهش رفتارهای ناخوشایند آن‌ها کمک کرد؟

توانایی تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه چیزی خوب و پاداش‌دهنده است، در مقابل اینکه چه چیز ناخوشایند است و حس خوبی ایجاد نمی‌کند، از کانال فرامین مغزی صادر می‌شود. انتقال‌دهنده عصبی^۱ که برای کمک به رشد و پدید آوردن مرکز پاداش‌دهنده در مغز عمل می‌کند، **دوپامین**^۲ نام دارد. دوپامین نقش بسیار مهم و ارزنده‌ای در تعیین رفتارهای مثبت، خوش‌خلق، تمرکز، آرامش و رفتارهای مشخص و معین دارد. اطفال و کودکان نوپا که توجه مثبت دریافت می‌کنند، یاد می‌گیرند که گوش کنند و تمرکز و دقت بیشتری داشته باشند و درمی‌یابند که برقراری ارتباط و تعامل داشتن با دیگران دارای ارزش و مزایایی است که ایجاد لذت و خوشحالی می‌کند، اما کودکانی که به حال خود رها می‌شوند یا مورد بی‌توجهی و رفتارهای منفی قرار می‌گیرند، مراقبت‌های روزانه ناقص، ناچیز و یا بی‌کیفیت دریافت می‌کنند، با آن‌ها با خشونت و نامهربانی رفتار می‌شود و یا با لحن تند و عصبانیت با آن‌ها حرف می‌زنند، یاد می‌گیرند که بی‌توجهی، فریاد کشیدن و مزاحمت دارای ارزش است. در حقیقت، آن‌ها به نوعی یاد می‌گیرند که این

کمک به دیگران و یا ایجاد شبکه‌های حمایتی و دوستانه با دیگران درآیند و بی‌شک موجب تکرار رفتار می‌شوند. به طوری که کودکان از انجام دادن کارهای خوب و خوشایند لذت می‌برند و موجب آرامش و شادی دیگران می‌شوند. معمولاً بزرگ‌ترها از چنین کودکانی به‌عنوان کودکان «خوب» و خوش‌اخلاق و دوست‌داشتنی یاد می‌کنند؛ کودکانی که به نظر مربیان تیزهوش می‌آیند. خوب گوش می‌دهند و بهتر یاد می‌گیرند و در جمع محبوب‌ترند. در مقابل، سطح دوپامین ضعیف و پایین به ایجاد رفتارهای منفی می‌انجامد؛ به طوری که بعضی کودکان شادابی و لذت خود را در آزار و اذیت کردن می‌بینند و گویی به هنگام انجام دادن کارهای «نادرست»، دوری جستن از کارهای مطلوب، و گرایش به انجام دادن کارهای غیرمقبول و مشارکت نکردن، ارضا می‌شوند. معمولاً بزرگ‌ترها و مربیان از این قبیل کودکان با عنوان «مزاحم» بدخلق و ناکارآمد یاد می‌کنند؛ کودکانی که گوش نمی‌دهند، به یادگیری اهمیت نمی‌دهند و جز مزاحمت کاری ندارند!

سیستم دوپامین در طفولیت از طریق بازی‌های اجتماعی^۳ مانند تاپ تاپ خمیر، قایم باشک، و بازی‌های انگشتی و لمسی کودکانه تهییج می‌شود. از این زمان است که کودکان یاد می‌گیرند الگوهای چهره و صورت آدم‌ها، لیخندها و تقویت‌کننده‌های دیگر، تماس نرم و آرام، ارتباط چشمی و غیره راهی برای تقویت و بازپخش اطلاعات است و اطلاعاتی را درباره الگوهای خوب و بد رفتاری کسب می‌کنند. با ایجاد این‌گونه ارتباط و پیوند اولیه، کودکان یاد می‌گیرند که برقراری ارتباط و توجه سبب حس خوب و ارتباط نداشتن و بی‌توجهی و قطع ارتباط با دیگران سبب ناراحتی و عدم آرامش می‌شود. در چنین موقعیتی است که کودکان انگیزه پیدا می‌کنند تا بزرگ‌ترها و دیگران را با رفتارهای مثبت خود خوشنود سازند. در حقیقت، کودکان بدون انگیزه برقراری ارتباط با بزرگ‌ترها، بی‌اعتنایی، بدگمانی، و مخالفت را تجربه می‌کنند. به همین سبب، در پی آن برمی‌آیند که با رفتار منفی و ناپسند توجه دیگران را جلب کنند. به این ترتیب، سمت و سوی رفتارهایشان به **بدی و نادرستی**،

سطوح بالا و پایین دوپامین، به‌عنوان یک انتقال‌دهنده عصبی، مسبب تغییرات خلقی در کودکان است

اخلال، بی‌انضباطی و غیره گرایش پیدا می‌کند و گویی اهمیت نمی‌دهند که چه اتفاقاتی برایشان می‌افتد و در چرخه عدم توازن و تعادل رفتاری قرار می‌گیرند. سیستم نامتوازن و نامتعادل **دوپامین** مشکلاتی در زندگی پدید می‌آورد؛ مثلاً نوراپی نفرین موجود در سیستم هشداردهنده مغزی دوپامین از طریق استرس حساس می‌گردد و در سلول‌های مغزی تولید و ساخته می‌شود. استرس با افزایش سطح اضطراب، سطح دوپامین را بالا می‌برد. سطح بالا و بحرانی دوپامین، باعث تحریک‌پذیری و حساسیت رفتاری بالا در کودکان می‌شود. در نتیجه، گاه از مواجهه با خطاها و اشتباهات حتی می‌ترسند و نسبت به خود به نوعی کمال‌طلب بار می‌آیند و از دیگران فقط انتظار کار درست و کمال‌گرایانه دارند. سیستم پاداش زیاد و توجه مستمر به رفتار این کودکان منتج به ایجاد رفتار سازنده می‌شود اما پیشنهادهای ملایمی مانند «چرا سعی نمی‌کنی با مسائل ساده‌تر شروع کنی»، می‌تواند آن‌ها را به حالت دفاعی، خشونت و پرخاشگری و موقعیت خشمگین سوق دهد. این نوع کودکان بسیار گوش‌به‌زنگ و هوشیارند و در توجه به هر چیز منفی تحریک‌پذیری بالایی پیدا می‌کنند. از طرف دیگر، استرس می‌تواند سطح دوپامین را در شرایطی پایین بیاورد. دوپامین پایین حس ناامیدی و افسردگی و سرخوردگی تولید می‌کند.

● با توجه به کلیه مطالبی که در بخش ابتدایی این مقاله آمد، در این بخش درباره دوپامین و رابطه آن با تغییرات خلقی بیشتر توضیح داده می‌شود.

سطح دوپامین علت تغییر خلق است. دوپامین نوعی انتقال‌دهنده عصبی است که سطح هوشیاری فرد را نسبت به توجه و تمرکز تعیین می‌کند. همچنین فرایندهای مغزی و عواطف انسان را کنترل می‌کند. سطوح پایین دوپامین می‌تواند نشانه‌هایی مانند تغییرات خلق و خو، مشکل در تمرکز ذهنی، بی‌خوابی، خستگی، اضطراب و پرخوری اجباری ایجاد کند که خود موجب افزایش وزن می‌شود.

اگر کودکان احساس خستگی می‌کنند لازم است سطح دوپامین را در بدن آن‌ها افزایش دهید. یکی از راه‌های نتیجه‌بخش برای افزایش آن، استفاده از مواد غذایی سالم و مغذی و فراوری نشده است. بعضی از موادی که سبب شادی و نشاط می‌شوند عبارتند از: سیب، بادام، شکلات، موز، تخم‌مرغ، توت‌فرنگی، ماهی قزل‌آلا، چغندر، هندوانه، تخمه کدو، گوشت مرغ و جوانه گندم. میوه‌ها و سبزی‌های سرشار از فیبر، ویتامین، مواد معدنی و آنتی‌اکسیدان‌ها نیز سلول‌های بدن را از آسیب حفظ می‌کنند و همچنین سبب بالا رفتن سطح **سروتونین** در مغز می‌شوند. حیوانات سرشار از پروتئین‌اند و دوپامین و **نوراپی نفرین** را به شکلی سالم افزایش می‌دهند.

دوپامین ماده‌ای شیمیایی است که در سیستم اعصاب مرکزی، دستگاه گوارش و اندام‌های مختلف بدن یافت می‌شود

و کارها و با احساس بی‌ثمر بودن زندگی می‌کنند.

یک مطلب مهم نیز که لازم است در این قسمت مورد توجه مربیان و خانواده‌ها قرار گیرد، مسئلهٔ قربانی شدن و **مورد زورگویی** و قلدری قرار گرفتن است که متأسفانه در همهٔ جوامع به اشکال مختلف روزافزون شده است. زورگویی و قربانی شدن تأثیرات عمیقی بر سیستم دوپامین دارد و آن را پایین می‌آورد و سرانجام، ناامیدی یاد گرفته شده و عادت عصبی گرایش به خلق و خوی ضعیف را ایجاد می‌کند. به همین سبب، کودکانی که مورد آزارهای جنسی، جسمی، آزار ذهنی، و دیگر انواع بی‌عدالتی‌ها و رفتارهای غیرمنصفانه، خشونت و پرخاشگری و بی‌مهری قرار می‌گیرند، احساس ناامیدی، بی‌کفایتی و ناتوانی در امور را تجربه می‌کنند.

یک کلاس آموزشی که براساس احترام به دیگران و رعایت حقوق آن‌ها بر پا شود و بتواند قربانی شدن و مورد زورگویی قرار گرفتن را در کودکان کاهش دهد، سطح متوازی را نیز در سیستم دوپامین بدن آن‌ها ایجاد می‌کند. بنابراین، رفتارهای خانوادگی همچون مهرورزی و مهربانی و پرهیز از تجارب ناخوشایند، دوری از قلدری، عدم مواجهه با انواع آزارهای جسمی و ذهنی، و فراهم آوردن رژیم غذایی مناسب، می‌تواند توجه و تمرکز کودکان را تقویت کند و میل به موقعیت و کامیابی و پرهیز از رفتارهای مخرب و خراب‌کاری را در آنان افزایش دهد تا رفتاری توأم با احترام نسبت به خود، دیگران و جامعه داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها

1. neurotransmitter
2. Dopamine
3. Social Play
4. norepinephrine

برای مطالعه بیشتر

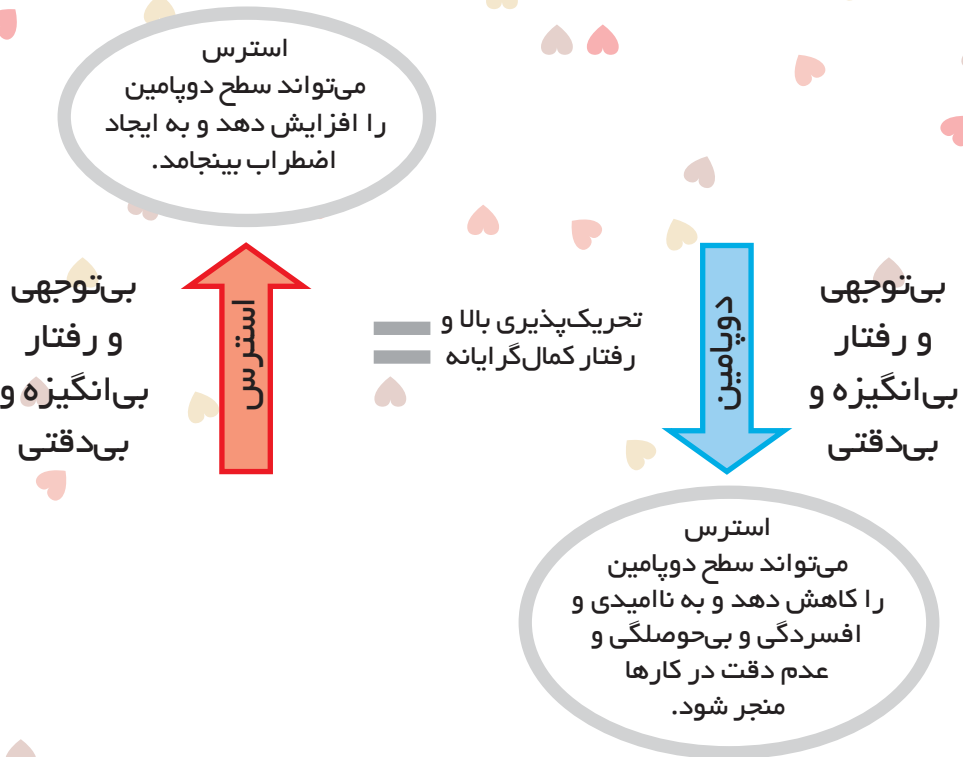
Conscious Discipline Dr. Becky A. Bailey, Loving Guidance, Inc. 2016.

ما بزرگ‌ترها با رفتارهای مثبت یا بازخوردهای منفی به کودکان یاد می‌دهیم که چه رفتاری با ارزش و چه رفتاری بی‌ارزش است

و یک پیام‌رسان عصبی است که به سلول‌های عصبی مغز (نورون‌ها) کمک می‌کند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. اگر سطح دوپامین در مغز پایین باشد، سلول‌های عصبی در انتقال پیام مناسب مشکل خواهند داشت. مغز به دوپامین نیاز دارد تا احساس پاداش و لذت را انتقال دهد و واکنش‌های عاطفی را تنظیم کند. دوپامین همچنین یک محرک است؛ زیرا کمک می‌کند که فرد برای گرفتن پاداش تلاش کند. این ماده به ما توانایی می‌دهد تا هوشیار باشیم، برای آینده برنامه‌ریزی کنیم و در برابر میل و هوس‌هایی که ممکن است به ما آسیب برسانند، مقاومت کنیم. وقتی سطح دوپامین متعادل است، ما پس از انجام دادن کارها احساس رضایتمندی زیادی می‌کنیم. همین نیز باعث می‌شود که اهداف و آرزوهایمان را دنبال کنیم، و از فعالیت‌هایی که مانع پیشرفت می‌شوند، پرهیزیم و با استرس نیز بهتر می‌توانیم مقابله کنیم. بنابراین، وقتی کودکان ما در خانواده و مراکز پیش‌دبستانی و جامعه رفتارهایی نادرست و برخلاف میل و جهت اهداف دارند، یکی از راه‌های تحلیل از نظر پزشکی بررسی وضعیت بیوشیمیایی و تغییرات دوپامین در بدن آن‌هاست. برای مثال، **علائم کمبود دوپامین**، مواردی همچون بی‌انگیزگی، ناامیدی، بی‌علاقگی، ناتوانی در تمرکز، به تعویق انداختن کارها، نوسانات خلقی و بی‌توجهی می‌باشد. در چنین موقعیتی، توانایی کودکان برای تمرکز و توجه و دقت کردن در امور کم می‌شود و آن‌ها بدون انگیزه برای فعالیت‌ها



رابطه استرس و دوپامین



برای مربیان و خانواده‌ها

۱. با کودکان به گونه‌ای رفتار کنید که عدالت، رفتار منصفانه، عدم تبعیض و زورگویی و مهربانی را تجربه کنند.
۲. در کلاس و محیط‌های آموزشی و فرهنگی به کودکان آموزش دهید که به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و مثبت بیندیشند. به دوستی‌های آنان نیز احترام بگذارید.
۳. از ایجاد عصبانیت، پرخاشگری، رفتارهای آزاردهنده و تحریک‌کننده عصبی در خانواده و به‌ویژه در برابر کودکان بپرهیزید.
۴. کودکان را از فیلم‌ها، مکالمه‌ها و تصاویر پرتنش دور کنید تا ناهنجاری‌های اجتماعی را تجربه نکنند و انتقال‌دهنده‌های عصبی آن‌ها، پیام‌های خوب و خوشایند را به رفتار مبدل نمایند.
۵. چه در مراکز آموزشی و چه در خانه و محیط‌های دیگر، برنامه غذایی سالمی برای کودکان از سال‌های پایه تنظیم کنید. در وعده‌های غذایی از غذاهای سالم و طبیعی و کاهش‌دهنده اضطراب بهره بگیرید و میل به بدخوری و پرخوری عصبی را در آنان کاهش دهید.
۶. لطفاً از تجربه‌های خود با کودکان در مهدهای کودک، کودکان‌ها و مراکز آموزشی بنویسید و تغییرات خلقی کودکان را به هنگام کار و فعالیت بیان کنید.



این گوشی‌ها بیشتر می‌شود، به همان میزان کودکان بیشتری راهی اورژانس بیمارستان‌ها می‌شوند یا آسیب روحی و شناختی می‌بینند. لذا بیشتر از اینکه نگران اعتیاد کودک به وسایل دیجیتال هستیم، باید نگران والدین حواس‌پرت باشیم. امروزه والدین در مقایسه با هر دوره دیگری در تاریخ، وقت بیشتری را در تعامل رودررو با کودکان می‌گذرانند. به‌رغم افزایش چشمگیر میزان درصد حضور زنان در نیروی کار، مادران امروزی در مقایسه با مادران دهه ۱۹۶۰ به طرز شگفت‌آور وقت بیشتری را صرف مراقبت از کودکان می‌کنند اما تعامل بین والدین و کودکان به‌طور فزاینده کم‌کیفیت و حتی مصنوعی شده است.

والدین دائماً در زندگی کودکان حضور فیزیکی دارند اما از نظر عاطفی کمتر به او نزدیک‌اند.

کلیدواژه‌ها: رژیم مصرف رسانه‌ای، اعتیاد رسانه‌ای، سواد رسانه‌ای، سبک زندگی

اینکه استفاده والدین از وسایل دیجیتال مشکلی است که مغفول مانده، به معنای دست‌کم گرفتن خطرات مستقیم وسایل دیجیتال برای کودک نیست. شواهد مستدل نشان می‌دهد که بسیاری از انواع وقت‌گذرانی با وسایل دیجیتال (به‌ویژه آن‌هایی که شامل تصاویر سریع یا خشن‌اند) به مغز کودک آسیب می‌زند. کودکان پیش‌دستانی امروزی بیش از چهار ساعت در روز وقت صرف وسایل دیجیتال می‌کنند و میانگین سنی شروع استفاده منظم از وسایل دیجیتال از چهار سال در دهه ۱۹۷۰، به فقط چهار ماه رسیده است.

کودکانی که وقتشان را با وسایل دیجیتال می‌گذرانند هزینه فرصت از دست‌رفته عظیمی را متحمل می‌شوند: زمانی که صرف وسایل دیجیتال می‌شود وقتی است که نه صرف اکتشاف فعالانه جهان می‌شود و نه صرف برقراری ارتباط با دیگران. با این حال، به‌رغم این همه گفت‌وگو درباره زمانی که کودکان صرف وسایل دیجیتال می‌کنند، به‌طور شگفت‌انگیزی به زمانی که والدین صرف وسایل دیجیتال می‌کنند، کم‌توجهی می‌شود؛ والدینی که اکنون به مشکلی دچارند که *لیندا/استون*، متخصص فناوری، بیش از بیست سال قبل آن را «توجه جزئی پیوسته» نامیده است. همان‌طور که استون اظهار کرده، این معضل فقط به ما آسیب نمی‌رساند بلکه به کودکان ما نیز آسیب می‌زند.

این سبک جدید تعامل با فرزندان می‌تواند نظام الگوبرداری عاطفی و دیرینه‌ای را مختل کند که مهم‌ترین عنصر آن ارتباط پاسخ‌گویان است و مبنای اغلب فرایندهای یادگیری بشری محسوب می‌شود. ما در قلمرویی ناشناخته هستیم؛

کدام نگران‌کننده‌تر است؟ اعتیاد والدین به رسانه یا اعتیاد کودک به رسانه*؟

اشاره

جدیدترین پژوهش‌ها نشان‌دهنده آن‌اند که کودک امروزی می‌تواند از چهارماهگی به‌طور منظم از رسانه، به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال استفاده کند. مادرها و پدرها هم محق‌اند از این بابت نگران و ناراحت باشند، اما تهدید بزرگ‌تر، نه اعتیاد کودک به رسانه‌های دیجیتال از جمله گوشی‌های هوشمند بلکه وابستگی بیمارگون والدین به این وسایل است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که هرچه میزان استفاده والدین از

بنابراین، مشکل پیش می‌آید آن هم هنگامی که نظام الگوبرداری از نظر عاطفی پرشور بزرگسال و کودک که در یادگیری در سنین پایین نقش اساسی دارد، برای مثال با خواندن یک متن اینترنتی یا چک کردن سریع اینستاگرام مختل می‌شود. اقتصاددانی که افزایش آسیب به کودکان را با رواج گوشی‌های هوشمند مرتبط می‌داند، یکی از نتایج چنین سناریوهایی را بررسی کرده است. این یافته‌ها تا حدودی توجه رسانه‌ها را به خطرات فیزیکی ناشی از فرزندپروری با حواس پرت جلب کرد اما به تأثیر آن بر رشد شناختی کودکان کمتر پرداخته شده است. هرش پاسک می‌گوید: «بچه‌های نوپا نمی‌توانند یاد بگیرند که ما چه زمانی با برداشتن گوشی‌مان یا نگاه کردن به متنی که روی صفحه گوشی‌مان ظاهر می‌شود، جریان گفت‌وگویمان را قطع می‌کنیم».

بی‌توجهی گهگاه والدین فاجعه‌بار نیست و حتی می‌تواند انعطاف‌پذیری ایجاد کند اما بی‌توجهی مزمن داستانی دیگر است. استفاده از گوشی هوشمند با نشانه‌های آشنای اعتیاد مرتبط دانسته می‌شود: بزرگسالان حواس پرت هنگامی که استفاده آن‌ها از گوشی قطع می‌شود، زودرنج می‌شوند؛ آن‌ها نه تنها نشانه‌های عاطفی را نمی‌بینند بلکه در واقع آن‌ها را بد تفسیر می‌کنند.

ما والدین در دام بدترین مدل ممکن از فرزندپروری افتاده‌ایم؛ یعنی همیشه از نظر فیزیکی حاضریم و بنابراین، از خودمختاری فرزندان جلوگیری می‌کنیم؛ با این حال، فقط گهگاه از نظر عاطفی حضور داریم. البته جدایی‌های عمدی و کوتاه‌مدت می‌تواند بی‌زیان و حتی سودمند باشد؛ هم برای والدین و هم برای کودک (به‌ویژه هنگامی که کودکان بزرگ‌تر می‌شوند و استقلال بیشتری می‌خواهند)، اما این نوع جدایی متفاوت است با بی‌توجهی والدین به کودک؛ زمانی که با برخوردشان به او می‌فهماند که از یک ایمیل کم‌ارزش‌تر است. اینکه مادری به کودکانش می‌گوید بیرون بروند و بازی کنند یا پدری می‌گوید که باید مدت نیم ساعت روی کاری تمرکز کند، واکنش‌هایی کاملاً معقول به نیازهای ناسازگار زندگی بزرگسالی دارند، اما آنچه امروز در جریان است ظهور مراقبت پیش‌بینی‌ناپذیر تحت حاکمیت هشدارها و وسوسه‌های گوشی هوشمند است.

حل این مشکل آسان نیست، به‌ویژه با توجه به اینکه تغییرات چشمگیر در نظام آموزش و پرورش بر پیچیدگی آن می‌افزاید. امروزه بعضی از کودکان (حدود دوسوم کودکان چهارساله) بیشتر از هر زمان دیگر تحت نوعی مراقبت نهادی هستند.

روندهای اخیر در آموزش کودکان به این مسئله منجر شده است که کلاس‌های آن‌ها پر از محتواهای از پیش نوشته شده و صحبت یک‌طرفه و کسل‌کننده‌ی مربی باشد. کودکان تلاش زیادی می‌کنند تا توجه بزرگسالی حواس پرت را جلب کنند و اگر ما رفتارمان را تغییر ندهیم، آن‌ها خواهند کوشید این کار را برای ما انجام دهند. با ورود بچه‌های نوپای امروز به سن آموزش رسمی

می‌توان انتظار مشاهده کج‌خلفی‌هایی بسیار بیشتر را داشت اما سرانجام ممکن است کودکان از این کار دست بکشند. حقیقت آن است که ما واقعاً نمی‌دانیم هنگامی که به کودکانمان بی‌توجهی می‌کنیم، چقدر رنج می‌کشند.

اگر بتوانیم بر «دخالت فناوری در زندگی» خود غلبه کنیم، احتمالاً در خواهیم یافت که می‌توانیم صرفاً با انجام دادن کارهای کمتر، کارهای بسیار بیشتری برای کودکانمان انجام دهیم؛ صرف‌نظر از کیفیت آموزش آن‌ها در واحد آموزشی و کاملاً مستقل از تعداد ساعاتی که به آن‌ها اختصاص می‌دهیم. فقط به یاد داشته باشید که وقتی با بچه‌تان هستید، آن گوشی لعنتی را کنار بگذارید!

* این یادداشت تلخیص مقاله‌ای است با عنوان «وقتی با فرزندت هستی، آن گوشی لعنتی را بگذار کنار» نوشته اریکا کریستاکیس ترجمه علی برزگر که در تارنمای ترجمان بارگذاری شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که هرچه میزان استفاده والدین از تلفن‌های همراه هوشمند بیشتر می‌شود، به همان میزان کودکان بیشتری راهی اورژانس بیمارستان‌ها می‌شوند یا آسیب روحی و شناختی می‌بینند



نیازسنجی آموزشی مربیان پیش دبستان به شیوه دیکوم

اشاره

همان‌طور که مرسوم است، هر ساله در مؤسسات آموزشی دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای کارکنان و معلمان برگزار می‌شود. در این میان، این سؤال پیش می‌آید که آیا انتخاب موضوعات این دوره‌ها بیانگر نیاز واقعی مخاطبان است؟ آیا این انتخاب بر اساس ملاک‌های درستی صورت گرفته یا مبتنی بر اولویت‌های منطقی است؟

از اینجا می‌توان به اهمیت نیازسنجی پیش از برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت پی برد؛ کاری که می‌تواند سرمایه‌گذاری آموزشی را هدفمند کند و بهره‌وری آن را بسیار بالا ببرد. یکی از روش‌های مشارکتی مؤثر، کم‌هزینه، سریع و دقیق، نیازسنجی به شیوه دیکوم^۱ است که همراه با تجزیه و تحلیل شغل، فرایندی هدفمند و نظام‌دار برای جمع‌آوری اطلاعات درباره جنبه‌های مهم یک شغل است. در این فرایند، وظایف، تکالیف یا فعالیت‌های موجود در آن شغل مشخص می‌شود.

چرا دیکوم؟

دیکوم روشی مؤثر برای تجزیه و تحلیل یک شغل یا حرفه است که امروزه در بسیاری از سازمان‌ها به کار گرفته می‌شود. وقتی دیکوم را با سایر فنون متداول در تجزیه و تحلیل شغل نظیر مصاحبه، مشاهده و سایر روش‌های سنتی مقایسه می‌کنیم، درمی‌یابیم که به دلایل متعددی منحصر به فرد است. برخی از این مزایا عبارت‌اند از: تعامل گروهی، استفاده از بارش فکری، هم‌افزایی گروهی، توافق گروهی، جلب حمایت کارمندان/یادگیرنده، بروندهای جامع، کیفیت برتر و هزینه کمتر.

دلیل مهم دیگر برای استفاده از دیکوم این است که برنامه‌داری و دوره‌های آموزشی باید مبتنی بر نیازهای ویژه کارکنان در سازمان باشد و تنها برنامه‌های درسی که براساس این رویکرد تدوین شده باشند، از حمایت کارکنان برخوردار خواهند بود. اغلب، بین آنچه در کلاس‌ها و دوره‌ها به یادگیرندگان ارائه



می‌شود و آنچه در دنیای واقعی کار در حال رخ دادن است، شکاف بزرگی وجود دارد.

دیکوم چگونه است؟

کارگاه تجزیه و تحلیل دیکوم متشکل از یک نفر تسهیل‌کننده کارگاه آموزشی و حدود ۵ تا ۱۲ نفر از کارکنان متخصص و کارشناس از حرفه یا یک شغل مربوطه و سایر قلمروهای مرتبط است. نمودار مصوری که از اجرای کارگاه آموزشی به دست می‌آید عمدتاً مانند نمودار ۱ یک نمایش تفصیلی از وظایف^۲ و تکالیفی^۳ است که کارکنان آن حرفه انجام می‌دهند. علاوه بر تعیین دقیق وظایف و تکالیف برای هر شغل/حرفه، فهرستی از دانش و مهارت‌ها همچنین ابزارها/تجهیزات/مواد/منابع و روندها و دغدغه‌های آینده نیز شناسایی می‌شوند.

روش دیکوم برای شناسایی وظایف اصلی، فرعی، فعالیت‌های کاری و دانش‌ها و مهارت‌های مرتبط با آن‌ها، هفت مرحله را طی می‌کند و پس از آن، اقدام به تعیین دوره‌های آموزشی برای یک شغل می‌نماید. این گام‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. آشنایی کارکنان خبره با فرایند دیکوم
۲. تعریف و شناسایی شغل مورد بررسی
۳. شناسایی مسئولیت‌ها و وظایف اصلی
۴. شناسایی وظایف فرعی (تکالیف) مرتبط

به‌رغم اینکه دیکوم بیش از پنجاه سال قدمت دارد، در مدارس ما از این رویکرد کمتر برای نیازسنجی و تنظیم دوره‌های آموزشی و تجزیه و تحلیل مسئولیت‌های مختلف مدرسه استفاده می‌شود

با هر وظیفه اصلی
 ۵. بازبینی و پالایش وظایف و تکالیف استخراج شده
 ۶. شناسایی دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای انجام دادن هر تکلیف
 ۷. تعیین میزان اهمیت، فراوانی و نیاز یادگیری برای انجام دادن هر تکلیف.

برای بسیاری از کاربران، دیکوم به معنای کارگاه آموزشی تجزیه و تحلیل شغلی است که نتایج و پیامدهای عینی و ملموس دارد. به‌رغم اینکه دیکوم بیش از پنجاه سال قدمت دارد، در مدارس ما از این رویکرد، کمتر برای نیازسنجی و تنظیم دوره‌های آموزشی و تجزیه و تحلیل مسئولیت‌های مختلف مدرسه استفاده می‌شود.

بر همین اساس، در پیش‌دبستان صلحا تصمیم گرفته شد که پیش از برگزاری دوره‌های آموزش مربیان در تابستان ۹۷، کارگاه دو روزه دیکوم در روزهای ۹ و ۱۰ خرداد برگزار شود. بنابراین، از مربیان مربوطه درخواست شد که پس از مطالعه دفترچه‌ای که به فرایند کارگاه اشاره کرده بود، با آمادگی

دیکوم
 روشی مؤثر
 برای تجزیه
 و تحلیل
 یک شغل یا
 حرفه است
 که امروزه
 در بسیاری
 از سازمان‌ها
 به کار گرفته
 می‌شود



			تکمیل خلاصه پرونده دانش‌آموزی	رصد دانش‌آموزان در فضای مدرسه	گفت‌وگوی اولیه با دانش‌آموزان	دریافت اطلاعات شفاهی فردی	دریافت اطلاعات مکتوب فردی	شناخت ویژگی‌های متربی
پیگیری و بحث	تحلیل نتایج آزمون‌ها	برنامه‌ریزی اجرا و پیش‌آزمون‌ها	انجام مشاوره‌های فردی	فرایند انجام کاربرگ	تنظیم تکالیف و نظارت بر اجرای آن	ارائه جدول اولیه پیشنهادهای مطالعاتی	مشاوره‌های گروهی	برنامه ریزی و مشاوره آموزشی
		ارائه مسئولیت‌های دانش‌آموزی	برگزاری مراسم فرهنگی	مشاوره‌های انفرادی	مشاوره‌های گروهی	برگزاری جلسات اعتقادی	برنامه‌ریزی و برگزاری اردوها	برنامه‌ریزی و مشاوره تربیتی
		پیگیری مسئولیت‌ها و گزارش‌های معلمین	بررسی و تحلیل آزمون معلمین	تعامل همیار با معلم	برگزاری شورای معلمان	نظارت و نظم امور اجرایی معلم	نظارت بر آموزش و کلاس‌های معلم	نظارت و پیگیری امور معلمان
		پیگیری ارسال مکاتبات		ارتباط مجازی با والدین	ارتباط تلفنی با والدین	ملاقات‌های خصوصی با اولیا	برگزاری جلسات مربی و اولیا	تعامل با والدین
			انجام هماهنگی‌های اجرائی	مشورت با همکاران	رفتار سازمانی مناسب	شرکت فعال در شوراها		تعامل با کارکنان

نمودار ۱

جدول ۱

وظیفه اصلی: شناخت و ارزیابی مستمر ویژگی‌های نوآموزان D۱
وظیفه فرعی: بررسی نتایج گزینش T۱

دغدغه‌ها	استانداردها	ایمنی	ابزارها و ملزومات	ویژگی‌های فردی	دانش و مهارت‌های مرتبط	مراحل
ایجاد سامانه یکپارچه الکترونیکی درج اطلاعات از مبدأ	-----	محفوظ نگه داشتن اطلاعات	-----	دقت نظر	آشنایی با فرم‌های مختلف ثبت نام	تحويل گرفتن پرونده‌ها و جداسازی اسناد مالی، برگه سرویس اطلاعات فردی و تحويل دادن آن‌ها به مسئولان
ایجاد سامانه یکپارچه الکترونیکی درج اطلاعات از مبدأ	رعایت محدوده سنی ثبت نام	محفوظ نگه داشتن اطلاعات	-----	دقت و تمرکز	دانش‌های ابتدایی دستور زبان	کنترل کردن تاریخ تولد و نام و نام خانوادگی و کپی شناسنامه
ایجاد سامانه یکپارچه الکترونیکی درج اطلاعات از مبدأ	کوتاه کردن وندهای فامیلی	محفوظ نگه داشتن اطلاعات	رایانه	سرعت عمل	* مهارت آشنایی با نرم افزار اکسل * تایپ ده انگشتی	وارد کردن اطلاعات در اکسل
ایجاد سامانه یکپارچه الکترونیکی درج اطلاعات از مبدأ	قابلیت رؤیت در یک صفحه	محفوظ نگه داشتن اطلاعات	رایانه	-----	آشنایی اولیه با کامپیوتر	گزارش گیری به صورت فرم اطلاعات نوآموزان
ایجاد سامانه یکپارچه الکترونیکی درج اطلاعات از مبدأ	به ترتیب حروف الفبا و ترتیب سنی	محفوظ نگه داشتن اطلاعات	رایانه	دقت	مهارت آشنایی با نرم افزار اکسل	مرتب کردن فهرست اسامی دانش آموزان به لحاظ سنی

جدول ۲، مراحل انجام دادن آن‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های مرتبط، ویژگی‌های فردی، ابزار و ملزومات، ایمنی، استانداردها و در نهایت، دغدغه‌های خود در آن حوزه را می‌نوشتند. این بخش تا حدودی پیش رفت و بنا شد که مربیان پیش‌دستانی تا پیش از برگزاری کلاس‌های تابستانی به تکمیل آن همت گمارند. بدین ترتیب، می‌شد نه تنها یک دوره آموزش بلکه پودمان آموزشی را برای توانمندسازی ایشان تنظیم کرد. نکته حائز توجه، احساس خرسندی شرکت کنندگان از بروندهای این کارگاه بود. نتایجی که ایشان پیش‌تر به این اندازه متوجه آن‌ها نبودند و عناوین کارهای خود را به دقت و به صورت یکجا مشاهده نکرده بودند. از این رو، مشتاقانه مایل به تکمیل جدول تحلیل وظیفه-مرحله فوق شدند. به عبارتی، تجربه کارگاه مزبور نه تنها اهمیت روشی و ابزاری پیدا کرد بلکه خود یک هدف آموزشی برای همکاران قلمداد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. (DACUM) Developing A Curriculum
2. Duties
3. Tasks

لازم در ساعت ۸ صبح در محل مدرسه حاضر شوند. پس از حضور همه اعضا نگارنده به عنوان تسهیل کننده کارگاه، ابتدا درباره ضرورت نیازسنجی و دانش‌افزایی مطالبی را مطرح کرد و اهمیت برگزاری کارگاه دیکوم را یادآور شد. سپس، از مربیان حاضر در جلسه به عنوان خبره درخواست شد تا وظایف اصلی شغل خویش را بازگو کنند. این وظایف روی کاغذهایی یادداشت می‌شد و بر دیوار مقابل محل جلسه نصب می‌گردید. پس از مدت قابل توجهی هم‌فکری و مشورت، هفت مقوله اصلی استخراج و بر دیوار نصب شد. سپس، مربیان موظف شدند که وظایف فرعی هر شاخه را بیان کنند. کارگاه تا ساعت پانزده به بحث و گفت‌وگو و تکمیل جدول (جدول ۱) ادامه یافت و تقریباً وظایف فرعی هر شاخه به‌طور کامل نوشته شد. بررسی مجدد و مرتب کردن وظایف براساس اهمیت، فراوانی و دشواری نیز به روز دوم موکول شد.

در این روز، برخی از وظایف فرعی ادغام شد و یا عنوان تازه‌ای که گویاتر و رساتر بود، برای آن‌ها انتخاب گردید. همچنین، وظایف اصلی از ۷ مورد به ۶ مورد کاهش یافتند و وظیفه‌های فرعی نیز در زیرمجموعه همان شش شاخه اصلی مرتب شدند. در بخش بعدی، همکاران می‌بایست در جدولی مانند

جدول ۲. جدول دیکوم مربی پیش دبستان صلحا

تکالیف (وظایف فرعی)							وظیفه اصلی
تحلیل مشاهدات رفتاری نوآموزان	تکمیل دفتر شناختی مهارتی	ثبت حضور و غیاب نوآموزان	پرکردن فرم مشاهده (چک لیستی و باز/شناختی رفتاری)	ارائه و بررسی فرم های پزشکی و ویژگی های فردی	ارائه و بررسی فرم سمعی بصری	بررسی نتایج گزینش	شناخت و ارزیابی مستمر
	استعدادیابی نوآموزان	تنظیم و ارائه گزارش ها و کارنامی رشد پیشرفت	هماهنگی و اجرای معاینات پزشکی	اجرای مصاحبه های غیررسمی با نوآموز	تصویربرداری (آزاد/ هدفمند)	برگزاری آزمون های شناختی	ویژگی های نوآموزان
طراحی بازی و فعالیت در منزل (بازی در منزل)	طراحی چینش کلاسی	هماهنگی اجرایی فعالیت های روزانه	طراحی تقویم دوهفته ای	تنظیم برنامه تغذیه (ماهانه)	هماهنگی ماهانه تقویم اجرایی	نوشتن تقویم اجرایی سالیانه	تدوین طرح فعالیت
					نگارش و ویرایش متون ارسالی	برنامه ریزی تحویل گیری فعالیت های نوآموزان	
بازدیدهای هدفمند	آموزش های درون سازمانی و انتقال مهارت ها	شرکت در جلسات مهارت افزایی	دانش افزایی مجازی آقا مربی	جلسات هفتگی تربیتی	نشست های هم اندیشی	خواندن و ارائه کتب	توانمندسازی مربیان
آموزش مهارت های فردی	آموزش آداب زندگی	برگزاری فعالیت کار با گل	برگزاری فعالیت های خلاقانه	برگزاری ورزش صبحگاهی	اجرای برنامه صبحگاهی	استقبال کردن از نوآموزان	
اجرای برنامه های زنگ تفریح	برگزاری بازی های هدفمند حیاطی- سالی	برگزاری بازی های فکری	برگزاری کلاس آموزش ژیمناستیک	اجرای بازی های افزایش دقت و تمرکز	آموزش هنر و نقاشی	آموزش ساخت کاردستی های هدفمند	هدایت فعالیت های نوآموزان
برنامه ریزی عروسک گردانی نوآموزان	اجرای برنامه ظهرومانی	قصه گویی	آموزش کار با مداد	اجرای نمایش های بداهه محرک	اجرای نمایش طراحی شده	طرح ریزی ارائه های نوآموزی	
اصلاح نقاط ضعف رفتاری نوآموزان	اصلاح نقاط ضعف آموزشی نوآموزان	اجرای فوق برنامه ها	برگزاری اردوها و برنامه های بیرون از مدرسه	واگذاری هدفمند مسئولیت به نوآموزان	آماده سازی مایحتاج فعالیت ها	تحویل گیری دستاوردهای نوآموزان	
برگزاری اردوی تابستانی							
معاملات مجازی	تکمیل فرم اطلاعات بنیادین	مشاوره های حضوری	گفت و گوی تلفنی و حضوری	ارائه و بررسی فرم پیشرفت کودک از نگاه والدین	برگزاری جلسات هماهنگی و اطلاع رسانی	برگزاری جلسات مهارت افزایی	تعامل با والدین
		بهره مندی از ظرفیت های والدین	اجرای طرح کتاب خوانی	شرکت در اردوها	مسابقات کتاب خوانی	دانش افزایی غیر حضوری	
ارسال و دریافت موارد ارسالی	حل مسائل امور سرویس ها	انبارداری	تهیه و آماده سازی تدارکات جلسات	مدیریت خدمت کار	مهارت افزایی رانندگان سرویس ها	تدارکات و پشتیبانی برنامه ها	مدیریت اجرایی و پشتیبانی
انجام گرفتن کمک های اولیه	انجام دادن امور کتابخانه	تدوین و تولید محتوای چند رسانه ای	آماده سازی محیط فیزیکی	هماهنگی با روابط عمومی	پذیرایی از نوآموزان	انجام پذیرفتن امور آبدارخانه و پذیرایی	



دکتر سیدمحمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش در اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی در یزد عنوان کرد:

کیستی و چیستی ما در دوران کودکی شکل می گیرد

اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی، با حضور وزیر، معاون آموزش ابتدایی، مدیر کل آموزش پیش دبستانی، دبیر شورای عالی آموزش و پرورش و تعدادی از مدیران کل و معاونان آموزش ابتدایی ادارات کل آموزش و پرورش سراسر کشور در روزهای ۳۰ آبان و اول آذرماه ۱۳۹۷ در شهر یزد برگزار شد.

دکتر سیدمحمد بطحایی، وزیر آموزش و پرورش، در این همایش که امام جمعه و سرپرست استانداری یزد نیز در آن حضور داشتند، طی سخنانی گفت: «سیاست ما در دوره پیش دبستانی، سیاست تعمیق هویت بچه ها و ارتباط و تعامل بیشتر با خانواده ها و آموزش آن ها و آموزش متمرکز مربیان پیش دبستانی است».

وی افزود: «هویت یکی از مهم ترین مؤلفه های شخصیتی، منشی و رفتاری افراد است که بیشتر در دوران کودکی ایجاد می شود. به عبارت دیگر، کیستی و چیستی ما اغلب در دوران کودکی و نوجوانی شکل می گیرد».

دکتر بطحایی با تأکید بر این نکته که خانواده یکی از مهم ترین محیط هایی است که هویت در آن شکل می گیرد، گفت: «متأسفانه در حال حاضر خانواده در خطر تهدید جدی است و گسست نسلی، نقش محوری و مرجع خانواده را در پرداختن به موضوع هویت کاهش داده و در مقابل سهم گروه همسالان در هویت بخشی کودکان و نوجوانان در حال افزایش است».

نکته مهمی که باید به آن توجه جدی داشته باشیم این است که مدرسه در دوران پیش دبستانی نسبت به خانواده سهم کمتری در تعیین هویت دارد و خانواده است که در این دوران نقش اساسی در هویت بخشی به بچه ها دارد، اما متأسفانه گسست نسلی نقش خانواده را کم رنگ کرده است».

وی افزود: «یکی از مهم ترین دلایل گسست نسلی در عصر حاضر، بالا رفتن میانگین سن ازدواج از ۲۶/۶ سال به ۲۹/۲ سال و دیگری کوچک شدن بعد خانوار از ۵/۷ به ۳/۳ نفر است. بنابراین، همه شاخص ها نشان می دهد که سهم خانواده

در هویت بخشی کودکان رو به کاهش و سهم همسالان رو به افزایش است. از این حیث، ما باید در دوره پیش دبستانی به خانواده از جهت نقشی که در هویت بخشی دارد، توجه بیشتری داشته باشیم. مدرسه در دوره پیش دبستانی نمی تواند جای خالی خانواده را در هویت بخشی پر کند و حتی اگر بخواهیم چنین کاری هم انجام دهیم، امکان پذیر نیست».

پس ما باید به شدت در حوزه آموزش خانواده ها کار کنیم و ارتباطمان را با خانواده گسترش دهیم. خوشبختانه ما این کار را هم شروع کرده ایم و امروز با افتخار عرض می کنم که ۷۰ درصد کودکان پیش دبستانی مشغول آموزش آن ها و آموزش متمرکز مربیان پیش دبستانی است».

وزیر آموزش و پرورش در ادامه صحبت خود، به موضوع تغییر تکالیف در دوره ابتدایی اشاره کرد و گفت: «نظر وزارت آموزش و پرورش هرگز بر حذف تکلیف نیست. نظر ما این است که تکالیفی که دانشی و رونویسی است، در مدرسه انجام شود و تکالیف خانه مهارت محور باشد و به سمت آموزش مهارت پیش رود».

سیاست ما در دوره پیش دبستانی، سیاست تعمیق هویت بچه ها و ارتباط و تعامل بیشتر با خانواده ها و آموزش آن ها و آموزش متمرکز مربیان پیش دبستانی است



آسیب‌های کتب کمک‌درسی در دوره ابتدایی

دکتر بطحایی در این همایش، استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی برای دوره ابتدایی را نادرست دانست و گفت: «استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی در دوره ابتدایی باعث جدایی بچه‌ها از مدرسه می‌شود و یادگیری را بسیار سخت و طاقت‌فرسا می‌کند». وی با بیان اینکه بچه‌ها باید در مدرسه زندگی کردن را یاد بگیرند، ویژگی‌های هویتی را تمرین کنند و از یادگیری لذت ببرند، از معاونان دوره ابتدایی در سراسر کشور خواست که مدارس ابتدایی نظارت مستمر داشته باشند و با معلمانی که نسنجیده کتاب‌های کمک‌درسی را پیشنهاد می‌دهند، برخورد کنند.

حذف کتاب‌های کمک‌درسی در دوره ابتدایی گام اول وزارت آموزش و پرورش است و همهٔ معلمان در راستای اجرایی شدن این امر در مدرسه باید تلاش کنند». وزیر آموزش و پرورش سپس موضوع مهدکودک‌هایی را که زیر نظر وزارت آموزش و پرورش نیستند مطرح کرد و گفت:

عملکرد کودک را نباید با عملکرد کودک دیگر مقایسه کرد و رفتار هر کودک تنها با رفتار گذشته خودش قابل مقایسه است

«در برخی از این مهدکودک‌ها به مسئلهٔ هویت بچه‌ها کم‌توجهی می‌شود و به نام شادی و نشاط در یادگیری اتفاقاتی می‌افتد که از تأثیرات مخرب آن‌ها نباید غافل شد. متأسفانه این‌گونه اتفاقات که علت آن‌ها حرفه‌ای نبودن و کم‌تخصص بودن مربیان مهدهاست، تأثیرات بسیار مخربی بر هویت بچه‌ها دارند.

به نظر من، ضرر آموزش زبان خارجی در دورهٔ پیش‌دبستانی بیشتر از نفع آن است. یکی از دلایل این امر آن است که آموزش زبان خارجی، حامل فرهنگ است و این فرهنگ بر هویت بچه‌ها تأثیر می‌گذارد و شالودهٔ فرهنگ کودکان را شکل می‌دهد و تغییر آن بعدها و در سنین بالاتر دشوار است». ایشان در پایان گفت: «وزارت آموزش و پرورش طی ماه‌های گذشته در تلاش بوده است که محیط آموزشی را محیطی فعال، مؤثر و لذت‌بخش تبدیل کند؛ تا جایی که اکنون آموزش متمرکز مربیان پیش‌دبستانی در حال برگزاری است و اتاق بازی‌های آموزشی در سه پایهٔ اول ابتدایی در مدارسی که امکان آن وجود داشته، راه‌اندازی شده است».

سخنان معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش

دکتر رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش یکی دیگر از سخنرانان اولین همایش ملی هویت کودکان ایرانی اسلامی در دورهٔ پیش‌دبستانی بود. ایشان با تأکید بر این نکته که اگر برنامه‌ریزی تربیت و آموزش از مهدکودک آغاز نشود به اهداف دست پیدا نمی‌کنیم، گفت: «توسعهٔ کشور نیازمند سرمایه‌گذاری روی تربیت درست کودکان است». وی افزود: «ما باید هدف خود را مشخص کنیم و بینیم فعالیت‌های تربیتی را برای چه کسانی انجام می‌دهیم و اگر این باور را نداشته باشیم که برای تربیت درست بچه‌ها باید از پیش‌دبستانی شروع کنیم، بازنده هستیم». معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش تصریح کرد: اگر می‌خواهیم توسعه داشته باشیم، باید بینیم که چه چیزی برای تربیت و آموزش کودکان مهیا می‌کنیم و امیدوارم این سرآغاز تربیتی ارزنده در دورهٔ پیش‌دبستانی برای دانش‌آموزان باشد».

دکتر حکیم‌زاده با بیان اینکه اندیشمندان دریافته‌اند جای هر تربیت ارزنده‌ای در پیش‌دبستانی است، گفت: «تربیت در دوران کودکی با محوریت پیش‌دبستانی باید در هر خانواده‌ای جای خود را پیدا کند». وی با اشاره به سخنان امام (ره) و مقام معظم رهبری دربارهٔ تربیت کودکان در سنین پایین عنوان کرد: «ما باید در بسیاری از رویکردها که بر نظام تعلیم و تربیت ما حاکم شده است، با توجه به سخنان این بزرگواران تجدیدنظر اساسی داشته باشیم».

وی افزود: «اهمیت پیش‌دبستانی به چهار دسته پژوهش‌های حوزهٔ علوم شناختی، اقتصاد آموزشی، پژوهش‌های حوزهٔ علوم



شهر یزد به‌عنوان شهر اصالت ارزش‌ها، حافظ فرهنگ و تمدن باشکوه ایران یاد کرد و گفت: «مردم استان یزد بسیار خردمند و همواره پیشتاز در حفظ عناصر هویت ایران اسلامی بوده‌اند؛ تا جایی که یک نماینده زرتشتی در شورای شهر یزد حضور دارد».

دکتر حکیم‌زاده سپس به حضور مدیران دوره پیش‌دبستانی استان‌های سراسر کشور در این همایش اشاره کرد و افزود: «استقبال مدیران دوره پیش‌دبستانی در این همایش نشان می‌دهد که سند تحول بنیادین نظام آموزشی را درک کرده‌اند و به ندای آن و اولویت‌های مربوط به آن در دوره کودکی، پیش‌دبستانی و دبستانی پاسخ مثبت داده‌اند».

دکتر دانافر: این همایش برگرفته از سند تحول بنیادین است

دکتر عباس‌علی دانافر، مدیر کل آموزش و پرورش استان یزد، در آغاز این همایش ضمن خیر مقدم به مهمان‌های حاضر، برگزاری اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی را فرصتی مغتنم دانست و گفت: «با توجه به ابعاد رشد متوازن کودکان و در نظر داشتن فرهنگ غنی ملی و آموزه‌های دین مبین اسلام، باید نسبت در مقوله مهم و حیاتی هویت در دوره پیش‌دبستانی تأملی دوباره کنیم».

جالب است بدانید که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کلمه «هویت» ۲۷ مرتبه آمده است و هویت ملی ایرانی در آن مورد تأکید جدی قرار گرفته و براساس همین سند، برنامه‌ها و سیاست‌های کلی نظام آموزشی کشور تدوین شده است.

لذا با توجه به تأثیرگذاری و اهمیت انکارناپذیر دوره تربیتی پیش‌دبستانی در شکل‌گیری هویت کودکان، اکنون بستر مناسبی فراهم شده است که در راستای ترویج، تقویت و تعمیق هویت اسلامی - ایرانی، دستاوردهای علمی تبادل شود. پس این همایش فرصتی برای تبادل دستاوردهای علمی از طریق ارائه اطلاعات و یافته‌های علمی در مسیر هویت‌یابی و هویت‌دهی به نسل آینده کشور است».

معاون آموزش ابتدایی استان یزد و دبیر اجرایی همایش: مهم‌ترین هدف این همایش، جلب توجه مسئولان به حوزه تعلیم و تربیت، به‌ویژه در دوره پیش‌دبستانی است

اجتماعی و رفتاری و عدالت آموزشی تقسیم می‌شود. پژوهش‌های حوزه علوم شناختی نشان داده است که رشد مغز در سال‌های اولیه کودکی بسیار سریع است و اکثر ارتباطات مغزی تا پنج سالگی شکل می‌گیرند و از آن پس شروع به رشد می‌کنند. بنابراین، اگر از این زمان مهم برای شکل دادن به شخصیت، هویت، تربیت و یادگیری کودک استفاده کنیم، می‌توانیم سرمایه‌های کشور را به خوبی تربیت کنیم. اقتصاد آموزش و پرورش بر سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی تأکید دارد و ثابت شده است نرخ بازگشت سرمایه در سنین پایین بسیار زیاد است».

دکتر حکیم‌زاده یافته‌های علوم اجتماعی را از مسائل مهم دوره پیش‌دبستانی دانست و گفت: «در ارتباط با رفتن کودکان به پیش‌دبستانی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. بسیاری از این پژوهش‌ها نشان می‌دهند کودکانی که به پیش‌دبستانی رفته‌اند از جهت شناخت عمومی، مهارت‌های گفتاری و مقیاس حافظه با کسانی که این دوره را درک نکرده‌اند، متفاوت‌اند. معنای عدالت آموزشی برخورداری از فرصت‌های برابر یاددهی و یادگیری است؛ یعنی اگر دانش‌آموزی به کلاس اول می‌رود چه اندازه فرصت یاد گرفتن دارد».

وی افزود: «کشورهای توسعه یافته به دوره پیش‌دبستانی توجه و بر آن تأکید زیادی دارند. سرمایه‌گذاری عمده آموزشی آن‌ها معطوف به این حوزه است و در زمینه آموزش عالی کمتر سرمایه‌گذاری می‌کنند».

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش در ادامه، از



رئیس اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی ابراز امیدواری کرد: «این همایش زمینه جلب توجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور به رشد و تعالی دوره پیش‌دبستانی را بیش از پیش فراهم می‌کند و همچنین باعث می‌شود که هماهنگی لازم برای شکل‌دهی هویت یکپارچه دینی، ملی، فردی و اجتماعی نوآموزان صورت گیرد».

دکتر دانا فر افزود: «این همایش به صورت کامل برگرفته از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است و گره خوردن آن با سند تحول بنیادین سبب شده است که این سند همچون چتری بر تمام بخش‌های همایش گسترده شود و زمینه‌ساز فعالیت‌های ناب و قابل تقدیر آینده گردد».

مشاور وزیر آموزش و پرورش: از دوره دبستانی و پیش‌دبستانی غفلت کردیم

رضا مددی، مشاور وزیر آموزش و پرورش و رئیس اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، طی سخنانی در این همایش گفت: «در دهه ۱۳۶۰ و در آن شرایط جنگی، با نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی، دستگاه تعلیم و تربیت مبادرت به تدوین سندی کرد که در آن، دوره ابتدایی دوره اساسی دانسته شده بود اما از سال ۱۳۶۸ به بعد، بر دوره متوسطه متمرکز شدیم و متأسفانه از دوره دبستان غفلت کردیم. نهایتاً در سال ۱۳۸۲ با تصویب دولت، سند تحول بنیادین در دستور کار قرار گرفت».

وی افزود: «امروز جامعه به بحران هویتی مواجه است و نظام تعلیم و تربیت باید در مسیر تحقق هویت تلاش کند. خوشبختانه، موضوع هویت هم در سند تحول بنیادین مورد تأکید جدی قرار گرفته و شامل هویت انسانی، دینی و ملی است. موضوع تربیت بر مقوله هویت متمرکز شده و در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، مدرسه نقطه اتکای دولت و ملت و عامل توسعه و پیشرفت و تعالی کشور است».

مددی با بیان اینکه اگر به دنبال پیشرفت همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هستیم، راه رسیدن به آن مدرسه است، گفت: «محتوای کتاب‌های درسی باید در مسیر تقویت هویت ملی و فضا و معماری

مدرسه باید در این جهت باشد. فراموش نکنیم که هویت، به‌ویژه هویت ملی، جزء تأکیدات سند تحول بنیادین است.» وی خاطر نشان ساخت: «چهار دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ما مرتکب یک خطای راهبردی (استراتژیک) شدیم و آن غفلت از دبستان و پیش‌دبستان بود. این غفلت ناکارآمدی دستگاه تعلیم و تربیت را به دنبال داشت؛ زیرا براساس سند تحول، مسئولیت اصلی آموزش و پرورش توجه به دوره عمومی است. پس ما باید به دبستان و دوره پیش‌دبستانی برگردیم و تأکید کنیم که تعلیم و تربیت بنیادین در دبستان و پیش‌دبستانی محقق می‌شود و تا زمانی که این رویکرد اصلاح نشود، ممکن است پیش‌دبستانی همچنان طفیلی تلقی گردد».

مشاور وزیر آموزش و پرورش در ادامه گفت: «سند تحول بنیادین، سندی راهبردی است که مسیر آموزش و پرورش را از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ ترسیم کرده است و آموزش و پرورش باید آن را اجرا کند».

سند تحول در بخش‌های مختلف تعلیم و تربیت برنامه‌های مشخصی دارد؛ علاوه بر تعریف تعلیم و تربیت اسلامی، چرخه‌های تحول‌آفرین را مشخص کرده و اهداف و چشم‌انداز و مأموریت‌ها را تا ۱۴۰۴ بیان نموده است. بنابراین، هر اقدامی که در آموزش و پرورش بخواهد انجام شود باید ذیل این سند صورت بگیرد. با تصویب سند تحول، بلا تکلیفی و فقدان فلسفه رفع شده و نقشه راه در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفته است و در آن مشخص شده که ما چه نوع آموزش و پرورش و مدرسه‌ای می‌خواهیم».

وی تأکید کرد: «در وزارتخانه نباید به صورت سلیقه‌ای

سند تحول بنیادین، سندی راهبردی است که

مسیر آموزش و پرورش را از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ ترسیم کرده است و آموزش و پرورش باید آن را اجرا کند

عمل کنیم؛ زیرا سند تحول مسیر را مشخص کرده و نقشه راه مشخص است.

سند تحول در همه موارد چارچوب خاص خود را دارد و سندی راهبردی، با چشم‌اندازی بلند برای دستگاه تعلیم و تربیت محسوب می‌شود.

معاون آموزش ابتدایی استان یزد: هویت و کودکان دو کلیدواژه اصلی سند تحول بنیادین‌اند

سعیده بهادرزاده، معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش استان یزد، از سخنرانان دیگر این همایش بود. ایشان با بیان اینکه توجه به هویت کودکان و تربیت صحیح آن‌ها یکی از ضروری‌ترین نیازهای بقای هر جامعه است، گفت: «اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی آغازی برای تربیت صحیح و مؤثر نسل آینده است؛ زیرا فعالیت‌های تربیتی در سال‌های اول زندگی، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت افراد در دوران بزرگسالی ایفا می‌کنند».

وی این همایش را شروع یک جنبش علمی عظیم در محافل فرهنگی و هنری کشور دانست و اظهار داشت: «هویت و کودکان دو کلیدواژه مهم در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش‌اند. اما کودکان از مظلوم‌ترین گروه سنی هستند که گاه در میان دیگر گروه‌های سنی دیده نمی‌شوند».

دبیر اجرایی این همایش افزود: «اگر ما خواستار جامعه‌ای متعالی هستیم، باید بذره‌های آن را در دوره کودکی در ذهن و روان کودک بکاریم تا در آینده ثمره شیرینش را بچینیم».

وی با بیان اینکه مهم‌ترین هدف این همایش، جلب توجه مسئولان به حوزه تعلیم و تربیت به‌ویژه در سنین کودکان پیش‌دبستانی است، گفت: «اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در شش قالب آثار علمی - هنری برنامه‌ریزی شده و این قالب‌ها شامل مقالات علمی، قصه‌گویی، دکلمه، عکس، فیلم کوتاه و سرودهای کودکانه با عنوان آواها و نواهای بومی - محلی است».

بهادرزاده با بیان اینکه از دو سال پیش تاکنون مسئولیت کمیته معین هویت کودکان ایران اسلامی به استان یزد واگذار شده است، افزود: «در مجموع، دو هزار و ۱۹۹ اثر به دبیرخانه همایش ارسال شده و کل آثار دریافت شده شامل ۴۱۵ مقاله علمی، ۱۱۸ فیلم کوتاه، ۱۴۵ سرود کودکانه (آواها و نواهای بومی - محلی)، ۱۱۶۱ عکس، ۱۲۵ دکلمه و ۲۳۵ اثر در حوزه قصه‌گویی است که آخرین دستاوردهای استادان، معلمان، پژوهشگران و صاحب‌نظران در زمینه هویت کودکان می‌باشد».

معاون آموزش ابتدایی استان یزد در ادامه گفت: «۲۰۰ مقاله در این همایش پذیرفته شد که ۵۲ مقاله از آن‌ها به‌عنوان مقالات برتر برای سخنرانی انتخاب شدند و در پایان همایش از بیست نفر شرکت‌کننده برتر همایش تجلیل می‌شود».

وی افزود: «در این همایش ۱۲ کارگاه جنبی آموزشی به‌طور هم‌زمان برگزار شد و ۳۸۰۰ ساعت در این کارگاه‌ها آموزش دیدند».

بهادرزاده در پایان گفت: «توجه به بهسازی نیروی انسانی و تقویت صلاحیت حرفه‌ای آموزگاران و مربیان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این همایش است».

دبیر شورای عالی آموزش و پرورش: دوره کودکی بهترین زمان برای هویت‌یابی است

دکتر مهدی نوید ادهم، دبیر شورای عالی آموزش و پرورش، در مراسم اختتامیه

وزیر آموزش و پرورش: دوره پیش‌دبستانی به تنهایی نمی‌تواند جای خالی خانواده را در هویت‌بخشی پرکند. پس ما باید به شدت در حوزه آموزش خانواده‌ها کار کنیم و ارتباطمان را با خانواده گسترش دهیم





پیش دبستانی اختصاص دارد. وی افزود: «تعلیم و تربیت از دوره پیش دبستانی آغاز می‌شود و ما باید بحث تعلیم و تربیت را از این دوره آغاز کنیم. ما در چهار دهه گذشته خطایی راهبردی (استراتژیک) داشتیم که من نام آن را کوچک انگاشتن آموزش و پرورش گذاشته‌ام. این خطا باید جبران شود و راه جبران آن توجه به دوره پیش دبستانی و ابتدایی است.»

نوید ادهم در ادامه افزود: «کلید توسعه، تعلیم و تربیت، ارتقای فرهنگ و حل مشکلات جامعه در دوره پیش دبستانی و دبستانی است. خوشبختانه این همایش به خوبی به این مسئله پرداخته و در نام‌گذاری خود بعد از هویت کودکان ایران اسلامی از دوره پیش دبستانی یاد کرده است.»

دبیر شورای عالی آموزش و پرورش سپس به هویت‌های چهارگانه قومی، ملی، مذهبی و مدرن، که در سند تحول بنیادین آمده است، اشاره کرد و گفت: «هویت و انسجام ملی دوروی یک سکه‌اند و اگر به هر کدام از آن‌ها آسیبی وارد شود، دیگری نیز از آن متضرر خواهد شد.»

وی دوره کودکی را بهترین زمان برای هویت‌یابی دانست و گفت: «هر کدام از هویت‌های چهارگانه بخش مهمی از هویت فرزندان ایران را شکل می‌دهند و گسست و فاصله بین این هویت‌ها صدمات جبران‌ناپذیری به کشور وارد می‌کند.»

نوید ادهم در پایان تأکید کرد: «باید بین چهارگانه هویتی تعامل و توازن ایجاد شود و هیچ‌کدام قربانی دیگری نشود. هویت ایرانی و اسلامی دوگانه نیست، هویتی واحد و به هم پیوسته است. ایرانی بودن و مسلمان بودن ما درهم‌تنیده است و افراط و تفریط در رابطه با هر یک از ابعاد هویت آثار منفی به جا خواهد گذاشت.»

این همایش که در شهر یزد برگزار شد، به فرهنگ غنی استان یزد اشاره کرد و گفت: «استان یزد بسیاری از فرهنگ‌های ایرانی اسلامی را در خود جای داده است. فرهنگ یزد یک فرهنگ ملی است که با زحمت نیاکان و بزرگان این دیار شکل گرفته است و باید از آن محافظت شود.»

وی بر ضرورت مبادلات فرهنگی بین یزد و سایر استان‌های کشور تأکید کرد و گفت: «همان‌طور که بادگیرها و قنات‌های استان یزد ارزش ملی محسوب می‌شوند، قنوت و قناعت مردمان یزد نیز ارزش ملی هستند که باید به بیرون از استان یزد انتقال پیدا کنند.»

دبیر شورای عالی آموزش و پرورش اجرای سند تحول بنیادین را اصلی‌ترین هدف وزارت آموزش و پرورش دانست و گفت: «مصمم هستیم آموزش و پرورش را که از زخم‌های کهنه و مشکلات زیاد رنج می‌کشد، براساس سند تحول بنیادین به آموزش و پرورش مطلوبی تبدیل کنیم که مردم ایران از خروجی آن راضی باشند.»

او یکی از اصلی‌ترین بحث‌های سند تحول بنیادین را کلیدواژه هویت دانست و گفت: «این همایش به یکی از اصلی‌ترین بحث‌های سند تحول بنیادین، یعنی هویت، پرداخته است. این همایش به جز پرداختن به هویت به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های اصلی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به دوره

دبیر شورای عالی آموزش و پرورش، کلید توسعه، تعلیم و تربیت، ارتقای فرهنگ و حل مشکلات جامعه در دوره پیش دبستانی و دبستانی است



بازی آزاد

مفهوم و مؤلفه‌های آن در آموزش کودکان

چکیده

بازی، زبان و طبیعی‌ترین روش یادگیری کودکان است. با درک مفهوم بازی کودکان، ارتباط با آنان برقرار و شناخت عمیقشان امکان‌پذیر می‌شود و شرایط و زمینه‌هایی غنی برای فرایند آموزش و یادگیری آن‌ها فراهم می‌آید. هدف پژوهش حاضر، درک و معرفی مفهوم بازی آزاد و مؤلفه‌های آن در آموزش کودکان بوده است. روش پژوهش توصیفی از نوع تحلیل اسنادی بود و بررسی و تحلیل یافته‌های آن نشان داد که بازی آزاد را می‌توان فعالیتی دانست که دربردارنده مؤلفه‌های انگیزه درونی، داوطلبانه، سیالیت قانون، مشارکت فعال، تخیلی و نمادین، خوشایند، فرایندمحور و فارغ از زمان و مکان است.

کلیدواژه‌ها: بازی، بازی آزاد، کودک، یادگیری

بیان مسئله

در آموزش دوران کودکی، مفهوم بازی^۱ به عنوان اثربخش‌ترین و طبیعی‌ترین راه یادگیری کودکان، یکی از مفاهیم چالش‌زا و بحث‌برانگیز است. بازی مفهومی است که ظاهراً تعریف آن ساده است؛ همه آن را تجربه کرده‌ایم و وقتی آن را می‌بینیم، به خوبی می‌شناسیم اما برای توضیح و بیان آن در قالب اصطلاحات و

بازی، زبان و طبیعی‌ترین روش یادگیری کودکان است. با درک مفهوم بازی کودکان، ارتباط با آنان برقرار و شناخت عمیقشان امکان‌پذیر می‌شود و شرایط و زمینه‌هایی غنی برای فرایند آموزش و یادگیری آن‌ها فراهم می‌آید

مفاهیم درست، به شدت به مشکل برمی‌خوریم (عسکری‌زاده، ۱۳۹۳). بازی مفهومی مبهم است که به مشکل‌های متناقض در رشته‌هایی چون روان‌شناسی، انسان‌شناسی، ارتباط سازمانی، فلسفه و جامعه‌شناسی تعریف می‌شود (استاتلر^۲ و همکاران، ۲۰۰۹؛ ساتون-اسمیت^۳، ۱۹۹۷). اگر مریبان و متخصصان آموزشی درک درستی از مفهوم و ماهیت بازی نداشته باشند، به‌طور نادرست، فعالیت‌های دیگری را بازی تلقی می‌کنند (بروجن^۴، ۲۰۰۹). درک مفهوم بازی باعث شناخت عمیق‌تر کودکان و فراهم آوردن شرایط و زمینه‌هایی غنی در فرایند آموزش و یادگیری آنان می‌شود (عبدالملکی و آرمند، ۱۳۹۶). یکی از پرکاربردترین مفاهیمی که در توصیف بازی کودکان به کار می‌رود، مفهوم بازی آزاد^۵ (واقعی^۶) است. اصطلاح بازی آزاد، بازی‌ای را توصیف می‌کند که کودک‌محور، داوطلبانه و انعطاف‌پذیر باشد (هولت^۷ و همکاران، ۲۰۱۵). بازی آزاد فعالیتی است که کودک آزادانه انجام می‌دهد و خود انتخاب می‌کند که چه نوع بازی، کجا و با چه کسی باشد (زیگلر و بیشاپ-جویسف^۸، ۲۰۰۹). کینگ^۹ (۱۹۸۶) بازی واقعی^{۱۰} را فعالیت‌هایی تحت هدایت کودکان و داوطلبانه می‌داند که می‌توانند اتفاق بیفتند. سیکز مایلی^{۱۱} (۱۹۸۱) بازی را زیرمجموعه‌ای از زندگی توصیف می‌کند که در آن می‌توان رفتار را بدون هراس از

انسانی در این فعالیت هست، اتفاق نظر ندارند (ولست و پراملینگ^{۱۸}، ۲۰۱۲).

با توجه به اهمیت این موضوع، در این پژوهش مفهوم بازی آزاد و مؤلفه‌های آن در آموزش کودکان را بررسی می‌کنیم.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است. جامعه پژوهشی کلیه متون مرتبط داخلی و خارجی با مفهوم بازی آزاد می‌باشند. ابزار اندازه‌گیری برگه‌های فیش برداری از اطلاعات بوده است.

یافته‌های پژوهش

سؤال: مفهوم و مؤلفه‌های بازی آزاد چیست؟

درک مفهوم بازی آزاد در قالب شناخت و آگاهی از مؤلفه‌های آن عمیق‌تر و روشن‌تر اتفاق می‌افتد. پژوهشگران و متخصصان حوزه بازی کودکان مؤلفه‌های بسیاری را برای بازی آزاد بیان می‌کنند. می‌توان گفت مهم‌ترین مؤلفه‌های مفهوم بازی آزاد عبارتند از: انگیزه درونی، داوطلبانه، سیالیت قانون، مشارکت فعال، تخیلی و نمادین، خوشایند، فرایندمحور، فارغ از زمان و مکان.

– **انگیزه درونی:** هدف بازی در خود عمل بازی نهفته است و تنها به خاطر رضایت حاصل از آن صورت می‌پذیرد (روبین^{۱۹} و همکاران، ۱۹۸۳ به نقل از هیوز، ۱۳۹۰: ۲۶). بازی فعالیتی است که هدف آن در خود آن است و کودکان بازی را به خاطر خود عمل بازی انجام می‌دهند (منصور، ۱۳۹۳). شیبلی^{۲۰} (۲۰۰۸) خودانگیزی^{۲۱} در بازی را پاداشی تعریف می‌کند که بازیکنان برای خودشان در نظر گرفته‌اند.

– **داوطلبانه:** بازی عموماً به‌عنوان فعالیتی تعریف می‌شود که شرکت‌کنندگان به‌صورت داوطلبانه و بدون فشار به آن مبادرت می‌ورزند (اندرسن^{۲۲}، ۲۰۰۹). اگر بنابر اعمال فشار بر شرکت‌کنندگان یا واداشتن آن‌ها به یک فعالیت باشد، دیگر آن فعالیت ماهیت بازی ندارد (مان^{۲۳}، ۱۹۹۶). بازی فعالیتی است که آزادانه و ارادی از سوی کودک اتفاق می‌افتد و اگر کودک را وادار کنیم در فعالیتی که به‌عنوان بازی در نظر گرفته‌ایم شرکت کند، شاید از نظر او آن فعالیت دیگر بازی نباشد؛ چون او مجبور است آن فعالیت را انجام دهد؛ در حالی که در بازی آزاد، کودک در انجام و انتخاب عمل بازی آزاد است.

– **سیالیت قانون بازی:** بازی با قوانین و توافقات در میان بازیکنان ساخته می‌شود که می‌تواند یا نمی‌تواند با آن‌هایی که تعامل اجتماعی را در زندگی روزانه هدایت می‌کنند، متفاوت باشد (براون^{۲۴}، ۲۰۰۹). بازی لزوماً قانون ندارد ولی می‌تواند قوانین انعطاف‌پذیری داشته باشد که شرکت‌کنندگان، خودشان آن‌ها را تعریف کرده باشند (پلگرینی^{۲۵} و همکاران، ۲۰۰۷). قواعد بازی تنها افراد را راهنمایی می‌کنند و تعیین‌کننده



عواقب آن تمرین کرد. برگه‌س^{۱۳} (۲۰۱۱) بازی را فعالیتی دربردارنده تعامل فعال و سرگرم‌کننده، داوطلبانه و انعطاف‌پذیر بیان می‌کند. در طول دهه ۱۹۹۰، نظریه‌پردازان مختلف ویژگی‌های بازی را ارائه دادند تا پژوهش قابل‌اطمینان در رفتار بازی کودکان را تسهیل نمایند. ویژگی‌های بازی عبارتند از: ۱. بیشتر از لحاظ درونی رغبت‌انگیز است تا بیرونی؛ ۲. ورای واقعیت است و همچنین واقعیت را بازتاب می‌دهد؛ ۳. توسط بازیکن کنترل می‌شود؛ ۴. به فرایند در مقایسه با محصول توجه بیشتری دارد؛ ۵. ایمن است؛ ۶. معمولاً سرگرم‌کننده، غیرقابل پیش‌بینی و لذت‌بخش است؛ ۷. آنی است و مشارکت فعال غیراجباری را در بر دارد (استوارت^{۱۳} و همکاران، ۱۹۹۱؛ بریسیگیدل^{۱۴}، ۱۹۹۲؛ گودمن^{۱۵}، ۱۹۹۴؛ باندی^{۱۶}، ۱۹۹۷؛ پرهام و پریمیو^{۱۷}، ۱۹۹۷). بسیاری از محققان دیگر درباره چگونگی تعریف مفهوم بازی کودکان بحث می‌کنند اما بر سر اینکه چه کنش‌های

اگر مربیان و متخصصان آموزشی درک درستی از مفهوم و ماهیت بازی نداشته باشند، به‌طور نادرست، فعالیت‌های دیگری را بازی تلقی می‌کنند

نیستند؛ بنابراین، بازیکن می‌تواند به آن‌ها پایبند بماند یا آن‌ها را تغییر دهد و یا بازسازی کند (وینگنشتاین، ۱۳۸۹: ۸۹-۸۸). اما به هر حال، قاعده باید قاعده بماند و بازی براساس آن عمل کند، هر چند نه سفت‌وسخت، بلکه به بازیکن امکان تحرک بدهد. بازی در جریان است به همین دلیل، قواعد آن نیز در جریان بازی هر بار عهده‌دار نقشی می‌شوند (جهان‌دیده، ۱۳۹۲: ۴۶).

- مشارکت فعال: بازی فعال بودن در فعالیت بازی است. مشارکت فعال، شرکت‌کننده را از ناظر متمایز می‌کند و بازی را از سرگرمی^{۲۶} جدا می‌کند (هینتورن^{۲۷}، ۲۰۱۲). در بازی،



از طریق ساختن چیزها و به اشتراک‌گذاری آن‌ها با دیگران، حس ارتباط بیشتری با جهان پیدا کرده و به‌جای نشستن و نگاه کردن، مشارکت بیشتری داشته و در محیط فعال‌تریم

بازیکن باید در فرایند بازی شرکت داشته باشد و باید از لحاظ جسمانی، روانی یا هر دو درگیر در بازی باشد نه اینکه منفعل یا نسبت به آنچه روی می‌دهد بی‌تفاوت باشد (روبین و همکاران، ۱۹۸۳- به نقل از هیوز، ۱۳۹۰: ۲۶). برای نمونه، گانتلت^{۲۸} (۲۰۱۰) بر کارکرد مشارکتی فعالیت‌های بازی ملموس و خلاقانه تأکید می‌کند: «از طریق ساختن چیزها و به اشتراک‌گذاری آن‌ها با دیگران، حس ارتباط بیشتری با جهان پیدا کرده و به‌جای نشستن و نگاه کردن، مشارکت بیشتری داشته و در محیط فعال‌تریم» (ص ۷۳).

- تخیلی و نمادین: محققان از قدیم بر کارکرد نمادین بازی به‌عنوان یک ارائه «زندگی واقعی» تمرکز کرده‌اند (بیتسان^{۲۹}، ۱۹۷۲؛ پیژنه^{۳۰}، ۱۹۶۲). در اساس، بازی به شرکت‌کننده‌ها اجازه می‌دهد تا مسائل آشنا را به شکل جدیدی مشاهده کنند و فضایی ایمن برای تجربه با راه‌حل‌های نو خلق می‌کند (منصور، ۱۳۹۳).

- خوشایند بودن بازی: بازی معمولاً سرگرم‌کننده، غیرقابل پیش‌بینی و لذت‌بخش است (گودمن، ۱۹۹۴؛ پرهام و پریمیو، ۱۹۹۷). همان‌طور که ناخمنویچ^{۳۱} (۱۹۹۰) می‌گوید، «بازی روح آزادانه کشف است، که با انجام دادن آن و بودن و در آن شخص به شادی محض می‌رسد» (ص ۴۳). بازی زمانی است برای سرگردانی و لذت بردن از مسیری زیبا، با تأکید بر آنچه انجام می‌دهید، نه پاداش‌هایی که برای انجام دادن کاری دریافت می‌کنید (ناخمنویچ، ۱۹۹۰).

- فرایندمحور بودن: فرایندمحوری^{۳۲} یعنی در بازی، بازیکنان می‌توانند به فرایند بازی توجه کنند؛ بی‌آنکه به هدف یا پایان آن توجه داشته باشند (شیپلی، ۲۰۰۸). در فرایند بازی، کودک از خود عمل بازی لذت می‌برد؛ بی‌آنکه بخواهد بعد از بازی به هدف یا محصولی دست پیدا کند.

- فارغ از زمان و مکان: بازی شکل آزاد دارد و متشکل از رفتارها و معانی بداهه است. بنابراین، نباید به فضا و زمان محدود شود (پلگرینی و همکاران، ۲۰۰۷). بازی کودکان نیازمند مکانی خاص و ویژه نیست و کودکان در هر زمان و مکانی می‌توانند عمل بازی را انجام دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر، بیان مفهوم بازی آزاد و مؤلفه‌های آن در آموزش کودکان بود. بررسی مبانی نظری و دیدگاه‌های متخصصان حوزه بازی در زمینه مفهوم بازی آزاد نشان داد که درک مفهوم بازی با آگاهی و شناخت از مؤلفه‌های آن به صورت عمیق‌تر و کاربردی‌تر امکان‌پذیر است. همچنین، بازی آزاد را می‌توان فعالیتی بیان کرد که دربردارنده مؤلفه‌های انگیزه درونی، داوطلبانه، سیالیت قانون، مشارکت فعال، تخیلی و نمادین، خوشایند، فرایندمحور و فارغ بودن از زمان و مکان باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Play
2. Statler
3. Sutton-Smith
4. Bergen
5. Free play
6. Real play
7. Holt
8. Zigler & Bishop-Josef
9. King
10. Real play
11. Csikszentmihalyi
12. Burghardt
13. Stewart
14. Bracegirdle
15. Goodman
16. Bundy
17. Parham & Primeau
18. Wallerstedt and Pramling
19. Rubin
20. Shipley
21. self motivating -play
22. Andersen
23. Mann
24. Brown
25. Pellegrini
26. Entertainment
27. Hinthorne
28. Gauntlett
29. Bateson
30. Piaget
31. Nachmanovitch
32. process oriented-play

بازی شکل آزاد دارد و متشکل از رفتارها و معانی بداهه است

ترجمه فریدون فاطمی. تهران: نشر مرکز.
۵. جهان‌دیده، زکیه. (۱۳۹۲). تبیین ماهیت بازی و آموزش مفاهیم اجتماعی از طریق آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۶. عبدالملکی، صابر؛ آرمنند، محمد. (۱۳۹۶). مفهوم بازی و انواع آن در کلاس: دیدگاه مربیان مهدکودک و پیش‌دبستان‌های شهر تهران، فصلنامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان (پذیرش گرفته برای چاپ).

1. Andersen, N. Å. (2009). Power at play: The relationships between play, work, and governance. Basingstoke, UK: Palgrave Macmillan.
2. Bateson, G. (1972). Steps to an ecology of mind. New York, NY: Ballantine Books.
3. Bracegirdle, H. (1992). The use of play in occupational therapy for children: What is play? British Journal of Occupational Therapy, 55, 107-108.
4. Brown, S. (2009). Play: How it Shapes the Brain, Opens the Imagination, and Invigorates the Soul. New York: Avery.
5. Bundy, A. (1997). Play and playfulness: What to look for. In: L. D. Parham & L. S. Fazio (Eds), Play in occupational therapy for children (pp. 52-66). St. Louis, MO: Mosby.
6. Burghardt, G. M. (2011). Defining and recognizing play. In A. D. Pellegrini (Ed.), Oxford handbook of the development of play (pp. 9-18). New York, NY: Oxford University Press.
7. Bergen, D. (2009). Play as the learning medium for future scientists, mathematicians, and engineers. American Journal of Play, Spring, 413-428.
8. Csikszentmihalyi, M. (1981). Some paradoxes in the definition of play. In Cheska, A.T. (Ed.). Play as context, (pp. 14-26). West Point, NY: Leisure Press.
9. Gauntlett, D. (2010). Creativity, participation and connectedness: An interview with David Gauntlett. In S. Sonvilla-Weiss (Ed.), Mashup cultures (pp. 65-78). New York, NY: SpringerWein.
10. Goodman, J. F. (1994). 'Work' versus 'Play' and early childhood care. Early Childhood Care, 23, 177-196.
11. Hinthorne, L.L., Schneider, K. (2012) Playing with purpose: Using serious play to enhance participatory development communication in research. International Journal of Communication 6: 2801-2824.
12. Holt, N. L., Lee, H., Millar, C. A. & Spence, J. C. (2015). 'Eyes on where children play: A retrospective study of active free play'. Children's Geographies, 13: 73-88.
13. King, N. R. (1986). When educators study play in schools. Journal of Curriculum and Supervision, 1(3), 233-246.
14. Mann, D. (1996). Serious play. Teachers College Record, 97(3), 446-469.
15. Nachmanovitch, S. (1990). Free Play: Improvisation in Life and Art. New York: G. P. Putnam's Sons.
16. Parham, L. D. & Primeau, L. A. (1997). Play and occupational therapy. In: L. D. Parham & L. Fazio (Eds), Play in Occupational Therapy for Children (pp. 2-21). St. Louis, MO: Mosby.
17. Pellegrini, A. D., Dupuis, D., & Smith, P. K. (2007). Play in evolution and development. Developmental Review, 27(2), 261-276.
18. Piaget, J. (1962). Play, dreams and imitation in childhood (C. Gattegno & F. M. Hodgson, Trans.). New York, NY: Norton Library.
19. Shipley, D. (2008). Empowering children. Play based curriculum for lifelong learning. (Fourth edn). USA: Nelson Education.
20. Statler, M., Roos, J., & Victor. B. (2009). Ain't misbehavin': Taking play seriously in organizations. Journal of Change Management, 9(1), 87-107.
21. Stewart, D., Harvey, S., Sahagian, S., Toal, C., Pollock, N. & Law, M. (1991). Play, the occupation of childhood. Hamilton, Ontario: Neurodevelopmental Clinical Research Unit, The Ontario Ministry of Health.
22. Sutton-Smith, B. (1997). The ambiguity of play. Cambridge, MA: Harvard University Press.
23. Wallerstedt, C. and Pramling, N. (2012) "Learning to play in a goal directed practice". Early Years, 32(1): 5-15
24. Zigler, E. F., & Bishop-Josef, S. J. (2009). Play under Siege: A Historical Overview. Zero to Three, 30(1), 4-11.

منابع

۱. عسکری‌زاده، قاسم. (۱۳۹۳). روان‌شناسی بازی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲. هیوز، پیتر فرگاس. (۱۳۹۰). روان‌شناسی بازی کودکان، بازی و رشد. ترجمه کامران گنجی. تهران: انتشارات رشد.
۳. منصور، محمود. (۱۳۹۳). روان‌شناسی ژنتیک، تحول روانی از تولد تا پیری، تهران: انتشارات سمت.
۴. وینگنشتاین، لودویگ. (۱۳۸۹). پژوهش‌های فلسفی.

آموزش والدین

اشاره

شرکت والدین در آموزش کودکانشان به وسیله برنامه ریزان تعلیم و تربیت دوران کودکی، حائز اهمیت است. تجارب در برنامه های مداخله ای مانند آموزش والدین توسط مربیان مجرب و تعلیم دیده، این آگاهی را افزایش می دهد. پذیرفتنی است که برنامه های مداخله ای که در آنها تأکید اصلی بر درگیر کردن مستقیم والدین در فعالیت های پرورش دهنده کودک است، در هر سنی نتایج سازنده ای داشته باشند اما این فعالیت ها هرچه زودتر شروع شوند و هرچه بیشتر ادامه یابند و به صورت نظام دار در مراکز ما شکل بگیرند، به سود کودک و جامعه خواهد بود.

ارتباط با والدین واقعیتی است که نمی توان آن را نادیده گرفت. گاهی این ارتباط تصادفی و بدون جهت است. لیکن روزبه روز بیشتر به این حقیقت خواهیم رسید که ارتباط بین مهم ترین افراد زندگی کودکان- والدین و مربیان- نباید به عهده تصادف گذاشته شود و باید به عنوان یک برنامه نظام دار در آموزش رسمی کشور طراحی گردد.

کلیدواژه ها: آموزش والدین، مربیان آموزش والدین

نقش والدین در دوران پیش از دبستان می تواند به طور عمده بر مشارکت آنان در آموزش کودکانشان متمرکز باشد. مشارکت والدین در دوران اولیه کودکی بسیار حساس و حیاتی است و مبنای ساختار شناختی، تمام فراگیری ها و پیشرفت های کودکان را به وجود می آورد.

در این مشارکت، نقش مربی اهمیت دارد و اساسی ترین نقش او نقش «مربی آموزش والدین» بودن است. مسئولیت عمده و اصلی «مربی آموزش والدین»، ترویج مجموعه گسترده ای از اطلاعات به والدین است. خواه این اطلاعات جدیدترین علم اعصاب باشد خواه توصیه ها و راهنمایی های مفید برای ایفای نقش پدری و مادری، که می تواند والدین را توانمند سازد.



اگر شما پدر یا مادر کودکی باشید، می‌دانید که کار دشوار و پرتب‌وتاب ایفای نقش پدری و مادری، چگونه است. البته اگر کودک شما دارای نیاز ویژه باشد، این مسئله نه تنها دشوار و پرفراز و نشیب بلکه خسته‌کننده است. شما به حمایت و همبستگی با مربیان نیازمندید و برای توانمندسازی شما والدین به‌منظور مواجه شدن با چالش‌هایی که به وسیلهٔ کودکانتان ایجاد می‌شود، به توانمندسازی نیاز دارید.

توانمندسازی از طرف مربیانی که خود نیازمند آموزش در زمینهٔ راهبردهای مشارکت خانواده برای ایجاد و حفظ مشارکت موفق والدین‌اند.

راهبردهایی که والدین از طرف مربیان آموزش می‌بینند تا هنگام رفع نیازهای کودکانشان با آن‌ها برخورد کنند تا در مقابل چالش‌های موجود سپر و ضربه‌پذیر باشند، تمام عمر بر چگونگی رشد کودک، برای اینکه چگونه کودک قادر به یادگیری است و چگونه کودک قادر است خودنظم‌دهنده باشد تأثیر می‌گذارد.

مشارکت صمیمی و پذیرا از طرف والدین نوعی عملکرد حفاظتی، حمایتی و بیولوژیکی دارد که کودک را از استرس و فشارهای زندگی روزانه محافظت می‌کند و به او امکان می‌دهد تا به اندازهٔ کافی «امکانات» عاطفی را رشد و توسعه دهد. آموزش راهبردهایی مانند پربار کردن محیط زبانی و تغذیهٔ مناسب موجب گسترش سریع‌تر رشد مغز و تکامل مطلوب کودک خواهد شد.

آشنایی با پیشرفت‌های غیرمنتظره، به‌ویژه در مورد علم اعصاب، به ما نشان داده است که مغز انسان به شدت «انعطاف‌پذیر و قابل انطباق» است. مغز در حالت بحرانی به عنوان یک واکنش به تجربه، قادر است تغییر کند و سازگار شود (کاسیو پو، برنت سان، شریدن و مک کلینتاک، ۲۰۰۱). نیز می‌تواند متحول یا اصلاح گردد.

مغز در رابطه با مشکلات و محرومیت‌ها به‌طور قابل توجهی می‌تواند جبران کند. به همین دلیل، برنامه‌ریزان مسئولیت دارند تا آنجا که می‌توانند، رشد و تکامل نوآموزان را تأمین کنند و بهبود بخشند. به نظر می‌رسد که رشد کمال مطلوب مغز در نوآموزان در «دوره‌های بحرانی» رخ می‌دهد؛ یعنی وقتی که مغز با انواع یادگیری‌های ویژه تنظیم و هماهنگ می‌شود. مربی آموزش والدین می‌بایست نسبت به این دوره‌های بحرانی که در رشد و تکامل مغز رخ می‌دهد و در رشد نوآموز مؤثر است، حساس باشد. این یک فرصت است که ما را قادر می‌سازد با فرار گرفتن در معرض رشد طبیعی آناتومی مغز بتوانیم آن را کارآمدتر و بهره‌ورتر بسازیم.

زمانی که والدین مشارکت در آموزش کودکان خود را آغاز می‌کنند، به نظر می‌رسد که رفتارهای مناسب‌تری را در آینده از خود بروز خواهند داد. کودکان پیشرفت‌ها و دستاوردهای بسیار چشمگیری را در ارزشیابی مهارت‌های شناختی، زبانی و



عکس: محمدرضا بهرام / ششمین جشنوارهٔ عکس رشد

حرکتی به دست خواهند آورد؛ به طوری که اعتماد به نفس بسیار زیادی پیدا کرده، در بیان نیازهای اجتماعی و عاطفی-هیجانی خود توانا تر خواهند بود. از والدینی که در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند انتظار می‌رود که در تصمیم‌گیری آموزشی، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به کودکان خود حضور فعال داشته باشند. اگر مشارکت والدین صریح، کامل و معنادار باشد، آن‌ها بیشتر حامی برنامه‌ها خواهند بود.

مشارکت والدین در برنامه‌ها پیشرفتی مؤثر تلقی می‌شود و این مشارکت شبیه به عملکرد یک خانواده گسترده است.

آموزش به والدین بدین منظور به کار گرفته می‌شود تا به آن‌ها آموزش دهد که چه چیزی برای کودک بهترین است. از نظر مربی، آموزش والدین اجرای بهترین اعمال و تمرین‌ها را در خانه تشویق می‌کند. از سوی دیگر، حضور والدین در کلاس آموزشی در رشد و پیشرفت کودک حائز اهمیت است.

یک اصل مهم در برنامه‌ریزی آموزش والدین تشریک مساعی مطلوب آن‌ها، حمایت مؤثر و هماهنگی بین دیدگاه والدین و مربی کودکان در مورد آنچه کودک در یادگیری خود می‌بایست تجربه کند، است.

برنامه‌ها در کلاس آموزشی والدین باید شامل اصول نظری و کاربردی در راستای توانایی‌های کودکان باشد.

در آموزش والدین علاوه بر اصول فوق ساختارها، ارزش‌ها و سنت‌های آن‌ها نیز باید شناسایی شود. ارتباط با تک‌تک والدین در کلاس آموزشی آنان می‌بایست اختصاصی نیز باشد و تمام والدین برای بحث و گفت‌وگو دربارهٔ کودک و موضوعات خود فرصت کافی داشته باشند.

باید فعالیت‌های مرتبط با یادگیری کودک را برای والدین اجرا کرد تا سرمشق شود. این فعالیت‌ها را می‌توان با تدوین و تألیف کتاب راهنمای والدین نیز در اختیار آن‌ها گذاشت. چنین آموزشی به والدین می‌تواند کار برجسته و چشمگیری باشد.

مربیان آموزش والدین، می‌توانند تفاوتی چشمگیر و درخور توجه در مهارت‌های والدین و در سطوح مختلف آموزشی-توان بخشی و مشاوره‌ای والدینی که از طریق ثبت‌نام در کلاس‌ها پشتیبانی می‌شوند ایجاد کنند. مساعدت مربیان آموزش والدین می‌تواند مشارکت پربراری برای کودکان فراهم آورد. همان‌طور که والدین در این کلاس‌ها ماهر و کارآزموده می‌شوند، به همین صورت توانمند و مجذوب مشارکت بیشتر در امر آموزش کودکان خود و دیگران می‌شوند. کلاس‌های آموزش والدین که توسط مربیان آموزش والدین هدایت می‌شوند، والدین را با راهبردهای یادگیری و آموزشی، چگونگی اجرا و عملکردها آشنا می‌سازند. مهارت‌هایی را مانند مربیان کمکی در آموزش و حتی طراحان و برنامه‌ریزان در برنامه‌های آموزشی کودکان تعلیم می‌کند.

از آنجا که والدین در دوران اولیهٔ زندگی کودک نقش بسزایی دارند و اولین و مهم‌ترین مربی کودکان و نوآموزان محسوب می‌شوند، برنامه‌ریزان دورهٔ پیش‌دبستان باید تمام راه‌های

ممکن را برای کمک به کودکان و والدین آنان پیدا کنند. در این عرصه، برای به حداکثر رساندن منابع و منافع در دسترس، چیزی جز مشارکت تنگاتنگ والدین در امر آموزش قابل تأمل نیست.

یک برنامهٔ راهبردی مراکز که متمرکز بر مشارکت والدین است، تحولات و اصلاحات کاملی از ارتباط نمونهٔ واقعی با خانواده‌ها به همراه دارد. این نوع دگرگونی و تحول در برنامهٔ راهبردی اغلب همراه با مزایای زیر است:

• افزایش کیفیت آموزشی

• افزایش موفقیت کودک.

مربیان آموزش والدین

مربیان آموزش والدین به افرادی اطلاق می‌شود که در کلاس آموزش‌های لازم را به والدین کودکان ارائه می‌کنند. پس، مربیان آموزش والدین مسئولیت بزرگی دارند. والدین کودکان خردسال بیشتر مایل به مشارکت در تجارب و رویدادهای مراکز آموزشی هستند تا والدینی که فرزندانشان بزرگ‌تر شده‌اند. وقتی والدین به آموزش سال‌های اولیهٔ کودکان علاقه‌مند می‌شوند و با مربیان و کارکنان آموزشی ارتباط نزدیک برقرار می‌کنند، این ارتباط به احتمال بسیار زیاد ادامه پیدا خواهد کرد. برای جلوگیری از کاهش این ارتباط، مسئله مهم و اساسی این است که یک مرکز و کارکنان آموزشی آن با یکدیگر تلاش کنند تا برنامه‌های مناسبی طراحی و اجرا شود؛ برنامه‌هایی که اغلب، فرصت‌های تعامل را برای والدین فراهم می‌آورند.

آموزش والدین در جهت دستیابی به اهداف آموزش قبل از دبستان کودکان و نوآموزان با نیازهای ویژه (استثنایی) بیش از سایر کودکان مؤثر واقع می‌شود.

در کلاس آموزش والدین اصل اساسی تمرکز بر آموزش است. تقدم آموزش والدین بر آموزش کودک اولویت دارد و باید با نظام‌داریسازی آموزش والدین، به تهیهٔ برنامهٔ آموزشی و تدوین مقررات لازم پرداخت. در واقع، بر پایهٔ این اصل، یکی از والدین، ترجیحاً مادر، از حق حداقل یک سال آموزش منظم برخوردار خواهد شد.

در کلاس آموزش والدین چهار اصل به شرح

باید فعالیت‌های مرتبط با یادگیری کودک را برای والدین اجرا کرد تا سرمشق شود. این فعالیت‌ها را می‌توان با تدوین و تألیف کتاب راهنمای والدین نیز در اختیار آن‌ها گذاشت

زیر مورد نظر است:

۱. اصل شناخت ویژگی‌های والدین

۲. اصل تقدم مشاوره بر آموزش

۳. اصل مقارنت آموزش والدین و کودک

۴. اصل تقدم مهارت‌آموزی بر دانش.

اینکه والدین از چه میزان آمادگی برای آموزش و کسب مهارت مورد لزوم برخوردارند، تعیین تقدم زمانی بین مشاوره و آموزش و اینکه مربی والدین لزوماً باید اوضاع و شرایط عملی و مؤثر در آموزش کودک را با آموزش والدین همراه سازد و در نهایت کلیه فعالیت‌های آموزشی متوجه ایجاد مهارت در والدین است و اطلاعاتی که در صورت لزوم به آنان عرضه می‌شود، بر پایه ضرورت‌های مربوط به مهارت‌هاست.

براساس اصول فوق، کلاس‌های آموزش والدین، آن‌ها را برای زندگی با فرزندانشان آماده می‌سازد و دادن اطلاعات و آگاهی‌هایی که امکان انتقال به مهارت را نداشته باشند، اولویت نخواهد داشت.

ویژگی‌ها و روش‌های آموزش والدین

مربیان آموزش والدین با مخاطبانی روبه‌رو هستند که شرایط و موقعیت‌های متفاوتی دارند. در این راستا، مخاطبان (والدین) به دلیل پاره‌ای اشتغالات و مسئولیت‌ها، نسبت به امور زندگی و داشتن هدف‌های گوناگون و ویژگی‌های فردی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی، ممکن است آمادگی کافی برای سپری کردن یک دوره آموزشی نظام‌دار را نداشته باشند. علاوه بر این، همان‌گونه که مربیان آموزش والدین به سهولت می‌توانند میزان خستگی‌پذیری آنان را در طی جلسات آموزشی ملاحظه کنند، چنانچه اطلاعات جاذبه کافی نداشته باشند یا والدین معنا و مطلوبیت مناسبی در آن‌ها نیابند و خود را در کسب مهارت‌آموزی همچنان ناتوان احساس کنند، به تدریج کلاس آموزشی را ترک خواهند کرد.

براساس ملاحظات فوق، آموزش والدین از نظر رعایت پاره‌ای از محدودیت‌ها و ویژگی‌ها از آموزش کودکان و نوجوانان متمایز می‌شود. بر این پایه، برنامه‌ریزان آموزشی و درسی و کارشناسان در تهیه برنامه آموزشی مناسب

برای والدین، لزوماً باید ویژگی‌هایی را مد نظر قرار دهند. در اینجا به بعضی از خصوصیات والدین و ویژگی‌های آموزشی آنان به‌طور مختصر اشاره خواهیم کرد.

➤ انعطاف‌پذیری در زمان

➤ انعطاف‌پذیری در مکان

➤ انعطاف‌پذیری در سن

➤ انعطاف‌پذیری در معیارهای پذیرش (جنسیت- نقش و ...)

➤ انعطاف‌پذیری در محتوای آموزشی و روش‌های تدریس.

انتظار ما پس از پایان دوره آموزش والدین این است که در والدین مهارت و توانایی ایجاد ارتباط مؤثر با کودکان و نوجوانان خودشان ایجاد کنیم.

والدین برحسب اینکه واکنش‌های متفاوتی در برابر کودکان از خود نشان می‌دهند، نیازمند آن‌اند که به نحوی، احساسات و نگرش‌های خود را به منظور بهسازی روند زندگی، کنترل کنند. در این راستا، دسته‌ای از والدین قبل از آغاز آموزش، ممکن است آمادگی لازم برای همکاری با مربیان را نداشته باشند. برای رفع این مشکل، ضروری است فرصت‌هایی به شرح زیر برای آنان در کلاس فراهم آید.

❖ فراهم‌آوری فرصت‌های تجربی و عملی مناسب به منظور انتقال آگاهی‌های لازم و ایجاد مهارت‌های ارتباطی بین مادر- کودک؛

❖ فراهم‌آوری موقعیت‌های مناسب برای مادر- کودک به منظور بهره‌وری مفید از موقعیت‌های طبیعی موجود؛

❖ ایجاد مهارت لازم در والدین به منظور به‌کارگیری کلیه حواس مؤثر؛

❖ ایجاد توانایی عملکردی در والدین در زمینه فعالیت‌های آموزشی، پرورشی و توان‌بخشی؛

❖ ایجاد مرکز رغبت کودک در کلاس به منظور بهره‌وری تجربی و عملی از آن؛

❖ کمک به والدین، به منظور ایجاد نگرش مثبت به زندگی با کودک؛

❖ کمک به والدین به منظور ایجاد نگرش مثبت، نسبت به پدیده کودک استثنایی (با نیازهای ویژه).

منابع

۱. پرایر، جنیفر و آرچرارد، مورین. (۱۳۸۸). مشارکت خانواده در آموزش و پرورش پیش‌دبستانی. مترجم: علی ایمانی.
۲. جویباری، ۴۴۴ و طاهری، ویدا. (۱۳۷۲). راهنمای آموزش و مشاوره با والدین کودکان مبتلا به نقص شنوایی. تهران: انتشارات تربیت.
۳. زد، لی، مارگارت و دوپیرا، جان. ای. (۱۳۷۳). روش تربیت کودکان پیش‌دبستانی. مترجم: ن. پارسا. تهران: ۴۴۴۴؟
۴. تجارب شخصی در امور آموزشی و برنامه‌ریزی کودکان و نوجوانان.

والدین برحسب اینکه واکنش‌های متفاوتی در برابر کودکان از خود نشان می‌دهند، نیازمند آن‌اند که به نحوی، احساسات و نگرش‌های خود را به منظور بهسازی روند زندگی، کنترل کنند



نقش مربی پیش‌دبستان در تربیت کودک هنرمند یا کودک خلاق؟

و سرنوشت‌ساز می‌شوند. اتفاق بدتری که ممکن است بیفتد، پویا نبودن مربی و علاقه‌مند نبودن او به یادگیری این مهارت‌ها و به روز شدن است؛ به ویژه اگر علاقه‌ای به این حرفه نداشته باشد. اگر مدیران مراکز به مربیان فرصت و انگیزه کافی برای پیشرفت بدهند، هم باغبانان خوبی خواهند شد و هم مدام به دانش‌افزایی و دستیابی به اطلاعات جدید، پرس‌وجو از مراکز دیگر و برگزاری جشنواره‌ها اقدام خواهند کرد. بدیهی است خیلی از مربیان پیش‌دبستان یا مهدکودک‌ها روان‌شناس یا مشاور نیستند. از این‌رو، وجود یک مشاور یا روان‌شناس گوش به زنگ در کنار آن‌ها بدون مداخله مستقیم ضروری به نظر می‌رسد. داشتن روحیه‌ای شاد و جسمی پرنرژی و سالم و شخصیتی دور از دسترس و عصبانیت به مربی کمک خواهد کرد که رسالت خود را به درستی ایفا کند. ای کاش آموزش و پرورش ما بهترین مربیان را به جای دوره‌های تحصیلی بالاتر به مراکز پیش‌دبستانی می‌سپرد!

اگر مروری بر اهداف آموزش و پرورش در آیین‌نامه‌های مصوب ۱۳۴۹ به نقل از استاد بزرگوار آقای احمد صافی داشته باشیم، درمی‌یابیم که در آن‌ها دوره پیش‌دبستانی دوره فراهم کردن

در مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی بسیار دیده می‌شود که مربیان و مسئولان برای داشتن سندی از فعالیت‌های کودک به منظور ارائه به مدیر یا اولیای دانش‌آموزان، مدام به جمع‌آوری کارهای زیبا و چشمگیر مشغول‌اند و خود و کودکان را دچار استرس و فشار می‌کنند؛ در حالی که پیش‌دبستان یا مهدکودک محلی برای لذت بردن و آرامش و پرورش استعدادها و خلاقیت کودک است. برای مثال، کودکی که برای توصیف یک منظره زمستانی برگه‌ای سفید تحویل مربی می‌دهد ولی از جنگلی پر از حیوانات و برکه‌ای یخ‌زده صحبت می‌کند، شاید کاری هنری تولید نکرده باشد ولی قطعاً کاری خلاقانه انجام داده است و باز خورد مثبت یا منفی مربی ماهر یا ناشی، تصویر جدیدی در باغچه ذهن او شکل می‌دهد. بنابراین مربی پیش‌دبستانی حتماً باید دوره‌دیده و توانمند و باحوصله و صبور باشد تا بتواند خلاقیت کودک را تشخیص دهد و آن کاغذ سفید را تفسیر کند. در کشور ما گاهی مربی پیش‌دبستانی به سبب حقوق پایین و کار زیاد و طاقت‌فرسا راحت به افراد بدون تخصص و دوره‌ندیده سپرده می‌شود و خیلی از افراد با مدارک و تخصص‌های بی‌ارتباط از سر ناچاری وارد این مسئولیت ختیر

محیط و فرصت‌هایی برای پرورش قوای جسمانی، عقلانی و عاطفی کودکان تعریف شده است. از اهداف دیگر پیش‌دبستان، کمک به رشد جسمی، ذهنی و عاطفی، شخصیتی و اجتماعی کودک است. در همین‌جا عنوان مقاله را مرور می‌کنیم. یکی از مسئولیت‌های مهم مربیان پیش‌دبستانی فعلی، داشتن پوشه کار پر بار و چشمگیر به‌عنوان سندی از فعالیت‌های کارایی است؛ درحالی‌که مربی ماهر پوشه‌ای از پیشرفت عاطفه و شخصیت کودک در ذهن او ایجاد می‌کند که بسی ماندگارتر، حیاتی‌تر و ضروری‌تر است. پس، اولیا و مدیران مراکز باید نگرش خود را به طرف این مسئله تغییر بدهند و پرورش را هم مقدم بر آموزش، به جای تبلیغ‌های گسترده و پرسود بدانند.

بعضی از مراکز پیش‌دبستانی واقعاً ضعف‌های اساسی دارند. کودک وسیله‌ای برای تبلیغ نیست. در یک برنامه کاری روزمره پیش‌دبستان که هدف آن پر کردن فعالیت‌های آموزشی مبتنی بر کتاب با رشد زود هنگام و پراسترس است، آموزش و پرورش نابود می‌شود یا به تأخیر می‌افتد. مربی و مدیر پیش‌دبستان مدام باید از خود بپرسند رسالت من چیست. جواب این سؤال از مرز باریکی عبور می‌کند از وظایف مربیان پیش‌دبستان، انجام دادن بازی‌های آوایی و بازی‌های وانمودی و اجرای نمایش خلاق است که اگر به خوبی صورت گیرد، به رشد شخصیت عاطفی و اجتماعی کودک منجر می‌شود. اگر مربی با تغییر قصه‌ها و هنر داستان‌گویی شخصیت بچه‌ها را در قالب نقش‌های قصه‌ها پرورش دهد، بی‌شک رشد عاطفی و اجتماعی آنان انجام می‌گیرد یا کاردستی‌هایی که کودک درست می‌کند اگر به شکل اصولی و با اهداف مشارکتی و هدف تعلق به گروه تهیه گردد، بسیار به اهداف واقعی پیش‌دبستان نزدیک می‌شود. هدف دیگری که در پیش‌دبستان درخور تأمل است و اغلب به اشتباه بیش از حد بر آن تأکید می‌کنیم، آماده کردن کودکان برای یادگیری مهارت‌های مورد نیاز و مفاهیم دوره دبستان است.

مربی به جای نوشتن لوحه و سرمشق می‌تواند بر درست گرفتن ممداد هنگام نقاشی تأکید کند و به این ترتیب، به هدف نزدیک‌تر شود. پرورش قوای جسمی کودک و تقویت

مچ‌ها می‌تواند از طریق خمیربازی، کار با سفال و انواع دیگر خمیرها، مچاله کردن کاغذ، اریگامی و مهارت‌های کاغذ و قیچی و کار با انواع رنگ‌ها صورت گیرد. هدف دیگری که باید در پیش‌دبستان به آن فرصت کافی داده شود، پرورش توانایی‌ها و استعداد‌های کودک است و اصل مهمی که اغلب فراموش می‌شود، منحصر به فرد بودن کودک است. در بعضی از مناطق ایران، دوزبانه بودن کودک، دایره واژگان و زبان‌آموزی او که مهارتی مهم به خصوص در پایه اول است، به فراموشی سپرده می‌شود. درایکورس، یکی از اندیشمندان بزرگان تربیتی می‌گوید: «اکثر معلمان به دانش‌آموزانی که توجه بیشتری لازم دارند، کمتر توجه می‌کنند. کودک نازیبا که حسرت توجه دارد، در کلاس هم کمتر مورد توجه واقع می‌شود یا کودکی که لباس‌های کثیفی بر تن دارد، شخصیت اجتماعی یا عاطفی‌اش در خطر است».

آیا یک مربی ماهر با مدیریت خلاقانه کلاس به رشد همه‌جانبه کودک کمک می‌کند؟ اگر تک‌تک کاردستی‌ها و فعالیت‌ها عنوان و هدف جزئی و هدف یا اهداف کلی با پیش‌بینی خطرات احتمالی یا امکان در ماندگی و یا توانمندی صورت بگیرد، نقش بهتری در سرنوشت کودک پیش‌دبستانی دارد. از اهداف شناختی، یاد دادن مشاهده پیرامون خود است که می‌تواند به هوشیاری و یادگیری بهتر کودک در آینده منجر شود. آموزش اطلاعات بهداشتی و ایمنی، مهارت‌های اجتماعی و آشنایی با مشاغل و اطلاعات در مورد علوم طبیعی می‌تواند در اغلب بازی‌ها و فیلم‌های آموزشی و بازدید از اماکن عمومی صورت گیرد. حتی در کاردستی‌ها هم می‌توان اهداف یادگیری علوم و اجتماعی و ریاضی را دنبال کرد. از اهداف عاطفی می‌توان به علاقه‌مند کردن کودک به مدرسه و خواندن و نوشتن و شمردن و نقاشی کردن اشاره کرد. کاردستی‌هایی که با این هدف تهیه می‌شوند و بازی‌هایی که به این هدف کمک می‌کنند، کودک را در مسیر پیشرفت یاری خواهند داد. از اهداف دیگر، علاقه‌مند کردن کودک به گوش دادن و سخن گفتن است. اگر مربی با بازی‌هایی مثل گویندگی، خبرنگاری، گزارش اخبار و قصه‌گویی با کلام و بی‌کلام فقط از طریق توضیح تصاویر، بدون اینکه کودک بداند یا نداند متن داستان درباره چیست، گوش دادن به نوار قصه یا سی‌دی‌های بی‌تصویر هم برای تقویت هوش هیجانی و عاطفی و هم برای تقویت گوش دادن به صداها، که بعداً در املا و فارسی بسیار به کودک کمک می‌کند و انجام دادن بازی‌هایی که با تقویت شنیدن یا دیدن صورت می‌گیرد، با طراحی مربی بسیار مؤثر است. علاقه‌مند کردن کودکان به آداب میهنی، قوانین و آداب و رسوم محیط زندگی و جغرافیا به راحتی از طریق بازی‌های کار تونی و کارهای عملی امکان‌پذیر است. یاد دادن کنترل عواطف، کنترل خشم و عصبانیت و ابراز خواسته‌ها و «نه» گفتن در این سن از طریق بازی صورت می‌گیرد. از اهداف دیگر، اهداف روانی- حرکتی پرورش تن و

هدف دیگری که در پیش‌دبستان درخور تأمل است و اغلب به اشتباه بیش از حد بر آن تأکید می‌کنیم، آماده کردن کودکان برای یادگیری مهارت‌های مورد نیاز و مفاهیم دوره دبستان است



دارد. ساخت کاردستی‌های نقاب یا دماسنج برای حالات سردی و گرمی احساس درونی مهم است. ساخت کارت‌پستال توسط کودک در رشد هوش هیجانی اهمیت دارد. ساخت کارت‌تون توسط کودک، کشیدن نقاشی‌های مورد علاقه‌اش و جان دادن به آن‌ها، ساخت درخت آرزوها، صندوق پست و نام‌های بی کلام از طریق نقاشی برای اعضای خانواده و بیان احساسات برای هوش هیجانی مهم است. بازی با چیدن لیوان‌ها و سازه‌های ماکارونی در ایجاد تمرکز و توجه اهمیت دارد. انجام دادن بازی‌های لی‌لی و پرتاب توپ و حلقه و نشانه‌گیری برای تعادل و تمرکز عالی است. ساخت یک روستا و کلیه گلی برای خیال‌پردازی و جغرافیا و ساخت دریاها و خورشید برای درس علوم مناسب است. ساخت باغ‌وحش و حیواناتش و کره زمین و ستارگان مفید است. ساخت جداول سودوکو و بازی‌های اندازه‌گیری مثل ترازوها برای یادگیری اندازه‌گیری ریاضی و ساخت محیط‌هایی برای تجربه واقعی زندگی

عملکرد کودک را نباید با عملکرد کودک دیگر مقایسه کرد و رفتار هر کودک تنها با رفتار گذشته مقایسه قابل است

حفظ سلامت جسمی و روانی کودک است که با نمایش بازی و کارت‌تون صورت می‌گیرد. ایجاد عادات بهداشتی و ایمنی از طریق نمایش‌های خلاق و باز هم کارت‌تون و قصه‌گویی‌های تغییر یافته خلاقانه مربی صورت می‌گیرد. پرورش دقت و کنجکاوی و حس خلاقیت‌های شنیداری و خلاقیت‌های دیداری از طریق شوخ‌طبعی و سخن‌وری خلاقانه مربی و ایجاد انگیزه امکان‌پذیر است. خلاقیت شنیداری می‌تواند شامل شنیدن قصه‌هایی باشد که در آن‌ها صداهای قهرمان‌ها، حالات عاطفی و حسی آن‌ها و صداهای محیطی مثل صدای آب، صدای باد، پرندگان و لرزش برگ‌ها به خوبی توسط مربی خلاق در قصه‌گویی بیان می‌شود و کودک ناشنیدنی را شنیدنی می‌کند و یا در نقاشی از او می‌خواهند تصویری بکشند یا ببینند و کودک جزئیات را بیان کند یا نادیدنی را در ذهن خلاقش ببیند. هنر خلاق دیدن، خلاق شنیدن را به کودک می‌آموزد.

تقویت تمرکز و توجه در کاردستی‌ها و یا بازی‌های شبیه‌سازی شده با ماکت‌ها و طراحی پروژه‌ها به خوبی صورت می‌گیرد. پرورش روح همکاری، آموزش جهانی صلح و دوست داشتن دیگران و پرورش احساس خوشبختی و قدرشناسی باید قبل از شکوفایی استعداد‌های هنری باشد. بازی‌ها، کاردستی‌ها و هنرورزی‌ها می‌توانند در غالب اهداف آموزش ریاضی و علوم اجتماعی صورت گیرد. این سن، سن خوبی برای یادگیری‌های مشارکتی و تقلیدی و یادگیری چگونه یاد گرفتن و مهارت‌آموزی است.

تقویت اعتمادبه‌نفس، تحمل شکست، جرئت‌ورزی، احساس تعلق و دادن دلگرمی مهم است. سن خوبی برای یاد گرفتن فلسفه چرایی و چگونگی و چطور و چقدر مسائل پیرامون، پی بردن به روابط علت و معلولی با منطق سقراطی و فلسفه از طریق محاکمه قضایی که تفکر انتقادی را در برمی‌گیرد. خلاقیت در مهارت‌های کلامی و بازی خبرنگاری و انواع نمایش‌ها، قصه‌های خیالی، متناقض‌نما (پارادوکس)‌های ذهنی، اسم‌فامیل بازی کردن فقط کلامی، ادابازی، نمایش انگشتی، عروسک‌سازی و خلق شخصیت‌ها به شکل واقعی یا خیالی، ساخت ماکت خیابان‌ها و یاد دادن قوانین رانندگی در این بازی‌ها اتفاق می‌افتد.

درک مطالب و آگاهی از دواج‌ها و نشانه‌ها که اساس یادگیری فارسی و املاست، در خلق قصه و قصه‌خوانی خلاق مؤثر است. نمایش انگشتی به شرط اجرا توسط کودک مهارت‌های کلامی را بالا می‌برد. تعویض قهرمان‌ها به‌طور خلاقانه در بازی تعویض صفات شخصیت‌ها، گذاشتن نام قصه، کشیدن تصویر در قصه‌هایی که تصاویر آن بریده شده و چسباندن نقاشی‌ها و عکس‌ها و دادن معنا به آن‌ها توسط کودک در رشد کلامی و عاطفی مهم است و به کمک مربی ماهر صورت می‌گیرد.

انجام دادن بازی‌های محلی و بومی و بازی‌های جهانی و قدیمی و دیالوگ‌سازی خلاق در رشد کلامی تأثیر بسزایی

فعالیت، آسوده‌خاطر و راحت باشند. به کودکان یادآوری کنید که از وسایل کار خود مراقبت نمایند و به آنان بیاموزید که از این وسایل استفاده‌های بی‌مورد نکنند. کودکان را تشویق کنید که با وسایل گوناگون هنری کار کنند. سعی کنید در موقع آموزش از وسایل بصری استفاده نمایند (انگچی و ترکمان، ۱۳۹۰). مربیان باید در آموزش‌های هنری نقش خلاقانه‌ای در وارد کردن مطالب یادگیری به شکل ساده توأم با کار و عمل دانش‌آموز داده شود. سهولت و سادگی در اجرای فعالیت‌های هنری باید رعایت شود. ایجاد انگیزه برای شرکت در کارها و فعالیت‌های هنری، دقت و تمرکز و پرورش حواس و درگیری عاطفی و ذهنی و شناختی کودک با موضوع یادگیری در قالب هنر مهم است.

اگرچه کودک در تلاش است که فعالیت خواسته شده‌ی مربی را انجام دهد، با هدایت و ایجاد رغبت و عدم رقابت و تحرک و خشنودی، یادگیری را با لذت و سرخوشی توأم می‌کند. مربی باید از کم‌بهرترین وسایل بهترین استفاده‌ها را بکند. او باید چنان نقش ارزنده‌ای ایفا کند که هر فعالیت هنری به فعالیت‌های تازه‌تری منجر شود.

کارهای گروهی برای کودکان سازنده و نشاط‌آور است. کودکان در این‌گونه فعالیت‌ها یاد می‌گیرند که ارتباط برقرار کنند، به نظرات هم احترام بگذارند، گفت‌وگو و بحث کنند و نسبت به گروه احساس دلگرمی و تعلق داشته باشند.

مهارت‌های کلیدی و ضروری را مربی به کودک آموزش می‌دهد. مهارت‌هایی همچون استدلال کردن، خوب شنیدن، خوب دیدن، خوب لمس کردن، دقت کردن، خواستن و ایجاد نگرش پژوهش‌گرانه در این سنین از وظایف خطیر مربی است. خوب شنیدن، مقدمه‌ خوب شنیدن واج‌ها و صداها و مصوت‌هاست که در سال‌های بعد مقدمه‌ املا و خوب دیدن مقدمه‌ خواندن و ریاضیات و سایر دروس اوست. مربیان حرفه‌ای تلفیق خوبی از دروس هنر با ریاضی، علوم و هنر با فارسی دارند. هجی کردن، ساده‌نویسی و جمله‌سازی در این سن است.

این سن، سن طلایی تشویق به یادگیری و خودآموزی کنجکاو و به جست‌وجوی یادگیری رفتن، تقویت درک هنری از طریق بحث‌ها، گفت‌وگوها و تجزیه و تحلیل‌های زمینه‌های شعر، داستان، کاردستی و مجسمه و دیگر فعالیت‌های حوزه هنری است. زمان طلایی برای گسترش دایره‌ واژگان و درک مطلب است که بعداً در فارسی و خواندن و املا به دردشان می‌خورد. اگر مربی از نمایش خلاق و انواع عالی قصه‌گویی خلاق استفاده کند، شخصیت‌سازی در قصه‌ها، صحبت کردن درباره‌ شخصیت‌های قصه‌ها، رفتار و کردار آن‌ها و نتایج اعمالشان، قضاوت و بحث استدلال فلسفه و آموزه‌های اخلاقی خوبی به آن‌ها خواهد داد. البته نقش والدین در حمایت و توجه مهم است.



مربیان حرفه‌ای تلفیق خوبی از دروس هنر با ریاضی، علوم و هنر با فارسی دارند

مثل بازار یا آشپزخانه برای مهارت‌های زندگی و تجربه در محیط واقعی مهم است. مربی پیش‌دبستان یا مهدکودک می‌تواند با نگاه خلاقانه‌اش معجزه کند. مربی نقش مهمی در تشویق کودکان به فعالیت‌های هنری دارد. تشویق صمیمانه‌ی کودک استعدادها و قدرت ابتکار او را شکوفا می‌کند.

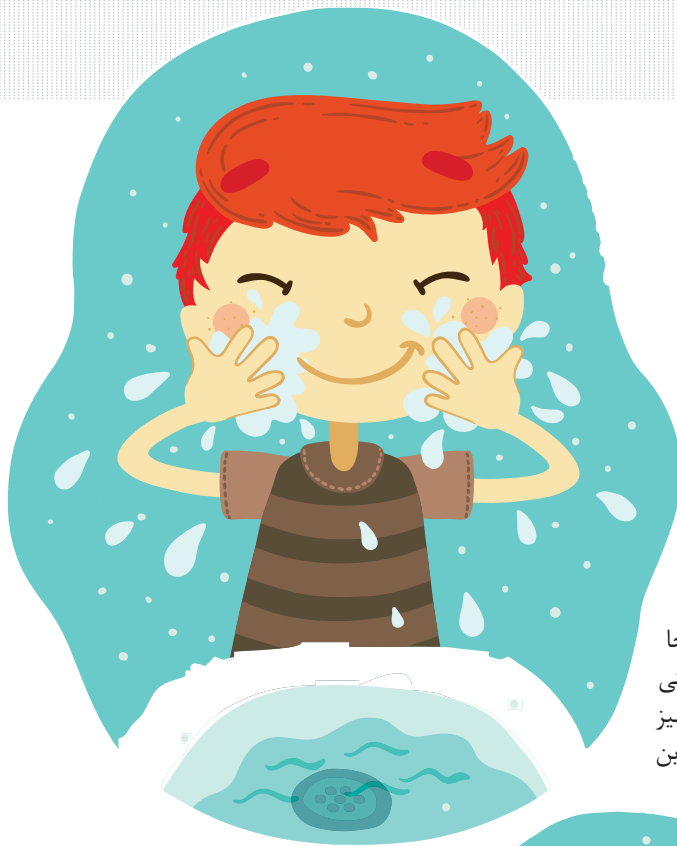
بحث‌هایی که مربی با کودک دارد، یکی از روش‌های اساسی برای تشویق او به ایجاد ایده جدید و ارائه آن از طریق کارهای هنری است. البته این بحث‌ها بهتر است همراه فعالیت‌های دیگر یا بعد از آن‌ها انجام پذیرد. سعی کنید کارهای کودک را به نمایش بگذارید و به آن‌ها صرفاً به‌عنوان کارهای کودکان بااستعداد اکتفا نکنید. باید کودکان را عادت دهیم که به‌طور مستقل کار کنند و تشویقشان کنیم که در صورت امکان کارهایشان را به پایان رسانند. کودکان را تشویق کنید تا درباره کارهای خود صحبت کنند. به آنان فرصت کافی دهید و برایشان موقعیتی فراهم آورید تا در موقع

ضرورت آموزش مهارت‌های بهداشتی به کودکان

اگر چه در طول چند دهه اخیر جامعه ایران دستاوردهای آموزشی خوبی داشته، آمارها حاکی از وجود هشت میلیون و ۸۰۰ هزار بی‌سواد مطلق و ۱۱ میلیون کم‌سواد در همه گروه‌های سنی کشور است (باقرزاده، ۱۳۹۷). پریشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا والدین کم‌سواد و بی‌سواد یا حتی والدین باسواد، قادر به مراقبت مطلوب از کودکان خویش و تجهیز آن‌ها به عادات بهداشتی سالم هستند؟ کودکی یکی از مهم‌ترین دوره‌های پیشرفت و توسعه هر انسانی است. سرمایه‌گذاری در این دوره در مقایسه با سایر دوره‌های سنی بسیار مقرون به صرفه است و باعث می‌شود که ظرفیت کودکان که در این دوره سنی به سرعت در حال شکل‌گیری است، به نحو مطلوبی پرورش یابد.

دوران کودکی دارای دو بخش مهم مراقبت و آموزش است که هر کدام تکمیل‌کننده دیگری است. مراقبت در دوره کودکی ضرورت بسیار دارد و آموزش مهارت‌های بهداشتی به کودکان از طریق والدین و مراکز تربیتی در اوان کودکی پدیده‌ای پذیرفته شده است. بدون شک، کودکان در دوره کودکی از لحاظ فیزیکی آسیب‌پذیر و مستعد ابتلا به انواع بیماری‌ها هستند. از این رو، آموزش تدریجی مهارت‌های بهداشتی به کودکان به وسیله والدین و مربیان باید به روندی مهم برای نهادهای اثرگذار- وزارت بهداشت، وزارت آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی کل کشور- تبدیل شود. در ادامه، به مواردی از چگونگی آموزش مهارت‌های بهداشتی به والدین و کودکان اشاره شده است.

۱. بهداشت دهان و دندان کودکان: آمار موجود در خصوص بهداشت دهان و دندان کودکان ایرانی از وجود یک بحران حکایت می‌کند و کم‌کاری والدین و فقدان مهارت و دانش کافی و نگرش‌های مثبت درباره چگونگی مواظبت از کودکان مشهود است. برای مثال، محبی و همکاران^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان «مادران به عنوان تسهیلگران بهداشت دهان و دندان در دوره کودکی»- مادران زیر سه سال- گزارش کردند که ۵۹ درصد از



آنان مهارت لازم برای تمیز کردن دندان‌های کودکان خود را ندارند و پلاک دندان در میان ۷۶ درصد کودکان شرکت‌کننده دیده شده است. در ایران، کودکان توانایی تمیز کردن دندان خویش را به نحوی کارآمد ندارند و در میان والدین نیز این باور حاکم است که مسواک زدن باید از زمان حضور بچه‌ها در مدرسه آغاز شود. این باورهای غلط و فقدان مهارت والدین باعث شده است که پلاک‌های باکتریایی بر روی دندان‌های بسیاری از کودکان ایرانی قابل مشاهده باشد.

آکادمی آمریکایی طب اطفال^۲ در گزارش کوتاهی آورده است که والدین اغلب می‌پرسند که چه موقع باید دندان‌های کودکان را تمیز کرد یا آیا تمیز کردن دندان‌های دوره کودکی اساساً ضرورت دارد. باید به خاطر داشت که تمیز کردن دندان‌های کودکان باید از همان روزی که دندان کودک ظاهر می‌شود، آغاز شود و اولین دندان‌ها را باید با تکه‌ای از گاز یا پارچه‌ای تمیز و مرطوب تمیز کرد. در دو سالگی باید دندان‌های کودک را حداقل روزی یک‌بار، به ویژه قبل از خوابیدن کودک و در طول روز مسواک زد. والدین باید از دو سالگی به کودکان کمک کنند که همه پلاک‌های باکتریایی (پلاک‌ها و جرم‌ها) را که به مرور زمان باعث خرابی دندان آن‌ها می‌شود، بردارند. البته در این دوره مسواک زدن نیازمند صبر و حوصله است. والدین هنگام مسواک زدن دندان کودکان باید از

در مجموع، یادگیری مهارت‌های مهم برای مراقبت از کودک نیازمند آموزش است و چنانچه آموزش در دوره کودکی فقط معطوف به آموزش مباحث علمی محدود به کودک باشد و توانمندسازی او در ابعاد مهارتی و نگرشی نادیده گرفته شود، معماری تربیت جسمی و روانی وی در سال‌های پیش رو با مخاطراتی مواجه خواهد شد و هزینه‌های هنگفتی به جامعه و خانواده‌ها تحمیل خواهد کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. Mohebbi, S. Z., Virtanen, J. I., Murtomaa, H., Vahid-Golpayegani, M., & Vehkalahti, M. M.
2. American Academy of Pediatrics (AAP)
3. Okada, M., Kawamura, M., Kaihara, Y., Matsuzaki, Y., Kuwahara, S., Ishidori, H., & Miura, K.
4. Åström, A. N.
5. Manchanda, K., Sampath, N., & De Sarkar, A.

منابع

1. باقرزاده، علی. (۱۳۹۷: ۵ آبان). وجود ۱۱ میلیون کم سواد در کشور. خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا». برگرفته از: <https://www.isna.ir/news>
2. American Academy of Pediatrics (AAP) radio series 'A Minute for Kids,' which airs weekdays on WBBM-AM in Chicago, IL. Retrieved from: <https://www.aap.org/en-us/about-the-aap/aap-press-room/aap-press-room-media-center/Pages/Baby-Tooth-Care.aspx>
3. Mohebbi, S. Z., Virtanen, J. I., Murtomaa, H., Vahid-Golpayegani, M., & Vehkalahti, M. M. (2008). Mothers as facilitators of oral hygiene in early childhood. *International journal of paediatric dentistry*, 18(1), 48-55.
4. Okada, M., Kawamura, M., Kaihara, Y., Matsuzaki, Y., Kuwahara, S., Ishidori, H., & Miura, K. (2002). Influence of parents' oral health behaviour on oral health status of their school children: an exploratory study employing a causal modelling technique. *International journal of paediatric dentistry*, 12(2), 101-108.
5. Åström, A. N. (1998). Parental influences on adolescents' oral health behavior, two-year follow-up of the Norwegian Longitudinal Health Behavior Study participants. *European journal of oral sciences*, 106(5), 922-930.
6. Manchanda, K., Sampath, N., & De Sarkar, A. (2014). Evaluating the effectiveness of oral health education program among mothers with 6-18 months children in prevention of early childhood caries. *Contemporary clinical dentistry*, 5(4), 478.

مسواک نرم، کوچک و مقدار بسیار کمی خمیر دندان (به اندازه نصف نخود) استفاده کنند و مواظب باشند که کودک خمیر دندان را نبلعد؛ زیرا فلوراید موجود در خمیر دندان باعث ایجاد لکه‌هایی در دندان کودکان می‌شود. اگر کودک خمیر دندان دوست ندارد، از آب نیز می‌توان برای تمیز کردن دندان‌های او استفاده کرد.

انتقال عادات مطلوب به کودکان می‌تواند در دو قالب نشان دادن (show)، و گفتن (tell) صورت گیرد. فرایند انتقال عادات، برای مثال مسواک زدن، خود نوعی فرایند اجتماعی شدن به شمار می‌آید. البته انجام دادن وظایف مراقبتی به وسیله والدین در طولانی مدت باید کمتر شود تا زمینه تسلط کودکان بر مراقبت از خویش افزایش یابد (اوکادا و همکاران، ۲۰۰۲؛ استروم، ۱۹۹۸). به هر حال، پوسیدگی دندان به‌ویژه در دوره تربیت در اوان کودکی به یکی از مشکلات شایع در کشورهای در حال توسعه و خانواده‌های با وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف تبدیل شده است که از آن با عنوان سندروم کلینیکی در میان کودکان نام می‌برند. معمولاً خانواده‌ها در این جوامع تا پوسیدگی به بالاترین سطح نرسد، به دندان‌پزشک مراجعه نمی‌کنند. رایج‌ترین روش برای روبه‌رو شدن با این مشکل و حل آن، آموزش والدین است (ماچندا، سامپت، دی سارکر، ۲۰۱۴).

۲. شستن دست و صورت: این بخش از مراقبت خیلی ساده به نظر می‌رسد ولی کودکان بهتر است وظایف بهداشتی خود را یاد بگیرند و تمرین کنند. آن‌ها در گام نخست باید با چگونگی باز کردن شیر آب آشنا شوند و در مرحله بعد، چگونگی استفاده از مایع دست‌شویی و شستن بالا و پایین و بین انگشتان را یاد بگیرند. زمان شستن دست‌ها و صورت را باید به کودکان یاد داد و انجام دادن این کار را قبل از غذا خوردن و بعد از بیدار شدن از خواب به او یادآوری کرد. استفاده از آهنگ‌ها یا دکلمه‌هایی با موضوع مناسب می‌تواند جذابیت این فعالیت‌ها را برای کودکان بالا ببرد. در نهایت، باید به صورت مداوم و به نرمی به کودکان گفت که بعد از شستن دست‌ها شیر آب را ببندند و دست‌هایشان را با حوله خشک کنند. مهارت نداشتن در شستن دست‌ها به‌ویژه در فصل‌های سرد سال یا موقعی که بیماری‌های عفونی همه‌گیر می‌شود، بسیار خطرناک است. باید برای کودکان به زبان ساده توضیح داد که تمیزی

دست‌ها سبب از بین رفتن میکروب‌ها می‌شوند.

۳. حمام کردن (دوش گرفتن):

اگر چه حمام کردن کودکان نیازمند مراقبت جدی والدین است، کودکان پیش‌دبستانی قادرند بسیاری از کارهای مربوط به حمام کردن را خودشان عهده‌دار شوند. بعد از خیس کردن سر کودک، مقداری شامپو در دست او بریزید و از او بخواهید بدن و موی خود را بشوید. البته یادگیری شست‌وشوی بدن چندین سال طول می‌کشد اما کودک بالاخره به آرامی آن را یاد خواهد گرفت.





من می‌توانم وارد پیش‌دبستانی عادی شوم، اگر ...

خدمات و تأمین اجتماعی به‌عنوان دستیار فعالیت می‌کرده یا تیم هریس، صاحب رستوران «تیم» که در دوران دانشجویی بارها به‌عنوان دانشجوی نمونه برگزیده شد و یا «مگان مک کورمیک» که از بهترین کالج فارغ‌التحصیل شد و به سیستم آموزش و پرورش ابتدایی ملحق شد.

تنها چیزی که به من کمک زیادی می‌کند، توجه و یاری بی‌دریغ است؛ زیرا در دوران کودکی، پای من خودش حرکت نمی‌کند، فکم غذا را نمی‌چود و زبانم کلمات را به خوبی ادا نمی‌کند. من به نیرویی به نام عشق نیاز دارم که دست و پای دوم من شود و کمک کند.

در این میان، نگاه مردم و اجتماع برای من حیاتی است. اجتماعی که به من ترحم نکند و تمسخر را کنار بگذارد و به جای دلسوزی، همیاری کند و یار من باشد. شاید سخت باشد اما باز می‌گویم نشدنی نیست. در طی این طریق، متخصصان و روان‌شناسان و پزشکان علم ژنتیک همواره حامی ما بوده‌اند. در حال حاضر، صدها عامل ژنتیکی برای عقب‌ماندگی ذهنی شناخته شده است و درمان‌های مربوط به اکثر عقب‌ماندگی‌ها احتمالاً در چند دهه آینده کشف خواهد شد.

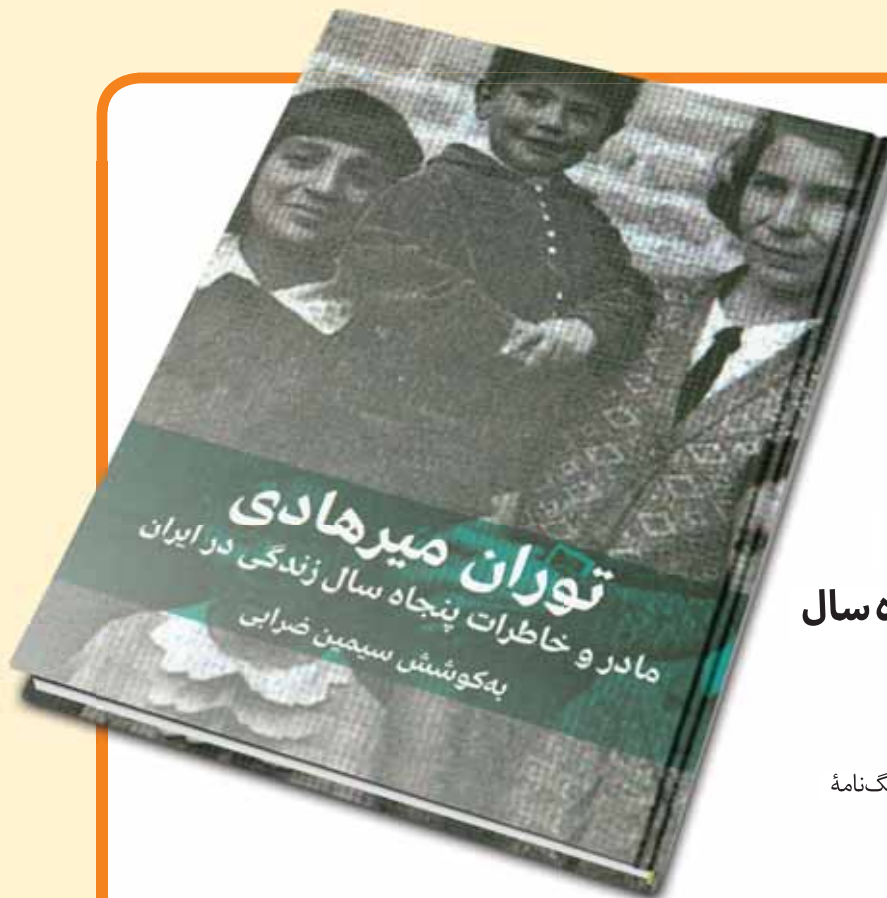
نکته آخر اینکه ما کودکان سندرم دان با وجود تمام مشکلات و مسائل سد راه رشدمان، به امید زندگی نیاز داریم؛ امیدی که حامی ما باشد و ما را از دره‌های بیماری‌هایی چون مشکلات قلبی، تنفسی، سرطان خون، آلزایمر و «سندرم پرادر ویلی» و چاقی بیش از حد بگذراند و زندگی کوتاه‌مدتمان را با وجود تمام تلخی‌هایش برایمان شیرین کند.



مهرماه است و من هم لباس فرم مدرسه‌ام را به تن کرده‌ام و منتظرم به همراه مادرم به کلاس درس بروم. من امسال پیش‌دبستانی‌ام و با تمام ذوق و شوق برای ادامه تحصیل راهی مدرسه می‌شوم اما در درونم چیزی دارم که مرا با شما متفاوت می‌کند؛ یک کروموزوم اضافه، یک بار در کوله درونم به نام «سندرم دان». من هم مانند شما چشم دارم، گوش، دست، قلب و هر چیز دیگری که در وجود شما برای ادامه حیات ضروری است اما کمی سخت‌تر و نشدنی‌تر ... می‌بینم اما تار، می‌شنوم اما گاه نامفهوم، راه می‌روم اما با سختی و دشواری، می‌فهمم و حس می‌کنم تمام آنچه را شما می‌فهمید و حس می‌کنید، اما محدود. هوش بهر من تا نوجوانی رشد می‌کند و بعد از آن، به تدریج زائل می‌شود. بدن من هم رشد می‌کند اما زمان برایم فلج است و با عصا و آهسته جلو می‌روم. برای مثال، اگر شما در ۶ تا ۹ ماهگی بدون کمک می‌نشینید، من تا سه سالگی به تکیه‌گاه نیاز دارم. راه رفتن بدون کمک من تا چهار سالگی هم طول می‌کشد. تا همین چهار سالگی تک‌کلمه را می‌توانم ادا کنم. حتی لیوان دست گرفتن و غذا خوردنم تا سه سالگی زمان می‌برد. نه که نتوانم؛ می‌توانم اما با سختی و زمانی بیشتر.

مادرم جسم دوم من و تمام انگیزه‌ام برای بهتر زیستن است؛ شاید هم بهتر از یک کودک طبیعی بودن. تا هفت سالگی تقریباً کنترل ادرار ندارم و این صبر عاشقانه اطرافیانم است که مرا به ادامه راه سوق می‌دهد. من هم مانند شما وقتی نوجوان می‌شوم، به بلوغ می‌رسم و نشانه‌های بلوغ در ۱۰ تا ۱۴ سالگی در من نمایان می‌شود. البته در کنترل هیجانی و برقراری ارتباط اجتماعی ضعیفم. اما به صمیمیت عاطفی نیاز مبرم دارم. نام علمی بیماری من «تريزومی ۲۱» است. این نوع بیماری با سن بارداری مادر ارتباط مستقیم دارد؛ مثلاً در کودکان مادران جوان‌تر وجود چنین نقیصه‌ای کمتر است و مادران با سن بیشتر امکان بروز عقب‌ماندگی در فرزندانشان بالاتر می‌رود.

در طول راه دشوار هرم سنی من، مادر و پرستارم نقش مهمی دارند اما اگر همیشه و با تلاش و پشتکار زیاد در کنارم بایستند، می‌توانم در مدارس عادی تحصیل کنم، به کلاس موسیقی و شنا بروم و حتی در مقاطع بالا ادامه تحصیل بدهم و شغلی مناسب شرایطم داشته باشم. بسیاری از افرادی که مثل من تریزومی ۲۱ داشته‌اند، توانسته‌اند به پله‌های بالایی از موفقیت برسند؛ همچون آنجلا بچیلر که مدت دو سال در سازمان



توران میرهادی مادر و خاطرات پنجاه سال زندگی در ایران

به کوشش: سیمین ضرابی
ناشر: شرکت تهیه و نشر فرهنگ‌نامه
کودکان و نوجوانان
چاپ اول: ۱۳۹۶
صفحات: ۲۴۹ صفحه
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۶۳۸۳
قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

تحمل مصائب و دشواری‌ها مانند مرگ و نیستی، ضعف و فقر و رفع کمبودها، و به‌ویژه پذیرش افکار مثبت در فصول ششم تا چهاردهم به نحو چشمگیری مشهود است. مادر به‌عنوان سرمنشأ خوبی‌ها و توانایی‌ها در این خاطرات موج می‌زند و احساس خوبی را در خواننده نسبت به زن و توانایی‌هایش و نقش زن بودن را در زندگی و تعلیم و تربیت کودکان پدید می‌آورد. دروس تربیتی در مورد عشق‌ورزی، تربیت فرزندان و بازی‌های دوره کودکی و کتاب‌خوانی برای کودکان از ورای خاطرات نویسنده و با طرح سؤال‌های پرمایه خانم سیمین ضرابی بسیار بارز شده است.

کتاب به زبانی ساده، صمیمانه و خودمانی و با طرح سؤال‌های هدفمند نگاشته شده است. خواندن این کتاب را به مادران، زنان، مربیان و علاقه‌مندان به دانستن درباره زنان تأثیرگذار ایران توصیه می‌کنم.

توران میرهادی (۱۳۹۵ - ۱۳۰۶) از جمله مربیان و پرورشکاران حوزه تعلیم و تربیت در ایران است. وی با همکاری خانم سیمین ضرابی خاطرات زندگی تربیتی خود و خانواده‌اش را در کتابی به رشته تحریر درآورده است. این کتاب حاوی پیش‌گفتار و هفده فصل است که عناوین فصول به نوعی خاطرات ایشان را از مادر و اعضای خانواده‌اش تقسیم‌بندی کرده است.

آنچه در این کتاب سبب یادگیری است و ارزش خواندنی آن را بالا می‌برد، نحوه پرداختن به خصوصیات و شخصیت افراد به‌ویژه مادر ایشان است. نقش مادر به‌عنوان سرچشمه حقیقت، ایمان، الگوبرداری، شوق به تغییر و کوشش و تلاش و به وجود آوردن نگرش مثبت و پرمایه به زندگی از ابتدای زندگی و اوان کودکی بسیار پررنگ شده است. تقویت روحیه و یادگیری‌های کودک در زمینه هنر، ورزش، زبان، ارتباط با دیگران و دوستی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب در زندگی،



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات مجله‌های آموزشی

حمایت از کالای ایرانی

رشد برکات رشد

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افسست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۳۳۳۰۸۸۴۹.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد: ♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: شهر ستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال
♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۲۰/۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات مجله‌های آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و ده شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کورک: برای دانش آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوآموز: برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز: برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان: برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پرهان: برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان: برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاوران و معلمان ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی
♦ رشد برهان متوسطه دوم

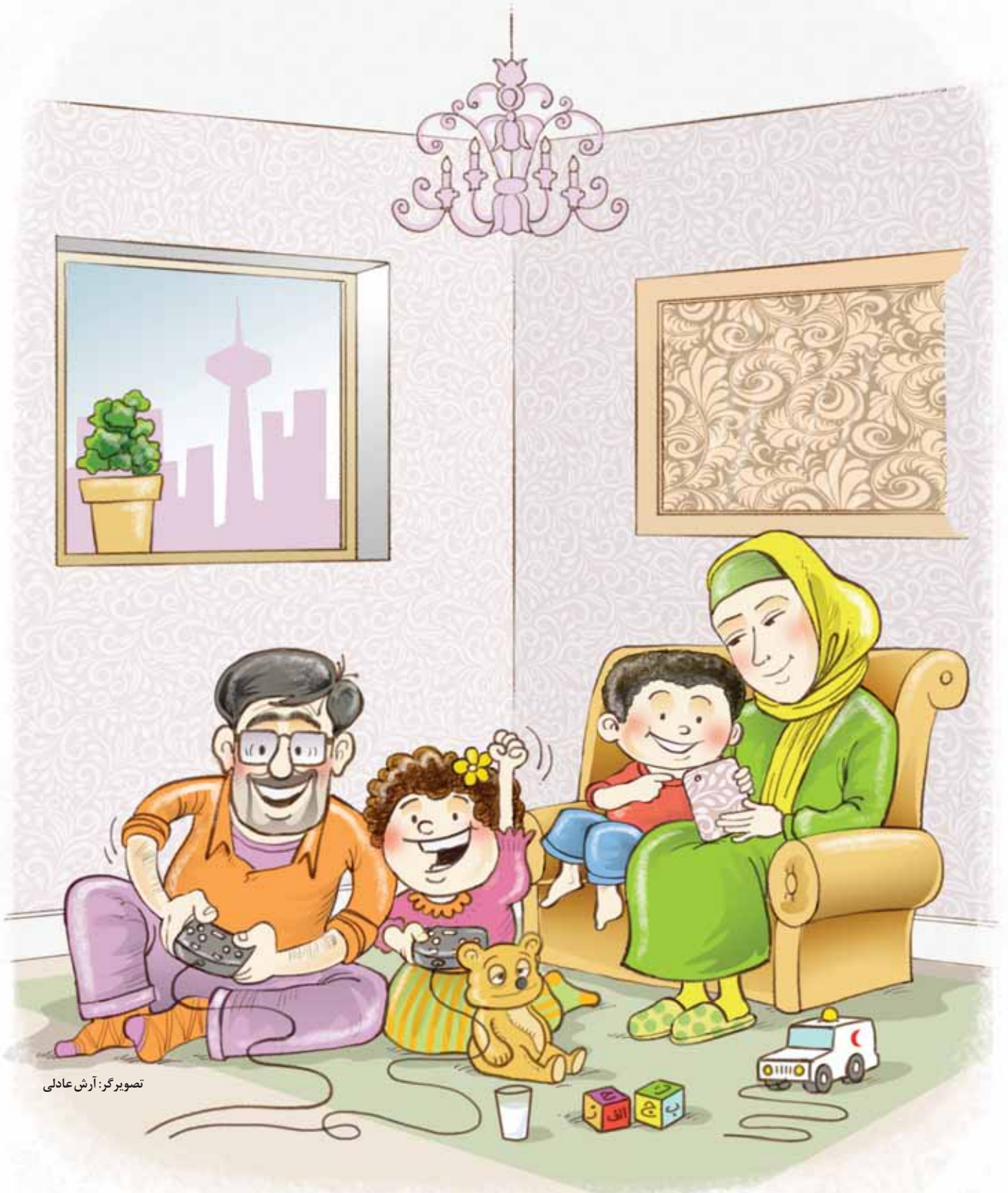
مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

والدین برای آموزش سواد رسانه‌ای
کودکان، باید نقشی همراه و همدل با آنان
داشته و بر مصرف رسانه‌ای آن‌ها
نظارت کنند.



۲۲ دی

روز ولادت حضرت زینب (س)
و روز پرستار مبارک

